

معماری سبز

۱۴

فصلنامه علمی-تخصصی معماری سبز
سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی: ۱۴)، بهار ۱۳۹۸، جلد دو
شاپا: ۲۴۷۶-۵۳۶۸

تحلیلی بر پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری؛ مطالعه

موردی: نواحی شهر خرم آباد

علیرضا سیاف زاده، فاطمه احمدی

بررسی طراحی معماری پایدار با رویکرد طراحی معماری بیونیک و

ارتباط آن‌ها بایکدیگر

بهزاد تقی پور قصابی، احمد میرزاحمدی

مروری بر مفهوم رابطه از نظر اندیشمندان معاصر معماری و

شهرسازی

فرشیده امیدواری، علی حسینی

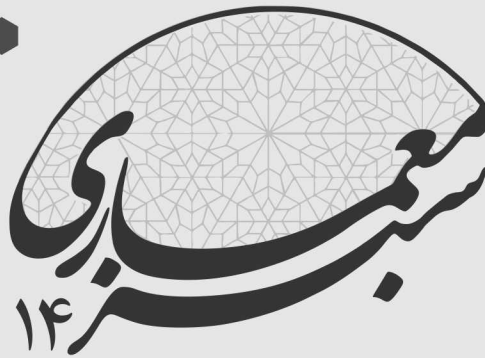
بررسی مقابر دوره سلجوقی ارومیه با تمرکز بر بنای سه گنبد ارومیه

زهرا فرزانه نژاد، نسیم نجات قزلحاجی

شناخت نظریات مطرح در روابط متقابل شهر و روستا در جهان و

ایران جهت دستیابی به توسعه پایدار

اسرا نوروزی



فصلنامه علمی-تخصصی معماری سبز
سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی: ۱۴)، بهار ۱۳۹۸
شاپا: ۵۳۶۸-۲۴۷۶

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
امیر حسین یوسفی
سر دبیر: میلاد فتاحی
مدیر اجرایی: منیژه ملائی

اعضای هیئت تحریریه:

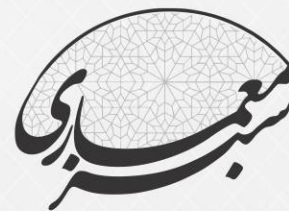
دکتر سید محمدحسین آیت‌اللهی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه یزد
دکتر حمیدرضا صارمی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس
دکتر محمدامین خراسانی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
دکتر سیدعباس رجائی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
دکتر حسن دارابی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
دکتر سارا مهدی زاده؛ عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر غلامرضا شاملو؛ عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان
دکتر تقی حمیدی منش؛ عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان
دکتر روح اله بیات؛ عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان
دکتر محسن عباسی هرفته؛ عضو هیئت علمی دانشگاه یزد
دکتر علی شهابی نژاد؛ عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

دفتر نشریه:

۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷
۰۲۶ ۳۲ ۷۲ ۴۷۸۷
تهران: افسریه، ۱۵ متری چهارم، کوچه ۳۸، پلاک ۲۸، واحد ۲

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی

تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۲۹۳
تلفن: ۰۲۱ ۳۳ ۸۴ ۰۷ ۹۲



فراخوان پذیرش مقاله

مفهوم توسعه پایدار را می‌توان یک تغییر مهم در فهم رابطه انسان با طبیعت و خود دانست. توسعه پایدار، طراحی پایدار، معماری پایدار و مفاهیمی از این دست با توجه به شعائر نخستین‌شان، حفاظت از محیط‌زیست را با تغییر رویکرد نسبت به طبیعت مورد نظر قرار می‌دهند، ولی آنچه امروزه در محیط ساخته شده به دست انسان معتقد به مفهوم پایداری متجلی می‌شود، نوعی برخورد گسسته از طبیعت است که تنها به حفظ آن جهت بهره‌برداری نسل‌های آینده توجه می‌کند. اگرچه اصول معماری پایدار شامل گستره‌ای وسیع از روش‌های ابتدائی تا پیچیده‌ترین فن‌آوری‌های روز می‌باشد، اما مسأله مناسب بودن روش و مطابقت آن با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی عموم بهره‌برداران همواره به عنوان شاخصه‌ای کلیدی در این حوزه مطرح است.

موضوع معماری و شهرسازی پایدار از مباحث مهم در حوزه شهرسازی و معماری است که نگاه بخش وسیعی از صاحبان ادبیات علمی توسعه شهری و طراحان معماری را به خود جلب کرده است. در کشورما، علی‌رغم فعالیت‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر، فقدان تجربیات علمی و پژوهشی که تبیین‌کننده مفاهیم و مباحث این حوزه باشد احساس می‌شود. فصلنامه معماری سبز به دنبال آن است که با گردهم‌آوردن آرای صاحبان اندیشه و دانش‌گاہیان به توسعه این زمینه در کشور کمک نماید. تحریریه به منظور انتشار گسترده پژوهش‌های روزآمد از اساتید، صاحب‌نظران، مهندسان، دانشجویان، کارشناسان، پژوهش‌گران و علاقه‌مندان علوم مهندسی، دعوت می‌کند تا با ارائه مقالات علمی ارزشمند خود، از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.greenarchitecture.ir ضمن مشارکت فعال به غنای این نشریه کمک نمایند.

برای ارسال مقاله به نشریه در وبسایت نشریه ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید. پس از بررسی اولیه و داوری علمی از طرف تحریریه جهت انتشار مقاله با نویسنده مسئول تماس گرفته می‌شود.

موضوعات فصلنامه معماری سبز:

- معماری و شهرسازی پایدار
- آموزش معماری و شهرسازی
- طراحی معماری و مطالعات وابسته
- معماری و شهرسازی ایرانی، اسلامی
- معماری، پایداری فرهنگی و اجتماعی
- نقش محیط‌زیست و اقلیم در معماری و شهرسازی
- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در معماری و شهرسازی

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	تحلیلی بر پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری؛ مطالعه موردی: نواحی شهر خرم آباد علیرضا سیاف زاده، فاطمه احمدی
۱۹	بررسی طراحی معماری پایدار با رویکرد طراحی معماری بیونیک و ارتباط آن‌ها بایکدیگر بهزاد تقی پور قصابی، احمد میرزامحمدی
۲۷	مروری بر مفهوم رابطه از نظر اندیشمندان معاصر معماری و شهرسازی فرشیده امیدواری، علی حسینی
۳۷	بررسی مقابر دوره سلجوقی ارومیه باتمركز بر بنای سه گنبد ارومیه زهرآفرینانه نژاد، نسیم نجات قزلحاجی
۴۷	شناخت نظریات مطرح در روابط متقابل شهر و روستا در جهان و ایران جهت دستیابی به توسعه پایدار اسرا نوروزی

تحلیلی بر پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری مطالعه موردی: نواحی شهر خرم آباد

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۰

کد مقاله: ۵۴۹۳۴

علیرضا سیاف زاده^{۱*}، فاطمه احمدی^۲

چکیده

یکی از مسائلی که به شدت توجه همگان را به خود معطوف داشته مسکن و توسعه پایدار آن است. در این میان شهر خرم آباد که در چند سال اخیر با افزایش بی‌رویه جمعیت روبرو شده است، دچار توسعه نامتقارن در ابعاد متفاوت گردیده که نتیجه آن عدم توجه به اصول معماری پایدار در ساخت و ساز واحدهای مسکونی است. هدف از این مطالعه، سنجش وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری است؛ تا از این رهیافت، به یک نوع سطح بندی پایداری اجتماعی مسکن در نواحی یاد شده، منجر گردد. روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی بود. نتایج بدست آمده از آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد، ابعاد پایداری مسکن در بعد اجتماعی دارای شرایط پایدار نیستند. و ارزیابی صورت گرفته در بین شاخص‌های پایداری اجتماعی نشان داد؛ شاخص‌های قابلیت دسترسی، امنیت و مسئولیت پذیری بالاتر از حد نصاب و میانگین بود. و نشان از وضعیت بهتر این شاخص‌ها نسبت به سایر شاخص‌ها بود. همچنین نتیجه آزمون کروسکال والیس نشان داد وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد دارای تفاوت معناداری می‌باشد. در ادامه برای سنجش وضعیت هر ناحیه از لحاظ پایداری اجتماعی مسکن از میانگین رتبه‌ها؛ که با توجه به نتایج بدست آمده و اطلاعات میدانی که در ۵ گروه تقسیم بندی شد؛ گروه اول که شامل نواحی ۴، ۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۱۸ می‌باشند، دارای امکانات از هر لحاظ هستند. دسترسی‌ها، امنیت، تعلق خاطر بیشتر نسبت به محل سکونت خود، توزیع عادلانه کاربری‌ها و ... در این نواحی به خوبی نسبت به سایر نواحی صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، شاخص‌های پایداری اجتماعی، مسکن، نواحی شهری، خرم‌آباد

۱- استادیار دانشگاه پیام نور (sayafalireza@yahoo.com)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری گرایش برنامه‌ریزی مسکن

با وقوع انقلاب صنعتی تحولات عظیمی در شهرنشینی به وجود آمد که به تبع آن بیشترین سکنه کشورها در شهرها سکنی گزیدند (موج اول شهرنشینی). ادامه این روند (اندازه و سرعت شهرنشینی شتابان معاصر) به حدی بود که از هزاره سوم میلادی به عنوان هزاره و موج دوم شهرنشینی یاد می کنند. بنابراین روند شهری شدن زود هنگام جهان واقعیتی گریزناپذیر است. اما بخش عمده این افزایش جمعیت متعلق به شهرهای کشورهای در حال توسعه است. همسن امر مسئله تامین سرپناه و مسکن را در این کشورها به یک بحران جدی و مشکلی در مقیاس جهانی تبدیل کرده است (دارایی، ۱۳۹۶: ۵). و آینده‌ی در حال ظهور این شهرها تا حد زیادی بستگی به این امر دارد که آیا مسکن شهری در قالب ساختمان‌های آراسته قرار می‌گیرد یا در شکل ساختمان‌های غیرقابل تحمل و پناهگاه‌های متزلزل؟ مسکن تعیین‌کننده‌ی روابط متقابل بین انسان و محیط فیزیکی و فضای اجتماعی (Un-Habitat, World Cities Report, 2016: 47-52) و واز مهم‌ترین نیازهای اساسی انسان است. این نیاز از ابتدای تاریخ سکونت تا حال حاضر نقش مهمی در شرایط زیستی انسان‌ها ایفا نموده؛ و هرروز بر اهمیت آن افزون می‌شود (Kim and et al, 2003: 26). مسکن به مثابه واحد تسهیلات فیزیکی یا به عنوان کالایی اقتصادی و پر دوام که نقش اجتماعی یا جمعی نیز دارد، چونان مجموعه‌ای از خدمات و بخشی اقتصادی است (Bourne, 1981: 14). و افزون بر اینها مشتمل بر رفع نیازهای مالی، به عنوان نمایش مقام و وضعیت اقتصادی- اجتماعی افراد نیز هست (Cater and Trevor, 1980: 38).

همچنین مسکن مناسب برای زندگی بیش از یک سقف و چهار دیوار می‌باشد. که می‌توان آن را چنین تعریف کرد، مکان و جایی که از حریم خصوصی محافظت کند و به سلامت روانی، جسمی و فیزیکی کمک و باعث توسعه و یکپارچه‌سازی اجتماع ساکنان و محلی امن و ایمن برای زندگی با شرایط دسترسی به امکانات اولیه و خدمات حیاتی از قبیل حمل و نقل، خدمات بهداشتی، آموزشی، اجتماعی و تفریحی و... دسترسی داشته باشد (Xavier Bonnefoy, 2007: 414). با توجه به تعریف کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل (ICESCR)، مسکن مناسب مسکنی است با امنیت تصدی، دسترسی به خدمات، امکانات و زیر ساخت‌های اولیه با مواد و مصالح مناسب و بادوام که با توجه به توان مالی افراد و شرایط فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای در مکانی مناسب احداث گردیده است (شاهری، ۱۳۹۵: ۲). همچنین در تمامی تحقیقات دانشگاهی به بعد روانی و اجتماعی اهمیت مسکن، به دلیل ایمنی، راحتی، ثبات، رفاه و توانمندسازی خانواده‌ها اذعان شده است (Easthope, H, et al, 2015: 150). بنابراین دسترسی به مسکن مناسب پیش‌شرطی است برای برخورداری از سایر جنبه‌های حقوق بشری، از جمله حق کار، بهداشت، امنیت اجتماعی، حفظ حریم خصوصی، آموزش و پرورش و... (Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2014: 9).

یکی از مسائلی که به شدت توجه همگان را به خود معطوف داشته مسکن و توسعه پایدار آن و همگام با آن توسعه انسانی است. در چنین استراتژی استفاده بهینه از منابع و امکانات، بدون تباهی آنها مدنظر قرار می‌گیرد (بسحاق و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۱). در این میان، نقش شهر و نواحی شهری به طور مستقیم و شهرسازی و ساخت فیزیکی آن به طور غیر مستقیم و سهم آن‌ها در ناپایداری موجود، به سرعت توجه جدی محافل علمی و حکومتی و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است. توصیه‌ها بر این است که شهرها باید به عنوان نقاط و کانون‌های اصلی برای حل مشکلات جهانی و دستیابی به توسعه پایدار استفاده شوند (بزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۷). نکته مهمی که در اسناد دومین اجلاس اسکان بشر بدان توجه شده است، اهمیت نقش اسکان پایدار و تأمین مسکن مناسب برای مردم در روند توسعه است (بسحاق و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). عوامل اقتصادی، سبک معماری، زبان بومی منطقه، گرایش‌های سبک شناختی، آب و هوا، جغرافیا و آداب و سنن محلی در توسعه و طراحی مسکن در مکان‌های مختلف تأثیر گذارند (Sendich, 2006: 185).

بنابراین مسکن پایدار عبارت است از مسکنی که از لحاظ اقتصادی متناسب، از لحاظ اجتماعی قابل قبول، از نظر فنی و کالبدی امکان پذیر و مستحکم و سازگار با محیط زیست باشد (Charles, 2007: 3). پایداری اجتماعی در واحدهای مسکونی وضعیتی است که ساکنان از زندگی در خانه خود رضایت داشته باش و از همسایگی با سایر ساکنان لذت برند. در این وضعیت، مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر می‌شود و اکثریت ساکنان نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می‌یابند. بنابراین ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری آن بوده، در نگهداری و بهبود وضعیت موجود مشارکت و هماهنگی خواهند داشت. در این صورت عمر مفید واحدهای مسکونی پایدار نسبت به سایر واحدها بیشتر می‌شود (ضرغامی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). البته باید در نظر گرفت که کیفیت زندگی در سکونت‌گاه فراتر از داشتن یک سقف بالای سر افراد و مقدار فضای کافی زندگی و امثال آن هست و باید رضایت روانی و اجتماعی افراد را به دنبال داشته باشد (Karuppannan and Sivam, 2009: 3)؛ در این میان شهر خرم آباد که در چند سال اخیر با افزایش بی‌رویه جمعیت روبرو گردیده است. دچار توسعه نامتوازن در ابعاد متفاوت گردیده که نتیجه آن عدم توجه به اصول معماری پایدار در ساخت و ساز و بالاخص در طراحی واحدهای مسکونی به وضوح قابل مشاهده و لمس است. بی توجهی به بافت‌های فرهنگی و اجتماعی، مسائل اقلیمی، توپوگرافی، اقتصاد مردم،

مسائل جغرافیایی، دوام و پایداری خانه‌ها، و .. که همگی از اصول دست‌یابی به معماری پایدار می‌باشند. موجبات عدم آسایش و حس سرزندگی در بین ساکنان واحدهای مسکونی شده است.

بر مبنای مسئله فوق، هدف از این مطالعه، پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد است که سعی شده تا با توجه به گستردگی و پیچیدگی مفهوم مسکن بطور خاص و ویژه ای وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد مورد تحلیل قرار گیرد؛ تا از این رهیافت، به یک نوع سطح بندی پایداری اجتماعی مسکن در نواحی یاد شده منجر گردد زیرا با نگاهی اجمالی‌تر به بخش مسکن در این شهر می‌توان شاهد وجود شکاف قابل توجهی میان نواحی این شهر بود. و به نظر می‌رسد وضعیت ناحیه های شهر خرم آباد در برخورداری از شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن نامتعادل بوده و اختلاف زیادی در این زمینه وجود دارد. و در آخر نیز می‌توان ناحیه های برخورداری و محروم را مشخص کرده و ناحیه برتر از لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مسکن را مشخص نمود. که می‌تواند تا حد زیادی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب در زمینه توسعه و محرومیت‌زدایی و برقراری عدالت اجتماعی یاری رساند.

۲- سوالات تحقیق

- وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در شهر خرم‌آباد چگونه است؟
- پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری، شهر خرم آباد چگونه ارزیابی می‌شود؟

۳- مبانی نظری

در طول تاریخ حیات بشر، مسکن همواره به عنوان نیاز پایه‌ای بشر مطرح بوده است. چنانکه در مجمع عمومی سازمان ملل، مسکن مناسب و امن را حق پایه‌ای و حیاتی انسان برای ایجاد زندگی انسانی مطرح می‌کنند (Mahbubpur, 2002: 273). افراد در قالب مسکن نیازهای مختلف زیستی خود را برآورده می‌سازند. همچنین مسکن محیطی است که در آن خانواده تشکیل و تداوم پیدا می‌کند. این کالای بادوام، ضروری و حساس در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در زندگی انسان نقش بازی می‌کند. در بسیاری از موارد، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان رضایت‌مندی فرد از سکونت در محله، مسکن و شرایط محیطی آن است (Westaway: 2006: 187). اهمیت مسکن باعث شده که در زمان‌های مختلف در جهت بهبود مسکن برنامه‌ریزی‌هایی صورت گیرد و چه‌بسا انتخاب برنامه صحیح در زمینه مسکن به روند توسعه کشورها کمک کرده باشد (قادر مرزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴). هدف آرمانی برنامه‌ریزی مسکن، تهیه مسکن مناسب از نظر نوع، قیمت، اندازه، امنیت در تصرف برای هر خانواده با تمام امکانات مناسب درونی و بیرونی در یک محل مناسب است (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۲). عوامل اقتصادی، سبک معماری، زبان بومی منطقه، گرایش‌های سبک‌شناختی، آب‌وهوا، جغرافیا و آداب و سنن محلی در توسعه برنامه‌ریزی و طراحی مسکن در مکان‌های مختلف تأثیرگذار هستند (Sendich. 2006: 185). این موارد نشان‌دهنده گستردگی مطالعات در بخش مسکن است. گسترده بودن قلمرو مطالعات مسکن و برنامه‌ریزی برای آن باعث شده است که از دیدگاه‌های گوناگون از جمله معماری، فنون احداث بنا، تأسیسات بناهای مسکونی، هزینه زمین و ساختمان، اعتبارات مسکن و ... موردبررسی قرار گیرد. برای مثال آنچه در مطالعات جغرافیایی (برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای) موردبررسی قرار می‌گیرد، شناخت وضع موجود و برنامه‌ریزی مطلوب برای رفع نیاز به واحدهای مسکونی و مقدار زمین موردنیاز آن در شهرها و سکونت‌گاه‌هاست. از نظر شهرسازی مسکن باید در بهترین اراضی ساخته شود و از نظر کیفی، مسکن می‌بایست نیازهای مرتبط با خود را برطرف نماید. از همین رو، بررسی مسائل کیفیت مسکن در کنار سایر مسائل، از موارد اساسی در برنامه‌ریزی مسکن است (سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۳).

ارزیابی کیفی وضعیت مسکن پیش از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۳۸ میلادی، با مطرح‌شدن قلمرو خصوصی و کیفیت واحدهای همسایگی، آغاز شد. این ارزیابی شامل ارتفاع بنا، زمین‌بازی کودکان، محل استقرار بنا، هماهنگی میان خانه و بستر محیطی و وضعیت بهداشتی آن می‌شد؛ همچنین، به کیفیت هوا، وضعیت ظاهری محلات، نقشه‌ی خیابان‌ها و خدمات عمومی توجه شد (Ha & Weber, 1991: 65). پس از جنگ جهانی دوم، به‌تدریج علاوه بر موضوع مسکن در بخش کالبدی، سایر جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و محیطی مسکن مدنظر قرار گرفت. با آغاز دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، ارزش‌های محیطی در محیط‌های مسکونی - که اصلی‌ترین زیستگاه در شهرهای متراکم‌اند - اهمیت بیشتری پیدا کردند (گروسی، ۱۳۹۵: ۴). لذا امروزه به محیط مسکونی از ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی مسکن توجه می‌شود (Oktay & Orcunoglu, 2007: 7) و پژوهش در مورد مسکن علاوه بر مطالعه‌ی ابعاد فیزیکی، جنبه‌های ساختاری، عملکردی و هویتی محیط مسکونی را در برمی‌گیرد (Mohit, 2010: 3). بنابراین با توجه به تأثیر زیاد مسائل فرهنگی - اجتماعی در بعد مسکن، شناخت اصول پایداری، لازمه دست‌یابی به بحث مسکن پایدار می‌باشد (گلابچی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). اصطلاح "پایداری" به عنوان اصولی برای راهنمایی واکنش‌های عمومی و خصوصی رایج و آینده به کار می‌رود؛ که بر شرایط زیست محیطی،

اقتصادی و اجتماعی اثر می گذارد. علاقه به ارزیابی پایداری شهری از اواخر ۱۹۹۰ افزایش یافته است. پایداری یک سیستم شهری می تواند به طور گسترده به عنوان توسعه شهری و جریان هایی تعریف شود که بتواند نیازهای رایج را بدون تباهی، توانایی های تفکر نسل های آینده برآورده سازد. امروزه نوع نگاه در توسعه شهری این است که شهرها هر اندازه امکان دارد باید با محیط زیست طبیعی سازگار باشند و در حفظ تعادل چرخه طبیعی حیات عمل کنند. به عبارت دیگر، شهرها باید به سوی پایداری گام بردارند و به توسعه پایدار شهری توجه نمایند. موضوع پایداری در سال های اخیر بخش وسیعی از ادبیات شهرسازی را به خود اختصاص داده است. در این میان، شهرها به عنوان مصرف کننده و توزیع کننده اصلی کالاها و خدمات تبدیل به نقاط کانونی بحث پایداری شده اند. شهر پایدار و توسعه یافته شهری است که در حین رشد، توسعه و ایجاد فضاهای جدید، ارتباط منطقی و منسجم بین فضاهای جدید و قدیم برقرار نموده و یکپارچگی و هویت شهر را حفظ و تقویت نماید (خواجه شاهکویی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

خلید الحقلا^۱ هفت مؤلفه پایداری در جوامع را نام می برد که یکی از آن ها مسکن است (Hagla, 2009, 162). درواقع مسکن و کیفیت آن ازجمله مهم ترین عوامل در گسترش مفهوم توسعه پایدار در شهرها و محلات شهری هست؛ در همه نظریات مرتبط با پایداری مسکن، ابعاد اجتماعی - فرهنگی همواره از مهم ترین مولفه های موثر در شکل گیری مسکن پایدار محسوب می شوند. تناسب مسکن با سبک زندگی، و شیوه های اجتماعی و اقتصادی ساکنان، طراحی خانه های مسکونی برای ایجاد زمینه - تعاملات اجتماعی، میزان دسترسی به مراکز آموزشی - فرهنگی و ...، احساس تعلق به مکان، روابط اجتماعی، امنیت اجتماعی و ایمنی ساکنان از مهم ترین ویژگی های مسکن پایدار است (مسعودی راد و ابراهیم زاده، ۱۳۹۴: ۴۵۳). از این رو، مسکن از مفهوم تک ساحتی خویش دور شده و عواملی همچون تأثیرات محیطی و اقلیمی، دوام و انعطاف پذیری خانه ها، فعالیت های اقتصادی و ارتباط آنها با اقتصاد در سطحی بالاتر، بافت های فرهنگی و اجتماعی جوامع و تأثیر مسکن بر کاهش فقر، توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی نیز در زمره ابعاد مهم مسکن قرار گرفته اند (مسعودی راد و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۴۸). یکی از رویکردهای نوین مطالعه مسکن، سنجش جنبه های گوناگون مسکن در قالب شاخص های پایداری مسکن و بالاخص پایداری اجتماعی مسکن است. بنابراین خانه مناسب و شایسته برای انسجام اجتماعی، رفاه شخصی و استقلال فردی امری اساسی به شمار می رود. در صورتی که خانه سازی، روند پایداری نداشته باشد، هیچ جامعه ای نخواهد توانست به توسعه پایدار دست یابد. پایداری اجتماعی در مسکن، وضعیتی است که ساکنان از زندگی در خانه خود رضایت داشته باشند و از همسایگی با سایر ساکنان لذت برند. در این وضعیت، مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر می شود و اکثریت ساکنان نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می یابند. بنابراین ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری آن بوده، در نگه داری و بهبود وضعیت موجود مشارکت و هماهنگی خواهند داشت (سرچانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲). این نکته قابل ذکر است که فضای پایدار به لحاظ اجتماعی باید در کنار تقویت جریان زندگی، کیفیت آن را نیز بهبود بخشد. این موضوع خود منجر به ایجاد جریاناتی می گردد که در آن انسان ها به مصرف کنندگانی آگاه و ناظرانی دائمی تبدیل خواهند شد. همچنین پایداری اجتماعی یا همان حفظ سرمایه اجتماعی هزینه کار با یکدیگر و همکاری را کاهش می دهد و با به وجود آوردن اعتماد از هزینه مبادله می کاهد و فقط مشارکت منظم در جامعه و جامعه مدنی قوی (شامل حکومت) است که می تواند چنین وضعی ایجاد کند. به طور کلی پایداری اجتماعی زمانی حاصل می شود که معماری و شهرسازی شرایطی را برای برقراری فرهنگ و روش زندگی انسانی و صحیح افراد در کنار یکدیگر فراهم کند تا بدین ترتیب به بهبود سطح کیفی زندگی کمک کرده و موجبات تعاملات و مشارکتهای هر چه بیشتر افراد جامعه را رغم بزند (صمیمی فر و حمزه نژاد، ۱۳۹۱: ۲).

پایداری اجتماعی را اینچنین تعریف می کند: «پایداری اجتماعی شهر الزاما" ارتباطی با پایداری زیست محیطی و اقتصادی شهر ندارد هر چند که گاهی" این ارتباط موجود است پایداری اجتماعی با سرزندگی، وحدت و همبستگی، حس تعلق به مکان بین ساکنین شهر شناخته می شود (Knox and pinch, 2000: 388). پایداری اجتماعی بدین معناست: بهبود شرایط زندگی در جوامع و ایجاد یک روندی که جوامع بتوانند به این شرایط برسند (McKenzie, 2004: 12). پایداری اجتماعی، به مفهوم توانمند کردن همه گروهها، برای بهره مندی از نیازمندی های ضروری، شامل دستیابی به سطح معقول و منابعی از آسایش، در واقع تقسیم عادلانه فرصت ها را در زمینه سلامتی و تحصیلات مورد توجه قرار می دهد (Assefa a Frostell, 2007 : 64-65). اما مفهومی که در سال های اخیر در رابطه با پایداری اجتماعی مطرح شد و در روش های جدید سنجش و ارزیابی عملکرد سازمان ها، مانند روش ردپای پایداری اجتماعی مک الروی و همکاران (۲۰۰۷)، نیز به کار رفته، اصطلاح خط پایین سه گانه است که اولین بار توسط جان الینگتون در سال ۱۹۹۷ مطرح شد اما به سرعت گسترش یافت. معنی این اصطلاح آن است که امکان دستیابی به سطح مطلوبی از پایداری اقتصادی، اجتماعی یا زیست محیطی (به طور جداگانه) بدون دستیابی به حداقل سطوح اساسی از هر سه شکل پایداری به طور همزمان وجود ندارد. هرچند در، این مفهوم هر سه جزء تشکیل دهنده توسعه پایدار از ارزش یکسانی

برخوردار است اما در عمل تجربیات بسیاری از کشورها و سازمان ها نشان داده است که مرکزیت حوزه اقتصاد همچنان حفظ شده و مخصوصاً مؤلفه های اجتماعی در حاشیه قرار دارند، زیرا این تصور که علوم اجتماعی حمایت کننده بخش اقتصاد و محیط زیست است همچنان حفظ شده است. یکی از علل کاستی در این زمینه عدم شاخص سازی اصولی پایداری اجتماعی و عدم تبیین صحیح جایگاه این عنصر در ارتباط با سایر اجزاء توسعه پایدار است. با اینکه در رویکردهای جدید تلاش شده پایداری اجتماعی نه به عنوان یک عنصر در کنار عناصر دیگر بلکه عنصری دخیل و ممزوج در کلیه عناصر شامل اقتصاد، فرهنگ، محیط زیست و سیاست دیده شود. اما این دیدگاه ها نیز در ابتدای راه قرار داشته و احتیاج به تصریح و تبیین دارند. یکی از نظریات جامعه شناسی که در بسط مفهومی پایداری اجتماعی نقش داشته نظریه نیازهای اساسی است. بر اساس این نظریه که اولین بار مازلو آن را مطرح کرد، نیازهای انسان در یک سطح فردی به صورت پله کانی از پایین به بالا جریان دارد به این صورت که با رفع نیازهای سطح پایین، نیازهای سطح بالاتر آشکار میگردند. انتقادی که به این نظریه در سطح عملی وارد است پایین آوردن سطح توسعه به بهبود شرایط حداقلی و تأمین نیازهای صرفاً اقشار ضعیف می باشد. انتقاد دیگر در رابطه با ابهام مفهوم نیازهای اساسی در این رویکرد است که تعیین مصداق آن را با مشکل مواجه می سازد. باین حال افرادی سعی کرده اند این ابهام را بازگشایند، ازجمله ناگل (۱۹۸۵) برای نیازهای اساسی دو بعد مادی و غیرمادی قائل شده است. ۱- نیازهای اولیه مادی شامل غذا، سرپناه، پوشاک، آب آشامیدنی، خدمات بهداشتی، مراقبت های پیشگیری از بیماری، آموزش. ۲- نیازهای اولیه غیرمادی شامل رضایت از فرصت های شغلی، مشارکت در تصمیمات محلی، مشارکت در قدرت سیاسی، آزادی سیاسی، برابری فرصت های اقتصادی، تضمین حقوق اولیه انسانی.

نظریه دیگری که در تکوین مفهوم پایداری اجتماعی نقش داشته نظریه سرمایه اجتماعی است که جامعه شناسانی مانند پاتنام (بارویکرد انتخاب عقلانی) و بوردیو (با رویکرد طبقه) آن را بسط داده اند. این نظریه مبتنی بر این ایده است که سرمایه اجتماعی می تواند سنجشی از یک منبع ثروت در بعد اجتماعی پایداری باشد. در اینجا، بعد اجتماعی به عنوان یک عامل تولید در نقش تولید اجتماعی ادراک می شود و سرمایه اجتماعی، واقعی، انسانی و طبیعی همگی عوامل مکمل تولیدند. رویکرد دیگر، نظریه کارکردگرایی ساختاری است که مفهوم پایداری را با توجه به پیش نیازهای کارکردی جامعه برای حفظ و استمرار در خود بسط داده است. الگوی مورد استفاده در این رویکرد، نظریه نظام های اجتماعی پارسونز است که در آن سیستم های اجتماعی برای دستیابی به اهداف بیرونی خود از ابزار انطباق استفاده نموده و برای ثبات درونی خود از ابزار حفظ الگو (انسجام) استفاده می کنند (سرخانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸-۷). در پایان می توان گفت: تأمین مسکن و سرپناه از نیازهای اولیه هر انسانی است. اما در سال های بعد از انقلاب صنعتی تأمین این نیاز انسان با توسعه روزافزون شهرنشینی موجب از بین رفتن طبیعتی می شود که تأمین نیازهای آیندگان در گرو وجود و پایداری آن است. و از آنجا که تحقیقات انجام گرفته در زمینه پایداری مسکن در مقایسه با تحقیقات صورت گرفته در سایر زمینه های مرتبط با مسکن بسیار اندک می باشد. بسیاری از تحقیقات صورت گرفته نیز به یک الی دو دهه گذشته مربوط می شود. با این حال هیچ یک از پژوهش های صورت گرفته، به بررسی پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد نپرداخته اند. در اینجا به تعدادی از تحقیقات صورت گرفته اشاره شده است.

جدول ۱: پیشینه تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

نویسنده (گان)	سال	موضوع	نتایج
کولیوند	۱۳۹۰	تحلیل ساختار فضایی محله شهری بر مبنای توسعه پایدار اجتماع نمونه موردی دارآباد تهران	نویسنده در تحقیق خود که با روش توصیفی- تحلیلی و میدانی انجام شد به بررسی بهبود ساختار فضایی محله و شناخت وضع موجود محله بویژه در بعد اجتماعی و شناخت گروههای ساکن در محله پرداخته و در آخر به ارائه راهبردی مبتنی بر پذیرش تنوع فرهنگی و ایجاد تداوم سرمایه اجتماعی در جهت ایجاد وفاق و همبستگی بین ساکنان می پردازد.
طهماسبی	۱۳۹۱	نقش فضاهای عمومی در پایداری اجتماعی شهر	نویسنده در تحقیق خود که با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و میدانی انجام شده، با اشاره به نقش فضاهایی عمومی به عنوان یکی از مولفه های اساسی در کیفیت محیط شهری، و در برنامه توسعه شهری به عنوان ضرورتی مهم و بدلیل فقدان پارک ها و فضاهای عمومی در مرکز شهر با تجزیه و تحلیل پرسش ها به این نتیجه رسید بین ویژگی های محل سکونت ساکنین، میزان استفاده از فضای عمومی رابطه قابل مشاهده نیست. و همچنین به افزایش میزان رضایتمندی افراد از فضاهای عمومی باعث افزایش حس تعلق آنان می شود.

نویسنده(گان)	سال	موضوع	نتایج
سلطانی و علیخانی	۱۳۹۳	کیفیت سنجی پایداری در مساکن ارزان قیمت (نمونه موردی: مسکن مهر دولت آباد - کرمانشاه)	این مقاله به شیوه مطالعات اسنادی و تحقیقات میدانی به روش تحلیلی توصیفی سعی بر واکاوی مسئله ساخت مسکن ارزان قیمت و تاثیرات آن بر شهر و زندگی ساکنان این مساکن و بافت شهری اطراف آن داشت، و به عنوان نمونه مورد مطالعه مسکن مهر دولت آباد کرمانشاه را مورد بررسی قرار داد. و به این نتیجه دست یافت که: پروژه مسکن مهر دولت آباد اگرچه در دستیابی به اهداف بخش اقتصادی عملکرد مناسبی داشته، اما در دستیابی به دو هدف مهم دیگر یعنی اهداف اجتماعی و زیست محیطی نتوانسته به خوبی عمل کند، به طور کلی نتوانسته نقش خود را در این زمینه به شکل مؤثری ایفا کند، و به این دلیل مطلوب ارزیابی نمی شود.
یارمرادی	۱۳۹۴	تحلیل پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی منطقه ۲۲ تهران	هدف این تحقیق چارچوبی مناسب برای برنامه ریزی مجتمع های مسکونی جهت ارتقای تعلقات اجتماعی و کیفیت سکونت و دستیابی به شاخصهای توسعه پایدار اجتماعی را پیشنهاد کند. روش مطالعه در این پایان نامه توصیفی- تحلیلی بود که، بر اساس نتایج تحقیق دسترسی به زمین، تعاونی های مسکن و غیره موجب هدایت سازمان ها و ارگان های دولتی، نظامی و غیره به این منطقه شده است و در پرسشنامه مربوط به ساکنین، نتایج تحقیق نشان داد که زندگی در مجتمع های مسکونی علاوه بر افزایش امنیت و کاهش هزینه های عمومی زندگی موجب کاهش حس تعلق به مکان و انزوا و بیگانگی شده است.
یوسف زاده بکاولی و صباغ پور	۱۳۹۵	بررسی عوامل موثر بر پایداری اجتماعی و نقش آن در طراحی توسعه پایدار	هدف تحقیق این بود که با بررسی رویکرد پایداری اجتماعی و طراحی فضاهای معماری گامی در جهت توسعه پایدار برداریم. این مطالعه بر اساس فرآیند مطالعاتی و کتابخانه ای انجام پذیرفته و نتایج پژوهش بیانگر آن بود که شاخص های اجتماعی چگونه منجر به طراحی پایدار و در نتیجه توسعه پایدار می شود.

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر هدفی کاربردی دارد و نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای اسنادی و از روش پیمایشی همچون مشاهده، پرسشنامه استفاده شده است. با بررسی و مطالعه مقالات، کتب، متون علمی، اسناد و... اطلاعات مورد نیاز درباره موضوع پژوهش تهیه گردیده است. با توجه به این که پژوهش حاضر به دنبال شناسایی شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد است؛ با استفاده از اطلاعات و داده‌های کتابخانه‌ای- اسنادی و همچنین متون و مقالات علمی داخلی و خارجی به شناسایی و تعریف این شاخص‌ها نموده‌ایم.

جامعه آماری تحقیق ساکنان محدوده مورد مطالعه هستند که بر اساس فرمول کوکران با توجه به جمعیت شهر خرم‌آباد ۳۸۶ نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب شده است. شیوه نمونه گیری افراد مورد مطالعه، استفاده از نمونه گیری تصادفی بوده است. ضمناً برای تحلیل داده‌های بدست آمده از پرسشنامه نرم افزار هار آماری و تحلیلی چون SPSS، GIS، ARC و Excel به کار گرفته می‌شود. و از روش آماری، آزمون تی تک نمونه ای و آزمون کروسکال والیس استفاده شده است.

۴-۱- متغیرها و شاخص‌ها

اندازه‌گیری و ارزیابی پیشرفت در سیاست‌های توسعه پایدار در دهه‌ی اخیر مورد توجه پژوهشگران بوده است. در این زمینه استفاده از شاخص‌ها یکی از ضروری ترین ابزارها برای ارزیابی میزان پیشرفت به سوی توسعه‌ی پایدار مد نظر بوده‌اند. هر جامعه متناسب با شرایط خود از چارچوب‌های خاصی استفاده می‌کند که شامل چارچوب‌هایی مبتنی بر اهداف پایداری، فرایندهای توسعه پایدار است. یکی از چالش‌های ارائه‌ی جوامع پایدار، مشکل شناسایی شاخص‌های مناسب برای اجرا می‌باشد(جمعه پور و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۵). تاکنون شاخص‌ها و معیارهای مختلفی برای ارزیابی و سنجش اصول پایداری اجتماعی مسکن صورت گرفته است اما باید موارد و جنبه‌هایی را انتخاب کرد که در راستای تعاریف و مفاهیم پایداری اجتماعی هستند. بنابراین در پژوهش حاضر برای سنجش پایداری اجتماعی در ناحیه‌های شهر خرم آباد، پرسشنامه‌هایی در سطح نواحی (با توجه به میزان جمعیت هر کدام از نواحی به تفکیک توزیع گردیده است)، تکمیل گردیده اند که بدین منظور، از هشت متغیر قابلیت دسترسی، حس تعلق به مکان،

اعتماد اجتماعی، امنیت، مشارکت اجتماعی، مسئولیت پذیری، عدالت، و میزان رضایت از کیفیت واحد مسکونی جهت بررسی پایداری بافت‌های مختلف شهر استفاده شده است. همچنین برای اندازه‌گیری این شاخص‌های کیفی، با طرح گویه‌های متعدد، سطح پایداری اجتماعی در ناحیه‌های مورد بررسی سنجش شده که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۲: شاخص‌های تحقیق

قابلیت دسترسی	حس تعلق به مکان	اعتماد اجتماعی	امنیت	مشارکت اجتماعی	مسئولیت پذیری	عدالت	رضایت از کیفیت واحد مسکونی
قابلیت دسترسی به فضای سبز و پارک‌ها و مراکز خرید به شکل پیاده روی	مشارکت در امور عمرانی محل زندگی	فراهم نمودن محیط داخلی برای ایجاد حس صمیمیت و شکل‌گیری روابط اعضای خانواده با هم، با همسایه‌ها و خوشاوندان	امنیت تردد زنان و کودکان	تا چه حدی نفاذات فضای شهری از سوی شهروندان رعایت می‌شود.	میزان رضایت از مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی و فضاهای عمومی	تمایل به پذیرش مسئولیت در مدیریت محل	میزان رضایت از مصالح واحدمسکونی و دوام ساختمان
قابلیت دسترسی رضایتمندی از هزینه‌های سفرهای درون شهری و راه‌های ارتباطی	علاقه به ادامه حضور در محل سکونت و اجتماع و دیدار همسایگان	میزان ارتباط و صمیمیت با همسایگان	عدم وجود فضاهای متروکه و رها شده	تا توجه کافی شهرداری به نفاذات فضاهای شهری	فاصله اثاثیه و مبلمان شهری با محل سکونت	احساس مسئولیت نسبت به همسایگان	میزان رضایت معماری داخلی و بیرونی واحد مسکونی واحد مسکونی
قابلیت دسترسی به مراکز بهداشتی - درمانی و مراکز آموزشی	مناسب و سازگار بودن محل زندگی با سبک زندگی	میزان ارزیابی همکاری برای حل مشکلات محله مسکونی را به چه حد	امنیت در مقابل سرقت از منزل و ورود افراد غریبه در محله مسکونی	تمایل برای ارتقا کیفیت فضاهای شهری، داوطلبانه مشارکت مالی یا غیر مالی (مثلا تلاش در جهت حفظ و نگهداری بهتر فضا)	میزان رضایت از تأسیسات زیر بنایی در نزدیکی محل سکونت	احساس مسئولیت نسبت به حفظ و نگهداری محل زندگی	کمیت و کیفیت فضاهای داخلی شامل فضاهای اصلی و فضاهای سرویس دهنده و فضاهای مشاع خارج از ساختمان
گرددشگری و توریستی و مراکز خرید	احساس تعلق و دلبستگی به محله مسکونی و مناسب بودن واحد مسکونی با زمینه فرهنگی	میزان اعتماد به همسایگان و ارتباط اجتماعی	وجود فضاهایی مبنی بر تجاوز یا عدم اعتنا به حقوق جمعی شهروندان	مشارکت مطلوب کاربران دائمی فضاهای شهری در حفظ نگهداشت و ارتقا آن	رضایت از توزیع مکانی تجهیزات محله ای		تاثیر مهاجرت بر ساخت و سازهای غیراصولی مسکن

رضایت از کیفیت واحد مسکونی	میزان آراش در واحد مسکونی	میزان رضایت از سیستم های فاضلاب واحد مسکونی	میزان رضایت از نمای ساختمان (المان های بصری)	میزان رضایت از نوع سوخت و سیستم گرمایش	کیفیت مسکن در مقابل بلایای طبیعی
عدالت					
مسئولیت پذیری	استفاده از فضاهای شهری محل زندگی در زمان های مختلف				
مشارکت اجتماعی	کمک به سازمان های شهری از برای مشارکت در حفظ و نگهداری بهتر فضاها	تلاش برای رفع مشکلات همسایگان			
امنیت	وضعیت نظارت و مراقبت از فضاهای عمومی از سوی نهادهای مسئول	حضور نیروی انتظامی در ایجاد نظم و امنیت	روشایی معابر	احساس امنیت در هنگام استراحت در داخل پارک و رفتن به مراکز خرید	تأثیرات وجود خرده فرهنگ های مختلف در ایجاد ناامنی محل زندگی
اعتماد اجتماعی		فراهم نمودن فضاهای داخلی مسکن تا چه اندازه فرصت برقراری کنش و واکنش اجتماعی			
حس تعلق به مکان	عقیده مثبت در مورد محل زندگی و تأمین نیازها	احساس ناراحتی در صورت انتقال محل زندگی به مکانی دیگر	وجود حس همسایگی بین ساکنین محل و تمایل به همکاری در فعالیت های همجاری در سطح محله	احساس تعلق به محل زندگی و میزان سازگاری آداب و رسوم محله ای با اعتقادات و تفکرات مردمی	ارتباط میان احساس تعلق به مکان و مشارکت مردمی با افزایش میزان رضایتمندی
قابلیت دسترسی	قابلیت دسترسی به مراکز ارتباطی از جمله ICT، دفاتر پیشخوان خدمت و خدمات الکترونیکی و خودپردازها	قابلیت دسترسی به مجتمع های فرهنگی - هنری و فضاهای ورزشی و مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت و سینما و تئاتر	قابلیت دسترسی به حمل و نقل عمومی و محل کار و پارکینگ های محله ای	قابلیت دسترسی دسترسی به دواير دولتی و رضایت از توزیع فضایی آنها	قابلیت دسترسی به مراکز آموزش عالی از جمله دانشگاه ها و موسسات دولتی و خصوصی

رضایت از کیفیت واحد مسکونی	عدالت	مسئولیت پذیری	مشارکت اجتماعی	امنیت	اعتماد اجتماعی	حس تعلق به مکان	قابلیت دسترسی
میزان کیفیت مسکن از نظر آسایش و راحتی و رضایت از متناسب بودن تعداد اتاق				وجود تسهیلات لازم برای کاهش خطر برخورد پیاده با سواره در فضاهای		زندگی اجتماعی / مبتنی بر اعتماد و روابط همسایگی صمیمانه، تعلق خاطر به محیط در مساکن	قابلیت دسترسی به مراکز مذهبی (مساجد، حسینیه و...) و سرای محله به شکل پیاده وری

مأخذ: نگارندگان

۴-۲- آزمون t تک نمونه ای

جهت مقایسه هر کدام از عوامل داخلی سازمان با مقدار متوسط از آزمون t تک نمونه ای (One Sample T test) استفاده میکنیم. آزمون های آماری پارامتری برای یک گروه زمانی به کار می روند که قصد داشته باشیم میانگین یک نمونه را با یک میانگین مفروض و نظری مقایسه کنیم. این میانگین مفروض یا نظری می تواند یک مقدار معمول یا رایج، یک مقدار استاندارد و یا یک مقدار مورد انتظار باشد. به عبارتی، زمانی که قصد داشته باشیم میانگین یک متغیر در پژوهش را با یک میانگین تعیین شده مقایسه کنیم از آزمون t تک نمونه ای بهره می گیریم (کریمی، ۱۳۹۴: ۲۲۲). در این آزمون ما میانگین نمونه را با مقدار ۳ که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است مورد مقایسه قرار می دهیم. چنانچه میانگین هر کدام از عوامل بیشتر از مقدار ۳ باشد و دارای اختلاف معنی داری با این مقدار تعیین شده باشد ($P > 0.05$). نشان از این دارد که عامل مدنظر بر انتخاب استراتژی مناسب موثر است. همچنین لازم به ذکر است که متغیرهای پژوهش چون ترکیبی از چند سوال هستند تسامح به عنوان متغیر فاصله ای در نظر گرفته شده اند. برخی معتقدند که در مواردی که چند متغیر ترتیبی با هم ترکیب می شوند و مقیاسی برای یک مفهوم انتزاعی ساخته می شود می توان آن ها را با تسامح مقیاس فاصله ای در نظر گرفت (نایی، ۱۹: ۱۳۸۸).

۴-۳- آزمون کروسکال والیس

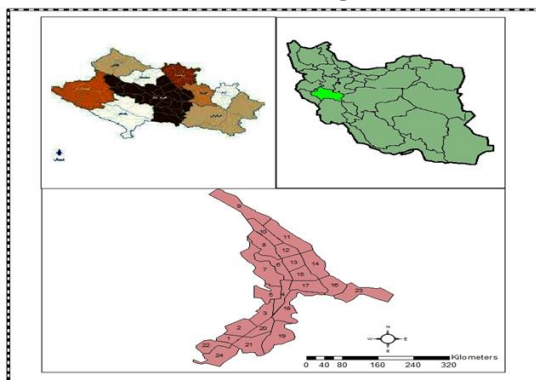
برای مقایسه میانگین یک متغیر کمی نرمال در بیش از دو گروه، از تحلیل واریانس استفاده شد، به عبارت دیگر برای مقایسه میانگین زمانی تحلیل واریانس قابل استفاده بود که پیش فرض های تصادفی بودن نمونه در گروه ها، حداقل فاصله ای بودن متغیر وابسته، نرمال بودن توزیع داده ها در هر یک از گروه ها و همگنی واریانس داده ها در گروه ها برقرار باشد. در موقعیت های عملی ممکن است که انحراف جدی در پیش فرض های مورد بررسی وجود داشته باشد. در این موارد نیاز است که راه حل های جایگزین برای حل مسئله را مورد استفاده قرار داد. یکی از پیشنهاد های اساسی که در بحث تحلیل واریانس استفاده از تبدیل داده ها (برای متغیر وابسته کمی) است. ولی استفاده از تبدیل نیز نرمال شدن توزیع داده ها و یا همگنی واریانس آن ها را تضمین نمی کند. همچنین ممکن است متغیر وابسته به صورت رتبه ای ارزیابی شده باشد. در این صورت برای مقایسه بیش از دو جامعه از معادل ناپارامتری تحلیل واریانس، یعنی آزمون کروسکال والیس استفاده خواهد شد (اصغری جعفرآبادی و محمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۳). به عبارتی اگر بخواهیم در مورد نمونه های گرفته شده از k جامعه قضاوت کنیم از آزمون «H» که گاهی آن را آزمون «کراسکال - والیس» می نامند، استفاده می کنیم. همچنین بر مجموع رتبه های مشاهدات مبتنی و شبیه به تحلیل واریانس است. با این تفاوت که نیازی به نرمال بودن ندارد (جمالپور و ثقفی، ۱۳۹۱: ۳۸). این آزمون در حقیقت تعمیم آزمون U برای مقایسه K جامعه است. به عبارت دیگر، در این آزمون فرض برابر میانگین های K جامعه را آزمون می کنیم. این آزمون نیز بر مجموع رتبه های مشاهدات استوار است. این آزمون به تحلیل واریانس شبیه است. با این تفاوت که به فرض نرمال بودن جامعه ها نیازی نبوده و به جای استفاده از خود، داده ها، از رتبه آنها استفاده می کند (نصیری، ۱۳۸۸: ۲۶۶).

۵- محدوده مورد مطالعه

شهر خرم آباد در موقعیت جغرافیایی ۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۴۳ دقیقه عرض جغرافیایی در جنوب غرب ایران قرار دارد. این شهر به عنوان مرکز استان لرستان، بزرگترین شهر لر نشین و از مهمترین شهرهای غربی کشور، به جهت استقرار در مسیر راه های ارتباطی استان های همجوار لرستان از قدیم الایام برای اسکان عشایر و طوایف مختلف ایلات این منطقه مورد استفاده بوده و به علت سکونت عشایر و یکجانشینی آنان شمار جمعیت شهر را با ازدیاد فراوان روبرو ساخته است. همچنین به

سبب قرار گرفتن بر سر شاه راه تهران - خوزستان دارای اهمیت ارتباطی و راهبردی می‌باشد. جمعیت این شهر طبق سالنامه آماری استان لرستان در سال ۱۳۹۴، ۳۵۴۸۵۵ نفر می‌باشد.

نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی شهر خرم آباد (مأخذ: ترسیم نگارندگان)



۶- یافته‌ها

خرم‌آباد مرکز استان لرستان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران است که پیشینه شهرنشینی آن با نام شاپور خواست به دوران پیش از اسلام بر می‌گردد. این شهر در فاصله ۴۸۰ کیلومتری جنوب غربی تهران و در میان دره‌ای خوش آب و هوا با درختان انبوه و جویبارهای پر آب واقع شده است. همچنین به سبب برخورداری از پیشینه کهن و جاذبه‌های طبیعی فراوان یکی از شهرهای توریستی ایران است. بستر شهر خرم‌آباد در دره‌ای واقع گردیده که رودخانه رباط جاری از شمالی به جنوب از میانه آن می‌گذرد، کوهستانهای سترگ سفید کوه و سیاه کمر چون دیواره‌ای رفیع واقع در دو سمت شرق و غرب آن، این دره را در میان گرفته و هر گونه گسترش را در این جهات محدود کرده است. هسته نخست شهر در کنار مراکز حکومتی و به طور خاص قلعه فلک الافلاک شکل گرفته و دارای جغرافیای کوهستانی و ناهموار است. شکل‌گیری شهر نیز تحت تأثیر عوامل جغرافیایی صورت گرفته است. به این ترتیب که هر کجا دره‌ای که خرم‌آباد در آن شکل گرفته عرض بیشتری داشته و شیب بافت مسکونی کم است. و هر کجا عرض دره کم شده است. شهر نیز تحت تأثیر آن باریک و کشیده شده است. بنابراین این ساختار فیزیکی و ویژگی‌های مرفولوژی بستر محیطی، توسعه شهر را بصورت خطی و به طور عمده در جهت شمال و جنوب و در بستر عرصه‌های مسطح و وسیع این مناطق هدایت نموده است. این اراضی همچنان از جاذبه‌های قوی جهت توسعه شهر و بالاخص توسعه مسکونی برخوردار است. بویژه آنکه در محور شریانی فعال شمالی - جنوبی که این مناطق را به مرکز شهر مرتبط می‌سازد، کیفیت و جاذبه اراضی و عرصه‌های واقع در شمال و جنوب شهر را افزایش داده است که در مجموع می‌تواند بعنوان یکی از گزینه‌های گسترش احتمالی آتی شهر در صورت نیاز ارزیابی گردد. ولی کشاورزی بودن اراضی این مناطق نقطه ضعف این گزینه است.

این شهر به دلیل مواجه بودن با شرایطی همچون نرخ بالای جمعیتی، مهاجرت‌های روستا شهری، ایفای نقش مرکزیت خدمات اداری و سیاسی، اجرای سیاست‌های تمرکزگرا، کمبود اراضی مسکونی و قیمت زیاد زمین و مسکن، هرم سنی جوان، افزایش زوج‌های جوان به عنوان متقاضیان مسکن و... با مشکل کمبود مسکن مواجه بوده است. همچنین از دیگر مشکلات این شهر فرسودگی بافت‌های مسکونی آن است به طوری که شهر خرم‌آباد دارای ۲۸ محله فرسوده با مساحت تقریبی ۲۷۰ هکتار است که در آنها ظرفیت‌های مثبت و منفی زیادی وجود دارد که اگر از فرصت‌های مثبت آن استفاده نشود به ناچار باید منتظر تهدیدات این مکان‌ها در ابعاد مختلف شد. به عبارت دیگر یکی از مشکلات شهرهای قدیمی چون خرم‌آباد وجود بافت‌های فرسوده در کالبد و بخش مرکزی آن است. که اکثر بافت‌های فرسوده در بخش مرکزی شهر و در لایه‌های درونی شهر واقع شده‌اند. که این مشکل فقط به قدیمی بودن بافت و ضرر شخصی یک یا عده‌ای از مردم مختص نمی‌شود. و اگر در مدیریت شهری آن اقداماتی برای ساماندهی این مکان‌ها انجام نشود، خود به خود آغاز کننده سلسله مشکلات دنباله دار از قبیل، تهدیدات، اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی، زیست محیطی و امنیتی شهر خرم‌آباد هستند و در مقابل بافت فرسوده نیز می‌تواند فرصتی مناسب برای باز آفرینی فضای شهری و سامان دادن به طرح و شیوه ساخت و ساز شهر باشد. بافت فرسوده خرم‌آباد ۷ درصد مساحت قانونی شهر است که مساحت کمی را شامل نمی‌شود. اکثریت بافت قانونی شهر خرم‌آباد به علت محصور شدن از طرف شمال، جنوب، شرق و غرب دارای محدودیت زمین است و در امتداد رودخانه شهر شکل گرفته است. این شهر با مساحت قانونی ۳۴۷۵ هکتار، دارای ۲۸ محله و نقطه فرسوده با مساحتی نزدیک به ۲۶۰ هکتار است که نسبت بافت فرسوده به کل مساحت شهر نزدیک ۷ درصد است. این بافت‌ها دارای مشکلات ساختاری هستند که مهم‌ترین آنها شامل، فرسودگی مصالح، برخورداری نامناسب از

خدمات شهری، عدم دسترسی مناسب وسایل ماشینی به دلیل تنگ و باریک بودن کوچه ها، عدم وجود فضای سبز و بازی کودکان، کمبود فضاهای ورزشی و فرهنگی، کمبود فضاهای درمانی، وجود کوچه هایی با شیب بسیار تند مانند سایت پشته، عدم وجود پارکینگ های عمومی، پایین بودن کیفیت زندگی در بافت، در آمد پایین اهالی محل است. که همه این کمبود خدمات و امکانات نشان از نبود پایداری اجتماعی در این محلات است. زیرا این کمبودها خود سبب به وجود آمدن مشکلاتی مانند، تهدید زلزله، ترافیک داخل بافت، مهاجرت اهالی بومی و با اصالت محل به بیرون بافت، احساس کمتر تعلق اجتماعی نسبت به محل زندگی، نارضایتی مردم از شهر و خدمات شهری و .. می شود.

در کنار این مسائل رشد مهاجرت روستاییان به بافت های فرسوده به دلیل ارزان بودن قیمت مسکن، مشکل فقر، پدید آمدن بعضی آسیب های اجتماعی مانند، دزدی، خرید و فروش مواد مخدر و مشکلات دیگر، از دیگر تهدیدات این فضاهاست. البته باید در نظر داشت این محله ها دارای بعضی نکات مثبت نیز هستند که می توان به عنوان یک فرصت برای اصلاح طراحی و شیوه ساخت و ساز بافت از آن استفاده کرد. ریزانگی، نفوذ ناپذیری و عدم پایداری سه شاخصه اصلی بافت های فرسوده محسوب می- شوند. در این مکان ها یکی از تهدیدات این است که، خانه های موجود در بافت فرسوده به حال خود رها شوند و اگر زودتر ساماندهی نشوند به دلیل داشتن ظرفیت منفی، مثلاً در بعد اجتماعی به صورت خودکار هزینه های امنیتی جایگزین بهای عمرانی برای آن ها می شود. علاوه بر مشکلات بافت های فرسوده در شهر یکی دیگر از این مشکلات وجود اسکان غیر رسمی و افراد کم درآمد در حاشیه شهر است که به علت شرایط و موقعیت خاص جغرافیایی (وجود سرما در فصل زمستان) امکان زاغه نشینی و کپر نشینی همانند بعضی از شهرهای دیگر کشور وجود ندارد، لذا اکثریت ساکنین مناطق حاشیه نشین اقدام به ساختن خانه های آجری و مصالح ساختمانی ارزان قیمت می نمایند.

بطور کلی و بر اساس مطالعات انجام شده، حاشیه نشینان خرم آباد از چند گروه تشکیل شده اند: ۱- کسانی هستند اهل شهر خرم آباد که از نظر اقتصادی جز طبقات محروم جامعه شهری هستند و چون در محدوده شهر قادر به اجاره بها و یا خرید خانه نیستند لذا در نقاط حاشیه شهر اقدام به احداث یا خرید سرپناهی نموده اند. ۲- خانوارهایی هستند که از روستاهای اطراف شهر خرم آباد یا روستاهای شهرهای همجوار بنا به شرایط اجتماعی و مشکلات اقتصادی از جمله نداشتن زمین و امکانات کشاورزی و نداشتن درآمد کافی و نیز جاذبه زندگی شهری از زادگاه و دیار خود کنده و به امید زندگی بهتر به این نقاط مهاجرت کرده اند و اکثر قریب به اتفاق خانوارهای حاشیه نشین از همین گروه هستند. ۳- گروه سوم که نسبت به گروه قبل تعداد کمتری هستند، خانوارهایی هستند که از استان های دیگر به علت نبود شغل مناسب در محل خود و وجود تعدادی از اقوام خود در محلات حاشیه ای شهر، به این مکان ها مهاجرت کرده و بر تعداد حاشیه نشینان و آسیب آفرینان اجتماع شهری می افزایند (اسمعیل نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۳). بنابراین این شهر نیز مانند بسیاری از شهرهای کشور با مشکل حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی مواجه می باشد. و حدود ۵/۹۲ درصد از کل محدوده قانونی شهر خرم آباد را بافت های حاشیه ای تشکیل می دهند. با توجه به مسائل و مشکلات مطرح شده در شهر خرم آباد و به دلیل نبود مطالعات پیشین در زمینه تحت بررسی، ضرورت سنجش شاخص های پایداری اجتماعی مسکن در این محدوده ضروری بود.

۶-۱- اطلاعات توصیفی پرسشنامه

جدول ۳: ویژگی های جامعه آماری صاحبان مسکن و اهالی (مأخذ: اطلاعات گردآورنده)

متغیر	فراوانی	نسبت از کل
جنس	زن	۱۴۰
	مرد	۳۶,۲۷
وضعیت تأهل	مجرد	۲۴۶
	متأهل	۳۹,۶۴
سن	۱۵-۲۵	۶۰,۳۶
	۲۶-۴۵ ساله	۱۲,۰۹
	۴۶-۶۰ ساله	۲۷۳
	بیشتر از ۶۰ ساله	۷۰,۷۲
تحصیلات	زیر دیپلم	۴
	دیپلم و فوق دیپلم	۲۷
	لیسانس	۲۶,۴۲
	فوق لیسانس و بالاتر	۴۳,۵۲
		۲۳,۰۵

متغیر	فراوانی	نسبت از کل
دولتی	۱۴۲	۳۶,۷۹
آزاد	۱۴۴	۳۷,۳۱
سایر (مغازه‌دار، نانوا، خیاط، بنا، نگهبان، راننده، تعمیرکار، مکانیک و ...)	۱۰۰	۲۵,۹۱

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، از مجموعه پاسخگویان ۶۴ درصد را مردان تشکیل می‌دهند و ۳۶ درصد را نیز خانم‌ها به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در زمینه وضعیت تأهل افراد متأهل با ۶۰ درصد بیشترین گروه پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. و افراد مجرد نیز ۴۰ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس سن پاسخگویان محدوده سنی ۲۶ تا ۴۵ سال با ۷۱ درصد از کل نمونه پاسخگویان بیشترین نسبت را به خود اختصاص داده است و پس از آن رنج سنی ۴۶ تا ۶۰ سال با ۲۰ درصد بیشترین فراوانی را شامل می‌گردد. از نظر میزان تحصیلات نیز افراد با مدرک لیسانس با حدود ۴۴ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و پس از آن افراد با مدرک دیپلم و فوق دیپلم با ۲۶ درصد در مرتبه‌ی بعدی قرار دارد. وضعیت شغلی افراد نیز گویای آن بود که شاغلان در بخش آزاد و دولتی هر کدام با ۳۷ درصد بیشترین گروه پاسخگویان و بعد از آنان شاغلان بخش سایر که شامل نانوا، خیاط، بنا، تعمیرکار و ... می‌شدند، با ۲۶ درصد در مرتبه بعدی قرار داشتند.

جدول ۴: آزمون آماری تی تست تک نمونه‌ای (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

One-Sample Statistics				
خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه‌ها	
۰.۱۷۴۸	۰.۳۴۳۵۱	۲,۹۱۲۷	۳۸۶	مجموع شاخص‌ها

جدول ۵: آزمون آماری تی تست تک نمونه‌ای (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

One-Sample Test						
	Test Value = 3					
	t	درجه آزادی	Sig. (سطح معناداری)	Mean Difference	99% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
مجموع شاخص‌ها	166.587	385	.000	2.91265	2.8674	2.9579

برای پاسخ به سوال اول تحقیق از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. به این صورت که متوسط شاخص‌ها جهت محاسبه سطح استاندارد پایداری در نظر گرفته شده است و داده‌ها در هر یک از شاخص‌ها با این عدد سنجیده شده‌اند. این آزمون عموماً برای مقایسه میانگین‌های یک جامعه به کار می‌رود. بنابراین در این آزمون میانگین نمونه را با مقدار ۳ که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است مورد مقایسه قرار دادیم. چنانچه میانگین هر کدام از عوامل بیشتر از مقدار ۳ باشد و دارای اختلاف معنی داری با این مقدار تعیین شده باشد ($P > .05$) نشان از این دارد که عامل مدنظر بر انتخاب استراتژی مناسب موثر است. همچنین آزمون T تک نمونه‌ای، فرض H_0 حاکی از مطلوبیت پایداری با عدد سه (حد متوسط پایداری) می‌باشد. و فرض H_1 حاکی از عدم مطلوبیت با حد متوسط پایداری است. در این صورت باید از مقادیر حد بالا و حد پایین استفاده کرد که:

هر گاه حد بالا و پایین مثبت باشند، میانگین از مقدار مشاهده شده بزرگتر است.

هر گاه حد بالا و پایین منفی باشند، میانگین از مقدار مشاهده شده کوچکتر است.

بنابراین به منظور بدست آوردن ارزیابی وضعیت پایداری اجتماعی مسکن شهر خرم آباد، میانگین پایداری شهر برابر با ۲/۹۱ بدست آمد. از طرفی از طرفی در پرسشنامه از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شد و رتبه‌های ۱ تا ۵ به پاسخ‌ها اختصاص یافت. بدین ترتیب عدد ۳ به عنوان میانه‌ی نظری پاسخ‌ها به دست آمد و میانگین امتیاز پایداری اجتماعی به دست آمده با عدد ۳ مقایسه گردید. هر چه مقدار محاسبه شده برای پایداری از ۳ کوچکتر باشد، نشان از عدم پایداری و هر چه این مقدار بزرگتر باشد، وضعیت پایدارتر است. در واقع، میانگین پایداری در شهر خرم‌آباد با عدد ۳ اختلاف معنی داری ندارد. با این حال از وضعیت میانگین کمتر است. به عبارت دیگر یافته‌ها حاکی از آن است که ابعاد پایداری مسکن در بعد اجتماعی دارای شرایط پایدار نیستند. و توجه بیشتر به این شاخص‌ها را می‌طلبد. و جا دارد حمایت بیشتری در راستای بهره‌مندی از این شاخص‌ها صورت گیرد.

جدول ۶: آزمون آماری تی تست تک نمونه‌ای شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

One-Sample Test (Test Value = 3)						
شاخص‌های پایداری اجتماعی	مقدار T	درجه آزادی (Df)	سطح معناداری (Sig)	میانگین	حد بالا و پایین (فاصله اطمینان در سطح ۹۹ درصد)	
					پایین تر	بالا تر
قابلیت دسترسی	5.562	385	.000	3.1527	.0816	.2238
حس تعلق به مکان	-5.933	385	.000	2.8337	-.2389	-.0937
اعتماد اجتماعی	-7.436	385	.000	2.8198	-.2430	-.1175
امنیت	5.472	385	.000	3.1103	.0581	.1625
مشارکت اجتماعی	-1.784	385	.075	2.9607	-.0963	.0177
مسئولیت پذیری	6.017	385	.000	3.2114	.1204	.3024
عدالت	-19.921	385	.000	2.3834	-.6967	-.5365
میزان رضایت از کیفیت واحد مسکونی	-6.000	385	.000	2.8292	-.2445	-.0971

بدین ترتیب هر شاخص به صورت جداگانه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است که در جدول شماره ۷ نشان داده شده است. با توجه به ارزیابی صورت گرفته می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد:

در بین شاخص‌های پایداری اجتماعی در شاخص‌های قابلیت دسترسی، امنیت و مسئولیت پذیری بالاتر از حد نصاب و میانگین است. و نشان از وضعیت بهتر این شاخص و پایدار بودن هاست. اما شاخص‌های حس تعلق به مکان، اعتماد اجتماعی، مسئولیت پذیری، عدالت و میزان رضایت از کیفیت واحد مسکونی کمتر از حد نصاب میانگین و ناپایدار تلقی می‌گردند. در خصوص اعتماد اجتماعی در سطح جامعه، هر چه شرایط محیطی و میزان تراکم و چگالی تعاملات اجتماعی موجود در محیط‌های اجتماعی بالاتر رود، در نتیجه انسجام، اعتماد و تعامل اجتماعی بیشتر می‌رود که در این زمینه با افزایش حس تعلق به مکان که باعث افزایش سلامت، امنیت و بسیاری دیگر از ویژگی‌های مطلوب می‌گردد می‌توان به این مهم دست یافت. بنابراین در توسعه‌های جدید شهری باید به سرزندگی، تنوع کاربری‌ها و هویت مکانی محلات مسکونی توجه بیشتری شود تا حس تعلق به اجتماع و محل سکونت افزایش یابد. در راستای پاسخ به سوال دوم تحقیق، از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است. بدین ترتیب برای همه ناحیه‌ها آزمون کروسکال والیس انجام شد تا مشخص شود که ناحیه‌های برخوردار از نظر شاخص پایداری اجتماعی، شهر خرم‌آباد کدام ناحیه‌ها هستند.

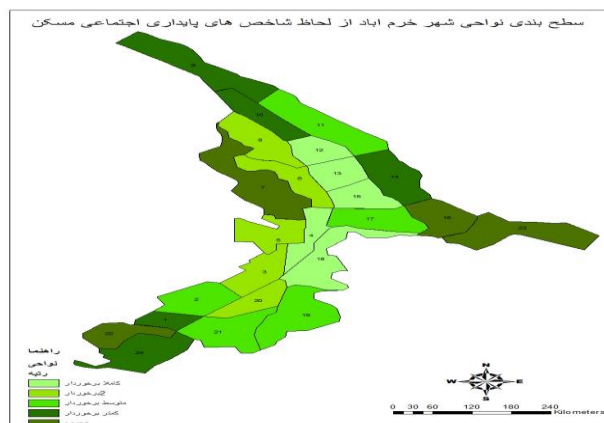
جدول ۷: آزمون کروسکال والیس (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

Rank						
	میانگین شاخص	تعداد	ناحیه‌ها	میانگین شاخص	تعداد	ناحیه‌ها
مجموع	39.60	21	16	324.67	6	15
	122.19	18	24	160.18	14	21
	386.00	1	13	176.36	14	3
	278.88	25	5	100.20	15	1
	128.60	20	14	152.39	19	2
	232.08	31	8	66.13	15	7
	209.50	10	20	344.48	21	18
	198.93	22	19	139.00	19	10
	383.33	3	12	186.00	6	17
	273.50	2	3	319.14	18	4
	262.09	16	6	63.41	27	23
				68.95	19	22
				112.33	24	9
Total		386				

جدول ۸: تست آماری کروسکال والیس (مأخذ: نگارندگان)

تست آماری a,b	
مجموع	
Chi-Square	224.292
df	24
Asymp. Sig.	.000

این آزمون برای آزمودن برابری میانگین‌های جامعه‌های مختلف استفاده می‌شود؛ در تفسیر نتایج آن می‌توان به صورت زیر بیان نمود، جدول اول به نام Rank میانگین رتبه را در هر گروه ارائه می‌کند. اما برای تحلیل آزمون باید از جدول دوم آن استفاده نمود. که این جدول مقدار مربع کای درجه آزادی آن و P یا سطح معناداری آن را نشان می‌دهد. با توجه به sig بدست آمده که ۰۰۰،۰ و کمتر از ۰،۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت که فرض صفر مبنی بر برابری پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد رد می‌گردد. به عبارت دیگر با اطمینان ۰،۹۹ درصد می‌توان گفت که وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد دارای تفاوت معناداری می‌باشد. در ادامه برای اینکه وضعیت هر ناحیه از لحاظ پایداری اجتماعی مسکن سنجیده شود و معلوم شود که کدام ناحیه وضعیت مطلوب‌تری دارند. می‌توان به میانگین رتبه‌ها در جدول اول (mean rank) مراجعه نمود. که با توجه به نتایج بدست آمده در ۵ گروه تقسیم بندی شده‌اند. با توجه اطلاعات میدانی بدست آمده، گروه اول که شامل نواحی ۴، ۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۱۸ می‌باشند، با توجه به داشتن امکانات رفاهی، خدمات و تجهیزات، امنیت، آسایش و تعلق خاطر کافی نسبت به محل زندگی و نزدیک بودن به زندگی شهری مدرن، مسکن امن و بادوام، دسترسی بیشتر کاربری‌های شهری، خدمات بهداشتی و درمانی و ... نیز قسمت‌هایی از فاز یک کیو، شیرخوارگاه و ناصر خسرو به دلیل نوساز بودن و مقاوم بودن در برابر بلایای طبیعی از وضعیت بهتری نسبت به سایر نواحی برخوردارند. به طور کلی می‌توان گفت این نواحی با توجه به دسترسی بهتر به امکانات و خدمات رفاهی نسبت به سایر نواحی وضعیت بهتر و در نتیجه از لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر نواحی را نشان می‌دهند. گروه دوم نواحی که از لحاظ برخورداری از شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن، برخوردار محسوب می‌شوند. در تعقیب گروه اول می‌باشد. و در چند سال آینده می‌توانند جزء مناطق خوب شهری قرار گیرند. از مهمترین فاکتور در این نواحی دسترسی‌هاست که به شکل مطلوبی ارائه می‌گردد. گروه سوم که شامل نواحی ۲، ۱۱، ۱۷، ۱۹ و ۲۱ می‌شوند. در سطح متوسطی از برخورداری قرار دارند؛ این نواحی دارای زندگی نسبتاً سستی، ساده و روابط عاطفی قوی می‌باشند. از لحاظ امکانات رفاهی و دسترسی‌ها نیز وضعیت تقریباً مطلوبی را دارا نمی‌باشند. گلدشت شرقی و غربی هر چند از لحاظ قدمت و عمر بناها نوساز هستند اما اکثر خانه‌ها در مقابل بلایای طبیعی دوام چندانی ندارند و زیرساخت‌هایشان به خوبی بنا نشده است. همچنین بخش‌های از این مناطق چون کوروش و پشته حسین آباد دارای بافتی کاملاً قدیمی هستند. گروه چهارم که شامل نواحی ۱، ۹، ۱۰، ۱۴ و ۲۴ می‌باشند. هر چند دارای جمعیت کافی می‌باشند، اما از نظر خدمات و امکانات رفاهی، تفریحی و دسترسی به کاربری‌ها برخوردار نبوده‌اند. دسترسی‌ها در این مناطق به کندی صورت می‌گیرد. گروه پنجم شامل نواحی ۷، ۱۶، ۲۲ و ۲۳ می‌باشند. به دلیل نداشتن امکانات و تجهیزات حتی پایین‌تر از سطح مناطق گروه چهارم و در کل در حال توسعه بودن و در حال زاد بودن نسبت به سایر نواحی شهری قرار دارند. بنابراین نسبت به سایر نواحی بهره‌مندی محدودتری از لحاظ امکانات و خدمات را دارا می‌باشند. سطح بندی این نواحی به صورت گروه‌های پنج گانه ذکر شده در نقشه شماره ۲ ترسیم شده است.



نقشه ۲) سطح بندی نواحی شهری، شهر خرم‌آباد از لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن (مأخذ: ترسیم نگارندگان)

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مسائلی که به شدت توجه همگان را به خود معطوف داشته مسکن و توسعه پایدار آن است. در چنین استراتژی استفاده بهینه از منابع و امکانات، بدون تباهی آنها مدنظر قرار می‌گیرد. در این میان، نقش شهر و نواحی شهری به طور مستقیم، و شهرسازی و ساخت فیزیکی آن به طور غیر مستقیم و سهم آن‌ها در ناپایداری موجود، توجه جدی محافل علمی را به خود جلب کرده است. نکته مهمی که در اسناد مختلف بدان توجه شده است، اهمیت نقش اسکان پایدار و تأمین مسکن مناسب برای مردم در روند توسعه است. در پایداری اجتماعی واحدهای مسکونی مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر می‌شود و اکثریت ساکنان نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می‌یابند. در این میان شهر خرم آباد که در چند سال اخیر با افزایش بی‌رویه جمعیت روبرو گردیده است. دچار توسعه نامتقارن در ابعاد متفاوت گردیده که نتیجه آن عدم توجه به اصول معماری پایدار در ساخت و ساز و بالاخص در طراحی واحدهای مسکونی به وضوح قابل مشاهده و لمس است. بر این مبنای هدف از این مطالعه، پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد است که سعی شده تا با توجه به گستردگی و پیچیدگی مفهوم مسکن بطور خاص و ویژه ای وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد مورد تحلیل قرار گیرد؛ تا از این رهیافت، به یک نوع سطح بندی پایداری اجتماعی مسکن در نواحی یاد شده منجر گردد زیرا با نگاهی اجمالی‌تر به بخش مسکن در این شهر می‌توان شاهد وجود شکاف قابل توجهی میان نواحی این شهر بود. و در آخر نیز می‌توان ناحیه‌های برخوردار و محروم را مشخص کرده و ناحیه برتر از لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مسکن را مشخص نمود. با توجه به این‌که پژوهش حاضر به دنبال شناسایی شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد است؛ با استفاده از اطلاعات و داده‌های کتابخانه‌ای - اسنادی و همچنین متون و مقالات علمی داخلی و خارجی به شناسایی و تعریف این شاخص‌ها پرداخته، همچنین جهت تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری، آزمون تی تک نمونه ای و آزمون کروسکال والیس استفاده شده است. در این تحقیق بر اساس مسئله پژوهش و جمعیت شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۹۴ با توجه به نمونه‌گیری توسط مدل کوکران ۳۸۶ نمونه پرسشنامه در سطح شهر خرم آباد و به تفکیک نواحی توزیع شده است، بدین منظور، از هشت متغیر قابلیت دسترسی، حس تعلق به مکان، اعتماد اجتماعی، امنیت، مشارکت اجتماعی، مسئولیت پذیری، عدالت، و میزان رضایت از کیفیت واحد مسکونی جهت بررسی پایداری بافت‌های مختلف شهر استفاده شده است. همچنین برای اندازه‌گیری این شاخص‌ها، با طرح گویه‌های متعدد، سطح پایداری اجتماعی در ناحیه‌های ۲۴ گانه شهر خرم آباد مورد بررسی قرار گرفته است. و دو سوال مبنی بر سنجش وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در شهر خرم‌آباد و نواحی آن مطرح گردید. که با توجه به اطلاعات بدست آمده از طریق پرسشنامه نتایج آزمون آماری تی تک نمونه‌ای حاکی از آن است که طبق خروجی موجود مقدار آماره‌ی آزمون t یک نمونه‌ای برابر با $t=166,587$ و درجه آزادی آن برابر است با $df=385$ است. در این آزمون میانگین نمونه را با مقدار ۳ که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است مورد مقایسه قرار گرفت. و چنانچه میانگین هر کدام از عوامل بیشتر از مقدار ۳ می‌شد؛ دارای اختلاف معنی داری با این مقدار تعیین شده بود ($P>0.05$). بنابراین به منظور بدست آوردن ارزیابی وضعیت پایداری اجتماعی مسکن شهر خرم آباد، میانگین پایداری شهر برابر با $2/91$ بدست آمد. از طرفی از طرفی در پرسشنامه از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شد و رتبه‌های ۱ تا ۵ به پاسخ‌ها اختصاص یافت. بدین ترتیب عدد ۳ به عنوان میانه‌ی نظری پاسخ‌ها به دست آمد و میانگین امتیاز پایداری اجتماعی به دست آمده با عدد ۳ مقایسه گردید. هر چه مقدار محاسبه شده برای پایداری از ۳ کوچکتر باشد، نشان از عدم پایداری و هر چه این مقدار بزرگتر باشد، وضعیت پایدارتر است. در واقع، میانگین پایداری در شهر خرم‌آباد با عدد ۳ اختلاف معنی داری ندارد. با این حال از وضعیت میانگین کمتر است.

یافته‌ها حاکی از آن است که ابعاد پایداری مسکن در بعد اجتماعی دارای شرایط پایدار نیستند. و توجه بیشتر به این شاخص - ها را می‌طلبد. و جا دارد حمایت بیشتری در راستای بهره‌مندی از این شاخص‌ها صورت گیرد. در ادامه نیز هر شاخص به صورت جداگانه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. با توجه به ارزیابی صورت گرفته می‌توان به نتایج ذیل اشاره کرد: در بین شاخص‌های پایداری اجتماعی در شاخص‌های قابلیت دسترسی، امنیت و مسئولیت پذیری بالاتر از حد نصاب و میانگین است. و نشان از وضعیت بهتر این شاخص و پایدار بودن هاست. اما شاخص‌های حس تعلق به مکان، اعتماد اجتماعی، مسئولیت پذیری، عدالت و میزان رضایت از کیفیت واحد مسکونی کمتر از حد نصاب میانگین و ناپایدار تلقی می‌گردند. در خصوص اعتماد اجتماعی در سطح جامعه، هر چه شرایط محیطی و میزان تراکم و چگالی تعاملات اجتماعی موجود در محیط‌های اجتماعی بالاتر رود، در نتیجه انسجام، اعتماد و تعامل اجتماعی بیشتر می‌رود که در این زمینه با افزایش حس تعلق به مکان که باعث افزایش سلامت، امنیت و بسیاری دیگر از ویژگی‌های مطلوب می‌گردد می‌توان به این مهم دست یافت. بنابراین در توسعه‌های جدید شهری باید به سرزندگی، تنوع کاربری‌ها و هویت مکانی محلات مسکونی توجه بیشتری شود تا حس تعلق به اجتماع و محل سکونت افزایش یابد.

در راستای پاسخ به سوال دوم تحقیق، مبنی بر معنادار بودن اختلاف در پایداری اجتماعی مسکن نواحی شهری، از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است. بدین ترتیب برای همه ناحیه‌ها آزمون کروسکال والیس انجام شد تا مشخص شود که ناحیه -

های برخوردار از نظر شاخص پایداری اجتماعی، شهر خرم‌آباد کدام ناحیه‌ها هستند. نتایج بدست آمده حاکی از آن بود که با توجه به sig بدست آمده که ۰۰۰،۰ و کمتر از ۰،۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت که فرض صفر مبنی بر برابری پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم‌آباد رد می‌گردد. به عبارت دیگر با اطمینان ۰،۹۹ درصد می‌توان گفت که وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم‌آباد دارای تفاوت معناداری می‌باشد. در ادامه برای اینکه وضعیت هر ناحیه از لحاظ پایداری اجتماعی مسکن سنجیده شود و معلوم شود که کدام ناحیه وضعیت مطلوب تری دارند. می‌توان به میانگین رتبه‌ها در جدول اول (mean rank) مراجعه نمود. که با توجه به نتایج بدست آمده در ۵ گروه تقسیم بندی شده‌اند. با توجه به میانگین بدست آمده از آزمون و اطلاعات میدانی، گروه اول با توجه به داشتن امکانات رفاهی، خدمات و تجهیزات، امنیت، آسایش و تعلق خاطر کافی نسبت به محل زندگی و نزدیک بودن به زندگی شهری مدرن، مسکن امن و بادوام، دسترسی بیشتر کاربری‌های شهری، خدمات بهداشتی و درمانی و ... نیز قسمت‌هایی از فاز یک کیو، شیرخوارگاه و ناصر خسرو به دلیل نوساز بودن و مقاوم بودن در برابر بلایای طبیعی از وضعیت بهتری نسبت به سایر نواحی برخوردارند. به طور کلی می‌توان گفت این نواحی با توجه به دسترسی بهتر به امکانات و خدمات رفاهی نسبت به سایر نواحی وضعیت بهتر و در نتیجه از لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر نواحی را نشان می‌دهند. گروه دوم نواحی که از لحاظ برخورداری از شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن، برخوردار محسوب می‌شوند. در تعقیب گروه اول می‌باشد. و در چند سال آینده می‌توانند جزء مناطق خوب شهری قرار گیرند.

از مهمترین فاکتور در این نواحی دسترسی‌هاست که به شکل مطلوبی ارائه می‌گردد. گروه سوم در سطح متوسطی از برخورداری قرار دارند؛ این نواحی دارای زندگی نسبتاً سنتی، ساده و روابط عاطفی قوی می‌باشند. از لحاظ امکانات رفاهی و دسترسی‌ها نیز وضعیت تقریباً مطلوبی را دارا نمی‌باشند. گلدشت شرقی و غربی هر چند از لحاظ قدمت و عمر بناها نوساز هستند اما اکثر خانه‌ها در مقابل بلایای طبیعی دوام چندانی ندارند. و زیرساخت‌هایشان به خوبی بنا نشده است. همچنین بخش‌های از این مناطق چون کوروش و پشته حسین آباد دارای بافتی کاملاً قدیمی هستند. گروه چهارم، هر چند دارای جمعیت کافی می‌باشند، اما از نظر خدمات و امکانات رفاهی، تفریحی و دسترسی به کاربری‌ها برخوردار نبوده‌اند. دسترسی‌ها در این مناطق به کندی صورت می‌گیرد. گروه پنجم به دلیل نداشتن امکانات و تجهیزات حتی پایین‌تر از سطح مناطق گروه چهارم و در کل در حال توسعه بودن و در حال زاد بودن نسبت به سایر نواحی شهری قرار دارند. بنابراین نسبت به سایر نواحی بهره‌مندی محدودتری از لحاظ امکانات و خدمات را دارا می‌باشند. پس به طور کلی بر اساس نتایج گفته شده و با توجه به ادبیات نظری موجود، مسکن چیزی بالاتر از سقفی بالای سر محسوب می‌شود. و سطوح بالای پایداری مسکن و بالاخص متغیرهای اجتماعی در افزایش کارایی و رضایتمندی ساکنان بسیار پراهمیت‌اند. چنانکه گروه اول دارای امکانات از هر لحاظ هستند. دسترسی‌ها، امنیت، تعلق خاطر بیشتر نسبت به محل سکونت خود، توزیع عادلانه کاربری‌ها و ... در این نواحی به خوبی نسبت به سایر نواحی صورت می‌گیرد. و گروه‌های بعدی از لحاظ امکانات و خدمات و ساخت و سازها نسبت به گروه اولدر رده‌های بعدی قرار دارند. و گروه آخر هم به دلایل ضعیف بودن از هر نوع امکانات در رده آخر قرار دارند.

در این زمینه پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی‌های آتی مسکن و همین‌طور در تلاش برای افزایش کارایی مسکن موجود، ابعاد پایداری اجتماعی مسکن به طور هم‌زمان مد نظر قرار گیرند، همچنین

- توزیع مناسب خدمات در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی، ورزشی، درمانی، تجاری، تفریحی در کلیه نواحی
- توزیع مناسب فضاهای زیستی و کاربردهای مختلف با بهره‌برداری از زمین‌های شهری
- حفظ جمعیت نواحی از طریق ارتقای سرویس‌های خدماتی و ایجاد فضاهای امن با عملکردهای گوناگون.
- تقویت شاخص‌های پایدار در نواحی پایدار، و ناپایدار و نیمه پایدار.
- توجه به خصوصیات اجتماعی و فرهنگی منطقه در ساخت مسکن
- ایجاد برنامه‌های آموزشی شهروندی جهت مشارکت و تعامل همسایگان با یکدیگر
- افزایش رضایت ساکنان بوسیله ایجاد فضاهای عمومی مورد نیاز در مجتمع که موجب ارتباطات و تعامل در بین ساکنان می‌شود.

در نهایت هرگونه تلاش برای بهبود شاخص‌های اجتماعی مسکن می‌تواند در افزایش کارایی و کیفیت زندگی ساکنان بسیار موثر باشد. بنابراین حمایت بیشتری در راستای ارتقای این شاخص‌ها را می‌طلبد.

۱. اصغری جعفرآبادی، محمد، محمدی، سید مومنه (۱۳۹۳)، "سری آمار: روش‌های متداول ناپارامتری، مجله دیابت و متابولیسم ایران"، دوره ۱۴، شماره ۳، بهمن - اسفند، ۱۶۲ - ۱۴۵.
۲. اسمعیل نژاد، مرتضی، ملکی، آفرین، باوقا، سمیه، صیادی، زهرا (۱۳۹۱)، "تحلیلی بر شاخص‌های کیفی مسکن در راستای امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین (نمونه: محله علی آباد در شهر خرم آباد)"، فصل نامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، چشم‌انداز زاگرس، سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز.
۳. بزی، خدارحم، کیانی، اکبر، جواهری، عباس (۱۳۹۱)، "ارزیابی شاخص‌های پایداری محله‌های مسکونی (شهر مأمونیه - استان مرکزی)"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره چهارم، زمستان.
۴. بسحاق، محمدرضا، سالاروند، اسماعیل، تبریزی، جلال (۱۳۹۳)، "تحلیلی بر شاخص‌های پایداری مسکن در مناطق روستایی (دهستان سیلاخور شرقی - شهرستان ازنا)"، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۵، پیاپی ۵۴، شماره ۲، تابستان.
۵. بسحاق، محمدرضا، صیدائی، اسکندر، جمینی، داود (۱۳۹۱)، "تحلیلی بر پایداری اجتماعی مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ازنا)"، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره پنجم، بهار.
۶. پور طاهری، مهدی، حمدا... سجاسی قیداری، صادق‌قلو، طاهره (۱۳۸۹)، "سنجش و اولویت بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک رتبه بندی بر اساس تشابه به حل ایده آل فازی"، مجله مدرس، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۷. جمالیان، مظفر، ثقفی، علی (۱۳۹۱)، "بررسی تأثیر پارازیت اطلاعاتی افشا شده در گزارش‌گری مالی بر ریسک و بازدهی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۶۷، بهار، ۵۴-۳۱.
۸. جمعه‌پور، محمود، ابراهیمی، اکبر (۱۳۹۴)، "سنجش و ارزیابی پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی"، مطالعات جامعه شناختی شهری، سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز.
۹. جوادی، اردشیر (۱۳۷۸)، "بررسی امکان‌پذیری توسعه فضایی مسکن در ناحیه مرکزی شهرها، نمونه موردی: شهر تبریز"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. سرحانی، فائده، یزدانی، محمد حسن و امانپور، سعید (۱۳۹۵)، "بررسی نظریه‌های پایدار اجتماعی مسکن"، اولین همایش بین المللی مخاطرات طبیعی و بحران‌های زیست محیطی ایران، راهکارها و چالش‌ها، شهریور.
۱۱. سلطانی، یزدان، علیخانی، شادی (۱۳۹۳)، "کیفیت سنجی پایداری در مساکن ارزان قیمت (نمونه موردی: مسکن مهر دولت آباد - کرمانشاه)"، کنفرانس مهندسی عمران، معماری و مدیریت پایدار شهری، گرگان، تیرماه.
۱۲. سیف‌الدینی، فرانک، زیاری، کرامت الله، عظیمی، آزاده (۱۳۹۲)، "تحلیل شکاف جغرافیایی کیفیت مسکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران"، فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۹، ۲۱۲-۲۳۳.
۱۳. صمیمی فر، فاطمه، حمزه نژاد، مهدی (۱۳۹۱)، "استخراج اصول شکل دهنده پایداری اجتماعی در محلات مسکونس بر اساس اخلاق اسلامی"، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی، مشهد.
۱۴. ضرغامی، اسماعیل (۱۳۸۹)، "اصول پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی در شهرهای ایرانی - اسلامی"، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره دو، زمستان.
۱۵. طهماسبی، فرخ (۱۳۹۱)، "نقش فضاهای عمومی در پایداری اجتماعی شهر: نمونه موردی منطقه ۱۱ شهرداری تهران با تاکید بر پارک دانشجو"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۶. قادر مرزی، حامد، جمینی، داود، جمشیدی، علیرضا، چراغی، رامین (۱۳۹۲)، "تحلیل نابرابری شاخص‌های مسکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه"، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره اول (پیاپی ۳)، صص ۹۳-۱۱۳.
۱۷. کریمی، رامین (۱۳۹۴)، "راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS"، تهران، نشر هنگام.
۱۸. کولیوند، حجت الله (۱۳۹۰)، "تحلیل ساختار فضایی محله شهری بر مبنای توسعه پایدار اجتماع مورد مطالعه: محله دارآباد تهران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۱۹. کیانی، فاطمه (۱۳۹۲)، "شناسایی و تحلیل عوامل موثر بر توسعه پایدار مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان کرج)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، شهریور.
۲۰. گروسی، علیرضا (۱۳۹۵)، "تحلیل شاخص‌های کیفی مسکن در نواحی شهری نظرآباد"، پایان‌نامه درجه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۲۱. گلاب‌چی، محمود، خلعتبری، رامتین، فاضل، علی‌رضا (۱۳۹۲)، "مشارکت بهره‌برداران در فرایند طراحی، زمینه‌ساز تحقق پایداری اجتماعی مسکن انبوه در ایران"، نمونه موردی: مسکن شهرک صنعتی پرند، مدیریت شهری، شماره ۳۵، تابستان.

۲۲. مسعودی‌راد، ماندانا، ابراهیم زاده، عیسی، رفیع‌یان، مجتبی (۱۳۹۴)، "سنجش پایداری مسکن در سیاست های اجتماعی ایران (مطالعه موردی: مسکن استیجاری هزار دستگاه شهر خرم آباد)"، پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، دوره ۳، شماره ۴، زمستان.
۲۳. نایی، هوشنگ (۱۳۸۸)، "آمار توصیفی برای علوم اجتماعی"، انتشارات سمت، تهران.
۲۴. نصیری، رسول (۱۳۸۸)، "آموزش گام به گام spss"، انتشارات نشر گستر، چاپ دوم، پاییز.
۲۵. یارمرادی، کیومرث (۱۳۹۴)، "تحلیل پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی منطقه ۲۲ تهران"، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری - محیط زیست شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۶. یوسف زاده بکاولی، مینا، صباغ پور، آرزو (۱۳۹۵)، "بررسی عوامل موثر بر پایداری اجتماعی و نقش آن در طراحی توسعه پایدار"، چهارمین همایش ملی فن آوری های نوین صنعت ساختمان توسعه پایدار و فن آوری های ساختمانی، بهمن.
27. Al - Hagla, k. (2009). Towards a sustainable neighbourhood the role of open spaces. Journal of Architectural Research.
28. Bonnefoy, X. (2007). Inadequate housing and health: an overview. International Journal of Environment and Pollution, 30(3-4), 411-429.
29. Charles, L. (2007): Choguill, The search for policies to support sustainable housing, Journal of Habitant International, 31, 143-149
30. Easthope, H. Liu, E. Judd, B. & Burnley, I. (2015). Feeling at home in a multigenerational household: The importance of control. Housing, Theory and Society, 32(2), 151-170.
31. Ha, M. and Weber, M. J. (1991). The Determinants of Residential Environmental Qualities and Satisfaction: Effects of Financing, Housing Programs, and Housing Regulations. Housing and Society, Vol18.No3, pp65-76
32. Kim, C.W. Phipps, T. & Anselin, L, (2003). Measuring the benefits of air quality improvement: A spatial hedonic approach, Management, vol.No45, pp 24-39.
33. Mohit, M. A. (2010). Assessment of Residential Satisfaction in Newly Designed Public Low-Cost Housing in Kuala Lumpur, Malaysia. Habitat International, Vol34, 18-27.
34. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, The Right to Adequate Housing, Fact Sheet No. 21/Rev.1, Reprinted at United Nations, Geneva, 2014.
35. Oktay, M. and Orcunoglu, H. (2007). Evaluation of Traditional and Recent
36. Sendich, B. (2006): Planning and Urban Standard, Routledge, Newgersy.
37. Un-Habitat, World Cities Report, 2016
38. Sendich, B. (2006) Planning and Urban Standard, Routledge, Newgersy.
39. Knox, Paul, Pinch, Steven (2000) Urban Social Geography, Prentice Hall, fourth edition, Southampton, England
40. Assefa, G, & Frostel, B (2007) Social Sustainability and Social Acceptance in Technology Assessment; A case Study of Energy Technology, insocity, No. 29, pp. 63
41. Bourne, L.S. (1981); "A Geography of Housing", Blackwell Publishing, New York, p 14.
42. Cater, J. and Trevor. (1980); "Social Geograraphy", Routledge, London.
43. Mahbubur, Mohammed (2002). Baste Eviction and Housing Rights: A case of Dhaka Bangladesh. Blackwell City Reader
44. Westaway, Margaret S., 2006, A Longitudinal Investigation of Satisfaction with Personal and Environmental Quality of Llife in an Informal South African Housing Settlement, Doornkop, Soweto. Habitat International, Vol. 30.

بررسی طراحی معماری پایدار با رویکرد طراحی معماری بیونیک و ارتباط آن‌ها با یکدیگر

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۳۰

کد مقاله: ۵۶۱۷۱

بهزاد تقی پور قصابی^{۱*}، احمد میرزاحمدی^۲

چکیده

امروزه به نظر می‌رسد که توسعه پایدار و مفاهیم آن به‌خوبی با اهداف و مقاصد معماری می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر جهت رسیدن به اهداف پایداری مطرح شود. در سال‌های اخیر بیانیه‌ها و مقالات بی‌شماری در زمینه اصول معماری توسط محققان مختلف در سراسر دنیا مطرح شده است. مفهوم پایداری در عصر حاضر آن‌چنان اهمیتی یافته است که هر بحث معاصر دربارۀ محیط‌زیست و معماری بدون توجه به این مفهوم بحثی ناتمام محسوب می‌شود. معماری پایدار یک فرآیندی است که می‌تواند تکرار شود. معماری پایدار می‌تواند در کیفیت محصول نهایی تأثیرگذار باشد و فرآیندی که ماندنی باشد را تشخیص دهد. در این راستا الهام‌گیری از معماری بیونیک می‌تواند در طراحی معماری پایدار مؤثر واقع گردد. بیونیک علمی است که مشکلات فنی و سازه‌ای را می‌تواند از راه‌های زیستی حل کند، به عبارتی می‌تواند از الگوهای زنده الهام بگیرد. براین اساس روح بخشیدن به ساختمان یکی از تمایلات معماری بیونیک است که طراحان این رشته با توجه به قدرت سازه برای تنفس (زنده‌نمایی)، به کمک خطوط مستقیم یا منحنی خالص و القاء آهسته تمامیت سازه به آن دست پیدا می‌کنند و مهم‌ترین چیز برای طراحی معماری بیونیک آن است که ساختمان بتواند زنده بودن خود را القاء کند. سؤال اصلی تحقیق این است که استفاده از معماری بیونیک در پیوند با طراحی معماری پایدار به تأثیری در محیط‌زیست خواهد داشت؟ روش تحقیق حاضر به‌صورت کتابخانه‌ای-اسنادی می‌باشد. هدف این مقاله بررسی جایگاه طراحی معماری بیونیک در طراحی معماری پایدار و رابطه این دو مفهوم با یکدیگر می‌باشد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، پایداری، معماری پایدار، معماری بیونیک، طراحی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسکو، اسکو، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسکو، اسکو، ایران

۱- مقدمه

فرآیند سبز در معماری فرآیندی کهن می‌باشد، برای مثال از هنگامی که انسان های غار نشین برای اولین بار پی به این مسئله بردند که انتخاب غاری رو به جنوب از لحاظ دمای محیط بسیار مناسب تر از غاری می‌باشد که دهانه آن به سمت شمال است. ضرورت بازخوانی آن با نگرش های نوین بر صاحبان نظر و اندیشه پنهان نمی‌باشد. در بعد جهانی موضوع جدید درک این مهم است که معماری سبز برای محیط های مصنوع و انسان آفرینش بهترین فرآیند برای طراحی ساختمان هاست؛ به گونه ای که تمام منابع وارده به ساختمان، مصالح آن، سوخت یا اشیا مورد استفاده ساکنان، نیازمند پدید آوردن یک معماری پایدار هستند. (کسمایی و همکاران، ۱۳۹۰). امروزه، برخی از معماران بر این باورند که تقلید از طبیعت، به مراتب بیش از زیباسازی ظاهری ساختمان ها، مفید فایده خواهد بود. بنابراین، آنها برای کپیبرداری از قواعد ساختاری موجود در طبیعت، تلاش زیادی میکنند و به عنوان مثال، از الگوهای طبیعی برای خنک کردن محیط زندگی، تولید انرژی و حتی شیرین کردن آب دریاها استفاده می کنند. آنها بر این مسئله تاکید دارند که استفاده از طراحی های مبتنی بر طبیعت و الگوهای طبیعی، نه فقط یک شعار پر طمطراق که یک مسئله حیاتی و مقرون به صرفه از نظر اقتصادی و مالی است. با این همه، استفاده از مدل های موجود در طبیعت در ساختمان ها، که هم از نظر زیباشناختی و هم از نظر کارکردهای پرشمارش دارای توجیه فنی است، متأسفانه تا چندی پیش محدود به سیستم های ساده و منفعل شده بود. به عنوان مثال، بر سر در جنوبی ساختمان متعلق به موسسه جهان عرب در پاریس، یک ردیف حسگرهای مکانیکی چشم ماندی نصب شده اند که با توجه به میزان نور ورودی به ساختمان، باز و بسته شده و بدین وسیله دمای داخلی ساختمان را کنترل می کنند. تقلید از طبیعت مزایای بسیاری دارد. (Hagan, 2001). هنر طراحی بیونیک یا به عبارتی علم مطالعه مدل های طبیعت برای رفع مشکلات انسانی (منصوریان و گلستان هاشمی، ۱۳۸۷، ۲۶) با ایجاد یک رابطه بین الگوهای طبیعی و اهداف طراح که در این مقاله رسیدن به پایداری در بنا در نظر گرفته شده، امکان انتقال نمونه های طبیعی به سیستم فنی را مورد بررسی قرار می دهد تا بهترین نمونه را بیابد. (آبادی، محمدزاده، ۱۳۹۲).

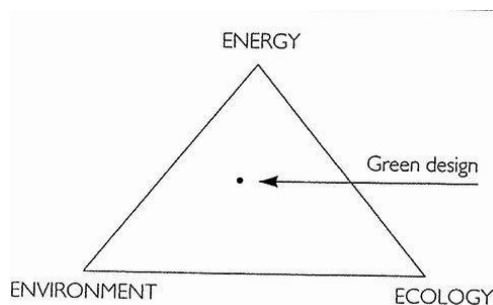
۲- معماری پایدار

توسعه پایدار در رابطه با فعالیت های ساختمانی و محیط ساخته شده، اغلب ساختمان پایدار یا ساختار پایدار نامیده می شود. بخش ساختمان یکی از بزرگترین بخش های اقتصادی و اجتماعی در اروپا می‌باشد و به همراه محیط ساخته شده، به طور معنی داری در تغییر روی محیط طبیعی، تاثیر گذار است. بخش ساختمان و محیط ساخته شده، به عنوان دو حوزه کلیدی در توسعه پایدار جهانی، مطرح شده اند. (CIB, 1999). ساختمان ها در مقایسه با سایر مصنوعات، عمر نسبتاً طولانی تری دارند و در طول تمام مراحل نقشه کشی، ساختمان سازی، تجهیز کردن و تخریب یا استفاده دوباره از آن، در توسعه پایدار تأثیرگذار خواهند بود. یک ساختمان، محصول مرکبی از مصالح، مواد و ترکیبات است (گرچی مهبلیانی، ۱۳۸۹) که متقابلاً بر هم اثر گذارند. به علاوه، ساختمان اثر قابل ملاحظه ای بر سلامت انسان دارد. برای مثال ۹۰٪ زمان زندگی مردم اروپا در ساختمان و فضای معماری سپری می شود. (WGSC, 2004). «مفهوم معماری پایدار، چه به عنوان خلق فضای انسانی و تنظیم رابطه ی انسان و محیط فیزیکی و چه به عنوان محصول این فرایند، همواره با محیط پایدار، درآمیخته و در چارچوبی کلی می توان از آن به «خلق محیط پایدار انسان ساخت» تعبیر کرد (فرهودی، ۱۳۸۶) این معماری، فعالیتی در جهت ترمیم، بازسازی و تجدید سیستم های طبیعی و زمین؛ همچنین استفاده ی محتاطانه از منابع چرخه ی حیات در طبیعت داشته «(سلیمانی، ۱۳۸۷) تا بتواند محیط مناسبی برای زندگی انسان به عنوان ارگانیسم زنده دیگری فراهم نماید «(امین زاده، ۱۳۸۲).

۳- اصول معماری پایدار

این که چگونه خانه هایمان را طراحی و مصالح آنرا انتخاب کنیم از مهم ترین مسائلی است که آینده ساخت ساختمان هایمان را تحت تاثیر قرار می دهد. معماری سبز در چند سال اخیر موفقیت هایی قابل ملاحظه داشته است. این موفقیت ها شامل اشاعه تکنیک های ساختاری جدید و فروش مصالح متناسب با تفکر معماری سبز است. به طور کلی معماری سبز بر مبنای چهار اصل استوار است : ۱- از انرژی آب و باد و سایر منابع طبیعی حفاظت کنیم . ۲- سلامت محیط زیست مان را تامین کنیم . ۳- اقتصاد را در کشور رشد دهیم. ۴- کیفیت بالایی از زندگی برای شهروندان ارائه دهیم. که این اصول زیر مجموعه ای از سه عامل ساختاری و مؤثر در معماری پایدار، یعنی ۱- جغرافیا ۲- فرهنگ ۳- معماری بومی، می باشند. بطور کلی فرآیند سبز اینگونه مطرح می شود که تمامی موضوعات به یکدیگر وابسته بوده و در هر تصمیم گیری باید تمامی جنبه های آن مورد بررسی قرار گیرد و بدین ترتیب، ایده بررسی اصول بصورت مجزا با آن در تضاد قرار می گیرد . در مجموع اصول گوناگونی در ایجاد هر نوع سازه مطرح است که نقاط مشترک فراوانی را برای بحث دارا می باشند، با این حال موضوعات ارائه شده مجموعه ای از اصول

مختلفی هستند که در نظر گرفتن آنها سبب ایجاد توازن و پدید آمدن معماری سبز خواهد شد. در خصوص معماری پایدار راهکارهای زیادی ارائه شده است. در اینجا تنها به تحلیل و بررسی معماری پایدار از دو دیدگاه کلی و رزانا هارت که خود نیز در ساختمان های سبز ساکن هستند و دیدگاه برندا و روبرت ویل خواهیم پرداخت. برخی بناها دارای ویژگیها و خصوصیات هستند که آنها را در زمره بناهای پایدار قرار می دهد تعریف و اصولی که از دیدگاه کلی و رزانا هارت باید رعایت شود تا یک بنا به عنوان نمونه ای از یک معماری پایدار طبقه بندی شود عبارتست از: ۱) کوچک بیندیشید. ۲) گرمایش ساختمان با آفتاب. ۳) راحتی و آسایش خود را حفظ کنید. ۴) استفاده از انرژی های قابل بازیافت. ۵) ذخیره کردن آب. ۶) استفاده از مصالح بومی. ۷) استفاده از مصالح طبیعی. ۸) حفظ جنگل های طبیعی. ۹) استفاده از مصالح قابل بازیافت. ۱۰) بادوام بسازید. ۱۱) غذایان را تولید کنید. ۱۲) غذایان را نگهداری کنید. (کسمایی و همکاران، ۱۳۹۰)



شکل (۱) معماری پایدار

۴- روش های رسیدن به معماری پایدار

برای رسیدن به یک معماری پایدار عواملی باید در نظر گرفته شوند که ارتباط زیادی با طرح و طبیعت دارند. رعایت و بکارگیری این عوامل باعث بهبود کیفیت معماری و بازدهی بیشتر آن می گردد. این عوامل را می توان به شرح زیر نام برد:

- درک تأثیر طرح بر طبیعت
- پرهیز از آلودگی
- تأمین آسایش گرمایی، بصری و صوتی
- استفاده از منحنی های تراز توپوگرافی
- حمایت از توسعه چند منظوره
- تأمین ارتباط بصری با محیط پیرامون (مسگر مقدم، کبوتر صحرا، ۱۳۹۴)

۵- معماری بیونیک

همانطور که گفته شد انسان از ابتدای آفرینش از محیط زیست و طبیعت اطراف خود الهام گرفته و آن را مبنای خلاقیت و طراحی قرار داده است. با توجه به بحران انرژی و منابع طبیعی، معماران در تلاش اند با نگرش جدید به معماری و سازه در غالب علم بیونیک راه حلی برای بیرون رفت از این بحران و حفظ انرژی پیدا نمایند. رهاورد این آموخته ها معماری بیونیک می باشد. معماری بیونیک روشی در طراحی بنا است که در آن از نحوه رشد و شکل گیری، تأمین انرژی و متابولیسم، نحوه پخش نیروها و ... در ارگان های زنده به خلق فضاهای معمارانه با رویکرد فناوری و پایداری پرداخته می شود. این دیدگاه با ترکیب بیولوژی و تکنولوژی، ابداعات جدیدی در زمینه تولید انرژی، حمایت های اکولوژیکی و برنامه های اقتصادی - اکولوژیکی میسر ساخته (Kelly, k, 1994).

هدف معماری بیونیک رسیدن به یک نوع معماری متعارف با اصول معماری پایدار و هماهنگ با طبیعت می باشد. روح بخشیدن به ساختمان یکی از تمایلات معماری بیونیک است به عبارت دیگر هدف معماران بیونیک آن است که ساختمان بتواند زنده بودن خود را القاء کند. حوزه معماری بیونیک الگو برداری از طبیعت در واقع شامل سه بخش است:

- ۱- الگو برداری از ساختار و سیستم اصلی
- ۲- الگو برداری از مکانیزم ها و عناصر عملکردی

۳- الگو برداری مورفولوژیک طبیعت همواره منبع بی پایان الهامات خلاقانه بشر بوده و خواهد بود. انسان با مطالعه و تحلیل فرآیندهای رفتاری، شکلی و ساختاری طبیعت همواره بسیاری از مسائل حیاتی خود را حل نموده است و همچنان به این کار ادامه می دهد.

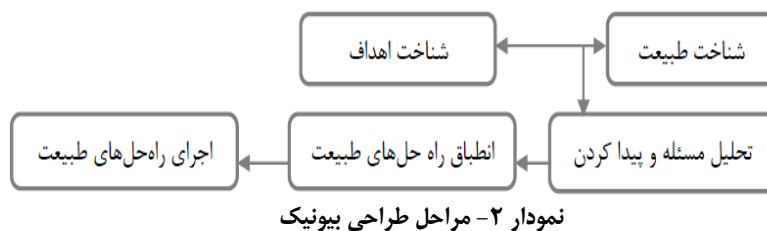
به نظر می رسد که در میان تمام موجودات، انسان کمتر از بقیه از استعدادی درونی برای طراحی هوشمندانه برخوردار باشد. تمام موجوداتی که به نوعی در طبیعت به ساخت و ساز می پردازند، به صورت غریزی و با میزان دقت و درک بسیار بالایی از سیستم های این دنیای خاکی که محدوده ای بس وسیع تر از موضع گیری آنها را شامل می شود، فرآیند الگسال ها تحقیق نشان داده است که طبیعت اصول پایه ای در ایجاد فرم های خلاقه و متنوع خود را دارد که می توان از آن میان به موارد ذیل اشاره نمود: ۱- استفاده بهینه از مصالح ۲- بیشینه سازی توان سازه ای ۳- بیشینه سازی حجم فضای محصور ۴- ایجاد بالاترین نسبت استحکام به وزن سازه ۵- استفاده از تنش و کرنش به عنوان مبنای کارایی سازه ۶- ایجاد محیط های کارا از لحاظ انرژی، به خوبی عایق شده و راحت، بدون نیاز به استفاده از انرژی خارجی ۷- ایجاد فرم ها بر پایه ی بهبود سریع سیرکولاسیون ۸- استفاده از مصالح موجود محلی برای ساخت ۹- استفاده از فرم های منحنی شکل برای پراکنده سازی نیروهای وارده چند جهتی ۱۰- افزایش کارایی آئروپوینامیکی توسط فرم های سازه ۱۱- عدم تولید مواد سمی و مضر ۱۲- طراحی سازه هایی که به تنهایی توسط یک ارگانیزم قابل ساخت باشند. پیشرفت تکاملی آزمون و خطا، تداوم روش های موفق و جایگزینی سیستم های ناکارآمد، نشانه های نوب و خلاقیت و برداری را انجام می دهند. (رضایی حریری، ۱۳۸۴).



نمودار ۱- شاخص های شکل گیری معماری بیونیک (ماخذ: مسگرمقدم و کبوتر صحرا، ۱۳۹۴)

۶- اصول طراحی بیونیک

طراحی بیونیک دارای یک روند سیستماتیک است که انجام آن نیازمند شناخت دقیق از طبیعت، ساختارهای زیستی، نوع هم نشینی و ارتباط جانداران با یکدیگر و با محیط اطرافشان و شناخت از اهداف طراحی می باشد. طراح کار را با مشخص کردن اهداف شروع می کند و با توجه به اینکه شباهت و همانندی یک قاعده اصلی در بیونیک است، بدنبال سیستم هایی با عملکرد مشابه در طبیعت می گردد و در صورت مناسب بودن، ویژگی ساختاری سیستم بیولوژیکی را به سیستم فنی ای که می بایست گسترش یابد، انتقال می دهد. این روند سیستماتیک که در زمان انجام طراحی بیونیک طی می شود در زیر آورده شده است: (نمودار ۲)



۱- استخراج: تعیین خلاصه طرح و مشخص کردن اهداف و چالشی های حقیقی پروژه

۲- ترجمه: تبدیل خلاصه طرح به صورت اصطلاحات بیولوژیکی

۳- مشاهده: جستجو و انتخاب بهترین مدل های طبیعی

۴- چکیده: طبقه بندی استراتژی ها و تعیین بهترین آنها

۵- انتقال: انتقال ویژگی بیولوژیکی به طرح

۶- ارزیابی: بررسی راه حل های موجود و انتخاب راه های بهتر در صورت وجود (VaShisht, 2011)

۷- معرفی نمونه های ساخته شده به سبک بیونیک

آثار سانتیگو کالاتروا که با الهام از آناتومی انسان طراحی شده: برج تورینگ، تورو، موزه هنر سیلواکی، شهرک علوم و فنون و دیگر آثار این سبک.



شکل ۲: طرح الهام از اندام انسانی

برج بیونینگ، برج فراز، پل رابالینگ اثر دانیل لیبسکیند، ساختمان ضدود اثر ونسان کالیباوت، دروازه جهان اثر گرگ لین

شهر شناور: ایده اولیه: گرمای زمین و نیلوفر آبی
طراح: وینسنت کاله بات

المپیک آبی لندن: ایده اولیه: شکل موج های آب
رودخانه تیمز لندن طراح: زاهای حدید (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۴)



شکل ۳: طرح المپیک لندن



شکل ۲: طرح شهر شناور

۸- استفاده از فرم و ساختار بیونیک در طراحی بناها

یکی از اولین موارد استفاده از آفرینش های طبیعی برای نوآوری در معماری را در ابتدای نیمه دوم قرن نوزدهم مشاهده می کنیم. متخصصان انگلیسی در سال ۱۸۴۶ برای نخستین بار موفق به پرورش نوعی نیلوفر آبی عظم در اروپا شدند، که قطر برگ های آن به دو متر می رسید. پاکستان، معمار انگلیسی تبار، با دیدن استحکام برگ های زین نیلوفر آبی به مطالعه قفسه بندی مدور و ساختار شعاعی این گل پرداخت. حاصل این تفحص ابداع ساختار جدیدی برای سقف سبک شیشه ای در معماری بود که در قصر کریستال نمایشگاه جهانی لندن در سال ۱۸۵۱ عرضه و موفق به جلب نظر منتقدان شد. گرگ لین را در این میان می توان سردمدار نظریه جدید در مباحث بیونیک در معماری به شمار آورد. او مایل است آثاری خلق کند که همچون موجود زنده دارای گونه های متمایز و انعطاف پذیری و همزیستی با شرایط محیطی را از لحاظ فرم دارا باشند. حرکتی که می توان گفت از همان ابتدای دهه شصت قرن بیستم آغاز شد. ولی به دلیل محدودیت های فنی تأثیر مشخصی در آن سال ها از خود برج نداشت. از دو دهه پیش بود که با افزایش قدرت رایانه ها، معمارانی چون لین این امکان را یافتند که به طراحی معماری ابعاد جدیدی بدهند. ابزار این معماران سیستم های کامپیوتری جدیدی است که نه تنها طراحی سه بعدی را از ابتدا ممکن می کند بلکه به موازات آن، محاسبه مدل های ریاضی پیچیده، فرم های غیرهندسی و شبیه سازی فرایندهای زنده را امکان پذیر می سازند. البته استفاده ابزاری از سیستم های پیچیده طراحی و محاسبه را در دو دهه گذشته در شمار زیادی از پروژه ها می بینیم. پروژه هایی چون موزه گوگنهایم (۱۹۹۱) اثر فرانک گهری که پس از ساخت مدل گلی اولیه، کلاً در دنیای مجازی سه بعدی رایانه طراحی شد و یا پروژه هایی چون ماکس راینهارد هاوس (۱۹۹۲) اثر پیتز آیزنمن که سیستم های نرم افزاری پیچیده را برای تحویل فرم های اولیه بر مبنای الگوریتم های ریاضی غیر خطی استفاده کردند. اما در اینجا تأثیر دانسته های طبیعی را بر این نظریه پرداز به خوبی ملاحظه می کنیم. اگر جاننداری (برای نمونه خرس) موفق می شود. (کرمی، ۱۳۹۰).

کاربرد بیونیک در پایداری ساختمان کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، پایداری را به معنی تأمین نیازهای کنونی بدون لطمه زدن به توانایی نسل های آینده، برای برآوردن نیازهای خود تعریف کرده است. یکی از راه های رسیدن به پایداری ایجاد ساخت و سازهای پایدار بوسیله طراحی پایدار برای بناهاست. طراحی پایدار نوعی نگرش یا نحوه عمل است و اصول آن بر این نکته استوار است که ساختمان، جزئی کوچک از طبیعت پیرامونی است و باید به عنوان بخشی از اکوسیستم عمل کند و در چرخه حیات قرار گیرد. جهت رسیدن به اهداف در طراحی پایدار باید سه اصل اساسی در طراحی معماری پایدار در نظر گرفته شود. صرفه جویی در مصرف منابع، که با کاهش مصرف، استفاده مجدد و بازیافت منابع طبیعی به کار گرفته شده در ساختمان سروکار دارد؛ طراحی براساس چرخه حیات، که روشی را برای تحلیل فرآیند ساختن بنا و تأثیرات آن بر محیط زیست مطرح می کند، و دست آخر

طراحی انسانی که بر تعامل بین انسان و جهان طبیعی تمرکز دارد (Kim, 1998) بعد از بررسی این اهداف و روش های دسترسی به آنها جدول ۱ جهت مشخص کردن بخش هایی از ساختمان که باید جهت الگوگیری از طبیعت مورد توجه قرار گیرند، تدوین شد. (علی آبادی، محمدزاده، ۱۳۹۲)

جدول (۱) اهداف پایداری و بخشهایی از ساختمان، قابل الگوگیری از طبیعت جهت نیل به هدف پایداری (Kim, 1998)

اهداف کلی پایداری	اهداف جزئی پایداری	روش دسترسی به هدف	بخش هایی از ساختمان قابل الگو گیری از طبیعت جهت نیل به هدف پایداری
صرفه جویی در مصرف منابع	حفظ انرژی	گرمایش و سرمایش غیرفعال	پوسته بنا و توجه به شرایط محیطی و درونی بنا
		استفاده از منابع جایگزین انرژی	پوسته بنا و توجه به شرایط محیطی
		پرهیز از جذب حرارت یا اتلاف آن	عایق و پوسته بنا
		بکارگیری مواد با انرژی نهادهینه پایین	مواد و مصالح ساختمانی
		بکارگیری وسایل کم مصرف با تجهیزات	تجهیزات بنا
	حفظ آب	زمان سنج کاهش میزان مصرف از طریق سردوش های کم شدت و به کارگیری توالی های مکشی یا استفاده از مخازن کم حجم برای سیفون	تجهیزات و تاسیسات بنا
		استفاده مجدد از طریق جمع آوری آب باران و جمع آوری پساب یا آب خاکستری	تجهیزات و تاسیسات بنا
		استفاده از مواد بازیافت شده یا بازیافت شدنی	مواد و مصالح ساختمانی
	حفظ مواد	فزودن کارایی در مواد و ساختارها از طریق مرمت ساختارهای موجود و به کارگیری مواد غیرمرسوم ساختمانی- استفاده از موادی که بادوام باشند و به نگهداری کمتری نیاز داشته باشند استفاده از موادی که از منابع تجدیدپذیر بدست آمده	مواد و مصالح ساختمانی
		استفاده از موادی که از منابع تجدید پذیر بدست آمده اند که بدون وارد کردن آسیب به نظام زیست برداشت با استخراج شده باشند، بازیافت شده و مواد و مصالح ساختمانی بازیافت شدنی باشند، بادوام باشند و به نگهداری کمتری نیاز داشته باشند	مواد و مصالح ساختمانی
طراحی بر اساس چرخه حیات در مرحله قبل از بنا	طراحی برای آسایش انسان	تأمین آسایش گرمایی، بصری، صوتی	عایق و پوسته بنا و توجه به شرایط محیطی و درونی بنا
		تأمین ارتباط بصری با محیط بیرون	پوسته بنا
		تأمین پنجره های قابل تنظیم	پوسته بنا
		تأمین هوای پاک و تازه	پوسته بنا و توجه به شرایط محیطی
		به کارگیری مواد غیرسمی و موادی که گاز تولید نمی کنند	مواد مصالح ساختمانی
طراحی انسانی			

۹- رابطه طراحی معماری پایدار با طراحی بیونیک

پرداختن به طراحی معماری پایدار در طرح های بیونیک لازمه شناخت عمیق تری از اهداف پایداری می باشد. حل مشکلات محیطی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ما را به سوی یک معماری که الهام گرفته از طبیعت با رویکرد پایداری می باشد هدایت می کند. توسعه پایدار جنبشی است برای انجام کارها به صورت درست و مناسب که باعث ارتقای کیفیت زندگی نسل های آینده و حال می شود. توسعه پایدار نوعی راهبرد توسعه است که تمام دارایی ها و منابع طبیعی و انسانی را برای افزایش ثروت در بلندمدت مدیریت می کند. (شجاعی، علی، ۱۳۸۹).

نتیجه گیری

در این پژوهش سعی گردید تا تاثیر طبیعت (استفاده از معماری بیونیک) در پیوند با طراحی معماری پایدار با مفاهیمی نظیر زیبایی، کارایی، خلاقیت، صرفه جویی در انرژی و منابع و ... به اجمال بررسی شود و نگاهی گذرا به مفاهیم طراحی معماری پایدار و طراحی معماری بیونیک صورت پذیرد. بررسی انجام شده نشان می دهد: در دهه های اخیر، موضوع پایداری، جهت حفظ محیط زیست و نیاز نسل های آینده در بیشتر علوم کاربردی، گسترده شده. علم معماری و به تبع آن ساختمان سازی از علومی که هم می تواند برای محیط زیست و طبیعت خطر آفرین باشد و هم این قابلیت را دارد که با طراحی درست و حساب شده و بر اساس شناسایی عوامل مفید آب و هوایی هر منطقه، آنها را به خدمت ساختمان در بیاورد. یکی از ابعاد پایداری روابط متقابل بین انسان و محیط است. با توجه به این که طبیعت و زیست بوم انسان همه چیز او و شروط حیاط او را فراهم کرده، از دیرباز منبع الهام و رفع نیاز انسان بوده است. یکی از نگرش های غالب و تعهد به این دیدگاه در زمینه طراحی معماری پایدار، معماری بیونیک و دیدگاه الهام از طبیعت است. انسان که همواره در ساخت سلاح و سرپناه و همه عناصر تمدن خویش به طبیعت وابسته بوده، در یک فرآیند طولانی سعی کرده تا الگوهای مناسب سرپناه و مسکن را از دل همین طبیعت کشف کند.

حاصل این تلاش ها امروزه به شکل مدرن و علمی تری در قالب معماری بیونیک سعی در توسعه این علم و نگرش دارد، که البته به موفقیت هایی هم دست پیدا کرده است. معماری بیونیک با نگاهی احترام آمیز به طبیعت و مظاهر آن سعی دارد تا از قواعد و فرم های طبیعی که طی هزاران سال شکل گرفته و به صورت پایداری تولید می شوند برای ایجاد سرپناه استفاده کند. این دیدگاه خود به بخش های تخصصی تری در کارهای عملی قابل تفکیک است. به عنوان مثال در الگو برداری از طبیعت می توان از فرم، سازه یا ساختار، ترکیبات یا مصالح و مکان یابی و نحوه جانمایی پدیده های طبیعی برداشت هایی را انجام داد. در یک ساختمان به سبک بیونیک ممکن است همه این زمینه ها یا تنها یکی از آنها اعمال شود. علم بیونیک نیز همانند مباحث پایداری تنها محدود به معماری نمی شود. این علم ابتدا در زمینه های دیگر شکل گرفته و سپس به معماری راه یافته است.

بر این اساس با توجه به افزایش جمعیت جهان خوشبینانه ترین احتمال برای سال ۲۰۵۰، بالغ بر ۱۲ میلیارد نفر است. در طول ۱۰۰ سال اخیر شهرها، بالاجبار بیشتر از گذشته، برنامه ریزی و استراتژی های شهری خود را بر اساس متمرکزسازی های با اهمیت آسمان خراش ها و گسترده گی مناطق مسکونی با جمعیتی متمرکز تغییر خواهند داد. که استفاده از اصول و طراحی معماری پایدار با بهره گیری از معماری بیونیک و اهمیت دادن هر چه بیشتر نسبت به گذشته به آن، امری ضروری و مثمر ثمر خواهد بود. با توجه به پژوهش های انجام شده در این مقاله مشخص شد که رابطه تنگاتنگی بین طراحی معماری پایدار و طراحی معماری بیونیک و تاثیر آن در محیط زیست وجود دارد.

منابع

۱. آبادی محمد علی، محمد زاده سودابه، (۱۳۹۲)، نقش هنر طراحی بیونیک در رسیدن به اهداف پایداری و تکنولوژیکی بنا، اولین همایش ملی برنامه ریزی حفاظت، حمایت از محیط زیست و توسعه پایدار، همدان، دانشگاه شهید مقتح.
۲. اشرفی سید حسین، نیکومنش علیرضا، محمدی پریسا، (۱۳۹۴)، بررسی دانش و معماری بیونیک برای رسیدن به معماری پایدار، اولین همایش بین المللی سومین همایش ملی معماری، مرمت شهرسازی و محیط زیست پایدار،
۳. امین مسگر مقدم، نوشین کبوتر صحرا، (۱۳۹۴)، بررسی شاخص های رویکرد معماری بیونیک به منظور استفاده مطلوب در چارچوب توسعه پایدار، اولین همایش بین المللی سومین همایش ملی معماری، مرمت شهرسازی و محیط زیست پایدار،
۴. امین زاده، بهناز؛ (۱۳۸۲) تأثیر زیست شناسی و اکولوژی در معماری، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۱۳، تهران، ۱۸ - ۲۲
۵. رضایی حریری، محمدتقی. (۱۳۸۴). طبیعت و معماری. در مجموعه مقالات طبیعت در هنر شرقی. تهران: فرهنگستان هنر.
۶. سلیمانی، میثم؛ (۱۳۸۷)، زمین و معماری پایدار، فصلنامه معماری و فرهنگ، تهران، شماره ۳۳، ۳۳ - ۳۶.
۷. شجاعی، علی؛ (۱۳۸۹)، "علم بیونیک؛ اساسی معماری معاصر"، اولین همایش ملی فناوری های نوین در علوم مهندسی.

۸. فرهودی، مروه؛ (۱۳۸۶) بررسی مفهوم مبتنی بر تفکر پایداری، فصلنامه معماری و ساختمان، تهران، ۳۸-۴۷.
۹. کامران کسمایی حدیثه، براتی فرد علیرضا، غفاری پری چهر، (۱۳۹۰)، نگرشها و اصول در معماری پایدار، همایش ملی عمران، معماری، شهرسازی و مدیریت انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان.
۱۰. کرمی سروش، (۱۳۹۰)، بازتعریف مفاهیم معماری بیونیک، رویکردی نوین در زمینه معماری پایدار، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری پایدار مرکز آموزشی و فرهنگی سما همدان، ایران، ۷ اسفند.
۱۱. گرجی مهلبانی، یوسف، (۱۳۸۹)، معماری پایدار و نقد آن در حوزه محیط زیست، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معمار یو شهرسازی ایران، صص ۹۱-۱۰۰.
12. Bar-Cohen, Y. (Ed.), (2006). "Biomimetics. Biologically Inspired Technologies." CRC Press,
13. Boca Raton, Florida, United States of America, p. 496.
14. CIB, (1999), Agenda 21 on Sustainable Construction, Rotterdam: CIB Report Publication 237.
15. Hagan, S. (2001), Taking Shape: A New Contract between Architecture and Nature, Architectural Press, St.Louis, USA.
16. Kelly, k.(1994),out of control ,the rise of neobiological , eddison Wesley , newyork.
17. Vashisht, Suparna.(2011). "Design for Sustainability through Bio-Mimicry", Sustainable Silicon Valley, pp. 6 - 7.
18. WGSC, 2004 Working Group for Sustainable Construction [WGSC], (2004), Working Group Sustainable.

مروری بر مفهوم رابطه از نظر اندیشمندان معاصر معماری و شهرسازی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۰۲

کد مقاله: ۶۶۵۸۲

فرشیده امیدواری^۱، علی حسینی^{۲*}

چکیده

ماهیت جهان ممکنات بر ارتباط استوار است و به لحاظ وجود ارتباط است که رابطه علت و معلولی به منصف ظهور می‌رسد. ارتباط شامل ارتباط انسانی، ارتباط انسان با محیط، انسان‌ها، اشیاء، فضا و ... می‌شود. به دلیل گستردگی زیرمجموعه‌های مبحث ارتباط انسان با محیط، این نوشتار به روش تاریخی به بررسی یکی از این زیرمجموعه‌ها با عنوان روابط اجتماعی و محیط خواهد پرداخت و به دنبال این نکته است که با وجود این رابطه در تمامی زمان‌ها، تا چه اندازه صاحب‌نظران این رشته از گذشته تا دوران ظهور پست‌مدرنیته به این مفهوم توجه داشته‌اند و نوع نگاه آن‌ها چه بوده است. این نوشتار در طول فرایند تکامل توجه به این مفهوم، از توجه خاص به توده‌های مردم و طراحی برای آنان، به در نظر گرفته مفهوم رابطه اجتماعی حاکم بر مردم در طراحی شهر رسیده که در نهایت نوع تکامل یافته تر آن، به توجه به این مفهوم در خاطرات جمعی شهروندان، تصویر ذهنی آن‌ها از شهر، فاصله اجتماعی مردم، ساختار شهر و ... می‌رسد.

واژگان کلیدی: رابطه، محیط، روابط اجتماعی، سیر اندیشه‌ها

۱- مربی گروه معماری موسسه آموزش عالی کارون اهواز

۲- مربی گروه معماری دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (arch.farshidehomidvari@gmail.com)

۱- مقدمه

ارتباط یک فرآیند است که، میان فرستنده و گیرنده توسط پیام و ایجاد معنی از طریق مسیر انتقال پیام ایجاد می‌گردد و باعث بروز عکس‌العمل (پس‌فرست) در گیرنده شده و گاه تأثیری بر فرستنده می‌گذارد (بازخورد). ماهیت جهان ممکنات بر ارتباط استوار است و به لحاظ وجود ارتباط است که رابطه علت و معلولی به منصفه ظهور می‌رسد (پاکزاد، ۱۳۹۴: ۱۱). ارتباط یک مفهوم فرایندی است. با این توصیف که رویدادها و روابط میان عناصر آن، به‌صورتی پویا و به‌طور مداوم در حال تغییر است و آغاز و پایانی ندارد. انسان همواره در ارتباط با محیط اطراف خود است. ارتباطی که به‌صورت داد و ستد اطلاعاتی، تأثیرپذیری، نفوذ و... رخ می‌دهد و ارتباط انسانی، ارتباط انسان با محیط، انسانها، اشیاء، فضا و... را شامل می‌گردد. که با توجه به تعریف ارتباط، تمامی آن‌ها را می‌توان در یک فرآیند کلی جایگزین نمود. مفهوم ارتباط انسان با محیط، در برگیرنده مفاهیم بسیاری است که لازم است به منظور روشن تر شدن موضوع، برشمرده شوند:

- وجود پاسخ به نیازهای انسان در محیط؛
- در نظر گرفته روابط اجتماعی در محیط؛
- ارتباطات حسی انسان با محیط (بصری، بساوی، شنوایی و ...)
- مقیاس انسانی؛
- طراحی محیط در مقیاس خرد (طراحی دیتیل ها، همکف و ...) (همان)

بدلیل گستردگی زیرمجموعه‌های مبحث ارتباط انسان با محیط، این نوشتار به بررسی یکی از این زیرمجموعه‌ها با عنوان روابط اجتماعی و محیط خواهد پرداخت به دنبال پاسخ به سوال های پیش رو است: آیا به روابط اجتماعی در طراحی شهری توجه می‌شود؟ این توجه به چه میزان بوده است؟ با توجه به پیشینه مباحث شهرسازی و در نظر گرفتن انسان در محیط، تا چه اندازه به مفهوم روابط اجتماعی و در نظر گرفتن آن در طراحی شهری و یا مبانی نظری طراحی شهری در آرای صاحب نظران، توجه شده است؟ و نحوه نگاه صاحب نظران به مسئله روابط اجتماعی در طراحی شهری چگونه است؟

این نوشتار در ابتدا با مطالعه آراء صاحب نظران طراحی شهری و بررسی میزان توجه به روابط اجتماعی در این آراء در طراحی شهری برآمده از آن‌ها، طیفی از نظرات و ایده های مختلف را در این مورد جمع آوری کرده و در نهایت با تحلیل محتوای این طیف، به بیان سیری از نگاه به روابط اجتماعی در طراحی شهری و فرایند تکامل آن تا کنون می پردازد. به عبارت دیگر این میزان توجه به روابط اجتماعی در طراحی شهری را بررسی خواهد کرد.

۲- بیان آراء صاحب نظران

در این بخش به اختصار آراء و نظرات تنی چند از صاحب نظران عرصه شهرسازی و نیز ارتباطات اجتماعی میان مردم مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد. این صاحب نظران از قرار زیرند:

سن سیمون، جامعه را بیشتر به صورت توده ای و طبقه طبقه در نظر می گرفت (طبقه کارگر، طبقه مولد و ...). او به مسئله روابط اجتماعی حاکم بر جامعه، توجه چندانی نداشته و مسئله اصلی برای وی رفاه جامعه ورهایی از استثمار فئودال بود (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۳۴). بنابراین، روابط اجتماعی و تعامل میان شهروندان در طرح های وی مورد نظر نبوده است.

نگاه اوئن هم مانند سن سیمون به اجتماع، نگاه توده ای بوده است (تبدیل افراد به " گونه ") (همان: ۵۷)، هر چند در برخورد با اجتماع تا حدی از سن سیمون فراتر رفته و متوجه رابطه بین آرایش فضایی و رفتارهای اجتماعی شده بود (Bertels, 1977: 42).

فوریه برخلاف اوئن، برای هر فرد، آزادی و استقلال قائل بود و نمی خواست که همه تبدیل به یک فرد شوند و در جامعه آرمانی اش به دنبال تبدیل همه افراد به یک شخصیت واحد نبود. او جامعه متشکل از افراد متفاوت را می پذیرفت. برای فوریه طبقه بندی یک مالیخولیای حقیقی است (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۶۵). در نتیجه نگاه وی به اجتماع از توده ای و طبقاتی بودن به سمت فرد گرویده است ولی روابط اجتماعی بین مردم هنوز مورد توجه قرار نگرفته و توجه وی به مکان‌ها و فعالیت ها، متوجه مکان‌ها و فعالیت های فردی و خانوادگی است.

اتین کابه، نگاه توده ای- به دلیل نگاه کمونیستی وی به جامعه- به مردم داشته داشته است. در شهر آرمانی وی، تمامی شهروندان می باید همسان با یکدیگر ساکن شوند (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۶۹). به طوری که خانه های این شهر به صورت مبله به ساکنان واگذار می گردد (شوا، ۱۳۷۵: ۱۲۳) با این اوصاف، نگاه توده ای به جامعه و یکسان انگاری همه مردم در شهر، موجب نادیده انگاشتن روابط اجتماعی موجود بین مردم و تاثیر آن در شکل گیری فضاها و مکان‌های شهر، شده است.

از اصول برنامه های اوسمان در ملاحظات شهرسازانه او در پاریس- ایجاد بلوارهای گسترده و ساخت خیابان‌هایی برای عبور و مرور راحت مردم و ...- اینطور برداشت می‌شود که وی در طرح هایش بیشتر جنبه های ایستای شهر را در نظر می گرفت و به جنبه

های پویایی آن توجهی نداشت (برگرفته از پاکزاد، ۱۳۸۶؛ ۹۶) و از نظر او مردم کسانی بودند که باید برای آن‌ها طراحی کرد و ویژگی‌های مردم و روابط اجتماعی بین آن‌ها در طرح‌های وی لحاظ نشده است.

راینهارد باومایستر، همیشه بر جنبه‌های اجتماعی شهرسازی تکیه می‌کرد و حتی شهرسازی را وظیفه‌ای اجتماعی می‌پنداشت (همان؛ ۱۳۵) و منظور او از جنبه‌های اجتماعی شهرسازی، بیشتر معطوف به توجه به ساختار اجتماعی در مناطق شهری و میزان جمعیت شهرها و ارتباط آن با نیروی جاذبه صنعت و تجارت (Baumeister, 1876: 8) بوده و هنوز این جنبه‌های اجتماعی در حد تعامل و ارتباطات اجتماعی میان ساکنان مطرح نیست و طبقات اجتماعی و توجه به آن‌ها در پهنه‌بندی یک منطقه شهری (برگرفته از پاکزاد؛ ۱۳۸۶: ۱۲۲) مورد نظر وی است.

دلمشغولی اصلی کامیلوزیته زندگی جمعی یا به گفته خودش زندگی عمومی است. وی متأسف است که چرا همکارانش میدان و دیگر فضاهای شهری را محل تعامل اجتماعی و فضایی چندکاره نمی‌بینند. او مکان‌های اصلی شهر را از زمان‌های دور تا کنون، نیاز حیاتی و مهمترین عامل زندگی جمعی می‌داند (همان؛ ۱۳۸). با این اوصاف، زیته می‌کوشد، قواعدی کالبدی که خود آنرا قواعد هنری می‌نامد، برای حفظ و تقویت زندگی جمعی در شهر، تدوین کند (همان؛ ۱۳۸). وی هنوز به تاثیر این روابط در طراحی فضاها توجه ندارد و توجه اصلی وی متوجه کالبد است برای رسیدن به زندگی جمعی و تعامل اجتماعی.

هرمان یوزف اشتون، یک فرد حرفه‌ای بود و دغدغه اصلی او در جایگاه حرفه‌اش، اجرای طرح‌ها بود. از این رو، با کارهای خود تأثیراتی جدی بر شناسایی و بهبود جنبه‌های مدیریتی، تحقق‌پذیری، گفتگو، سازماندهی و بخش حقوقی پروژه‌های شهری داشته است (همان؛ ۱۶۵). وی بیشتر به جنبه‌های فنی شهرسازی و نحوه اجرای پروژه‌ها می‌پرداخت، و جنبه‌های اجتماعی و به ویژه روابط اجتماعی موجود بین افراد توسط وی کمتر مورد توجه است (همان؛ ۱۳۸).

سوریا ای ماتا، مهندس راه‌سازی بوده و مشکل ترافیک شهری برای ماتا بیش از هر موضوع دیگری جلب توجه می‌کرد (اوستروفسکی، ۱۳۷۱: ۱۷). وی جنبه‌های اجتماعی شهرسازی را در طرح‌های خود دخالت نمیداده و بیشتر مسائل ترافیکی و حمل و نقل را به کار می‌بسته است.

هاوئرد، مانند تخیل‌گرایان می‌خواست شهر را از دیدگاه منابع اقتصادی و خدمات همگانی، به صورت اجتماعی مستقل سازمان دهد. اما در عمل، تنها به سازمان دادن کالبدی شهر بسنده نمود (پاکزاد، ۱۳۸۶؛ ۲۰۰) و از جنبه‌های دیگر شهرسازی به ویژه روابط اجتماعی حاکم بر مردم غافل ماند.

شهر صنعتی تونی گارنیه، نخستین کوشش برای معرفی یک شهر سده بیستمی متکی بر اصول سوسیالیستی است و به گفته خود: "جامعه نوینی که بر پایه اصول سوسیالیستی اداره می‌شود، دیگر هیچ گونه نا هنجاری اجتماعی یا دزد و جانی نخواهد داشت" (اوستروفسکی، ۴۸: ۱۳۷۱). در طراحی این شهر، وی بیشتر به مسائل کالبدی توجه داشت و چون شهر یک شهر سوسیالیستی است، جامعه را توده‌ای می‌بیند و مسائل اجتماعی در آن کمتر مورد توجه بوده است.

انار، بیشتر به مسائل ترافیکی، طراحی خیابان، فلکه و تقاطع‌ها در طراحی شهر اهمیت می‌داد و همانطور که اوستروفسکی بیان میدارد، دلمشغولی و دغدغه ذهنی اصلی انار در رویارویی با شهر، حل مسائل فنی بود نه مسائل اجتماعی آن (اوستروفسکی، ۵۵: ۱۳۷۱). در نتیجه وی، نه تنها روابط اجتماعی حاکم بر مردم را در طرح‌هایش به کار نمی‌بسته بلکه به آن‌ها کاملاً بی‌اعتنا نیز بوده است.

اوتو واگنر، مسائل عملکردی و کالبدی را در طرح‌هایش مد نظر قرار می‌داد و شیفته این توهم بود که می‌تواند با کمک آثار معماری خود، مردم را برای زندگی بهتر تربیت نماید (برگرفته از پاکزاد، ۱۳۸۶؛ ۲۳۴). وی از گمنامی آدم‌ها در کلانشهر و عدم ارتباط رو در رو سخن به میان آورده است که نشان می‌دهد، توجه به انسان‌ها و روابط اجتماعی حاکم بر آن‌ها در حد ایده‌ای که تأیید کننده کلانشهر که محبوب وی است، می‌باشد. واگنر می‌نویسد: "بیشتر ساکنان شهر دوست دارند تا به صورت عدد، در انبوهی جمعیت پنهان شوند. زندگی در شهر به معنای آزاد شدن از هر گونه قید و بند تحمیلی از سوی اجتماع است" (Wagner, 1911: 21).

سنت الیا، شیفته حرکت و پویایی بود (پاکزاد، ۱۳۸۶؛ ۲۳۹). او به دنبال ایجاد هماهنگی میان انسان و محیط پیرامون وی بود، اما منظور او هماهنگی معماری با محیط طبیعی نبود، بلکه هماهنگی میان عناصر مصنوع و طبیعی را جستجو می‌کرد (همان). در نتیجه او نیز مانند هم دوره‌های خود، انسان را مخاطبی می‌پنداشت که باید برای آن طراحی کرد، و با هماهنگی عناصر مصنوع و طبیعی، می‌توان بین انسان و محیط پیرامون به هماهنگی دست یافت. از طرفی شیفته‌گی غیر انتقادی فوتوریست‌ها به ماشین‌ها، شهرسازی و معماری آنان را به طرح‌های غیر انسانی تبدیل می‌کند. حتی ماریتی - سردمدار فوتوریست‌ها - اعلام می‌کند که ما جوای آفرینش گونه‌ای غیر انسانی هستیم که رنج اخلاقی - که پاکدلی جسمانی قدرتمند ما را قطع میکند - از وجود او زدوده شده است (برمن، ۲۸: ۱۳۷۹).

پتریک گدیس، نخستین کسی است که ضرورت مطالعات شهری را مطرح کرده و از متخصصان مختلف - جغرافیدان، جامعه‌شناس، روانشناس، معمار - و دیگر متخصصان که به گونه‌ای با شهرسازی در ارتباط باشند استفاده نمود (پاکزاد، ۱۳۸۶؛ ۲۴۶). او

برنامه ریزی شهری را چونان تکنیکی می داند که ریشه در بافت اجتماعی و فرهنگ مردمان و شهروندان داشته (همان؛ ۲۴۷) و معتقد بود که مجتمع های شهری، بستگی تام و تمام به ساخت اجتماعی آن ها دارد (برگرفته از پاکزاد؛ ۱۳۸۶؛ ۲۴۵). از آنجایی که وی زیست شناس بود، برای همین هم به جوامع انسانی از دیدگاه زیست شناختی می نگریست و جامعه شناسی را زاینده علم زیست شناسی می دانست (همان). وی علی رغم اینکه نسبت به هم عصران خود گامی به جلو در توجه به جنبه های اجتماعی شهر برداشته است، روابط اجتماعی ساکنان شهر را در طرح هایش مد نظر قرار نداده است.

هندریک پتروس برلاگه: همکاری و همفکری گروهی از متخصصان در حل یا- به گفته برلاگه- کاهش دشواریهای گوناگون شهری، نقطه عطفی در شهرسازی شد و در واقع تولد شهرسازی امروزی را می توان با آغاز طرح جامع آمستردام اعلام نمود (همان؛ ۲۵۶). طرح آمستردام بر توجه به زندگی فرد و رابطه ای که هر فرد با اجتماع داشت متمرکز شده بود (همان؛ ۲۵۷). در این طرح، وی خط سیر گسترش آینده شهر را با در نظر گرفتن تمام عواملی که پایه های اجتماعی جامعه را پدید می آورد، ترسیم کرد. همه پیشنهادها بر پایه پژوهشها، آمار و ارقامی بود که برای بقا و گسترش یک جامعه لازم اند که بخشی نیز به موضوع جمعیت پرداخته بود (همان). هندریک پتروس برلاگه، تمام عواملی که پایه های اجتماعی جامعه را پدید می آورد ترسیم کرد (برگرفته از همان)، ولی منظور وی از عوامل اجتماعی، عوامل جمعیتی است (مانند تعداد جمعیت، سن، جنسیت و ...) و هنوز وارد علوم اجتماعی و به طور خاص در نظر گرفتن روابط اجتماعی در طراحی نشده است.

کلرئس آرتز پری، برخلاف بیشتر معماران اروپایی که تنها به حل مشکل خانه برای قشرهای کم درآمد وحل مسائل فنی آن می پرداختند، هدفی اجتماعی تر در سر می پروراند. او نظریه ای درباره تشویق زندگی جمعی از راه نقشه ای سنجیده و خردمندانه ارائه داد که به واحد همسایگی معروف شد (همان؛ ۲۶۰). وی او بر این باور بود که زندگی جمعی در واحدهایی که به خوبی سازمان یافته باشند، شکوفا می شود (همان). پری به دنبال شرایطی کالبدی می گشت که بتواند زندگی جمعی شهروندان را تضمین و گسترش دهد (همان) و همچنین به موانعی همچون اختلاف نژادی، مذهبی و طبقاتی در امریکا که بر سر راه برقراری روابط جمعی و همسایگی وجود داشتند توجهی بسیار داشت (همان؛ ۲۶۱). بنابراین پری را می توان فردی دانست که نسبت به اندیشمندان قبل خود بر مسائل اجتماعی و به خصوص روابط اجتماعی بین مردم بیش از همه تاکید داشته است، و او این روابط اجتماعی را به صورت محدود و در حد یک محله، قابل تحقق می دانست و از آنجایی که مهمترین عناصر ارتباط دهنده همسایگان، مدرسه است، (برگرفته از پاکزاد، ۱۳۸۶؛ ۲۶۱)، مرکزیت دبستان را برای محله خود- به منظور تقویت روابط اجتماعی ساکنین محله- برگزید.

فرانک لوید رایت، ابزار ارتباط جمعی را ستایش می کند و بر پایه روحیه آمریکایی تعریفی از خود ارائه می دهد (پاکزاد، ۱۳۸۶؛ ۲۲۰) که به این قرار است: وی بر این باور بود که اختراع تلفن و خودرو باعث شده که شهرهای قدیمی بیش از پیش روزآمدی خود را از دست بدهند. او مشتاقانه چشم به راه روزی بود که شهرهای فشرده و پر جمعیت نیویورک و شیکاگو نابود گردند و به جای آن امریکاییان دوباره در محیط های روستا مانند زندگی کنند که از خانه های جداگانه ای ساخته شده اند که در آن ها افراد آن قدر از یکدیگر دور می شوند که ثبات زندگی خانوادگی تضمین گردد و از سوی دیگر با بهره گیری از وسایل نوین رسانه های گروهی و حمل و نقل، آن قدر با هم در تماس هستند که احساس عضویت در یک جامعه واقعی به آن ها دست دهد (همان؛ ۳۲۰ و ۳۲۱). بنابراین رایت پیشنهاد می کند که برضد شهرهای بزرگ اقداماتی صورت گیرد و مجتمع های شهری به صورت پراکنده و نامتمرکز در آیند (همان؛ ۳۲۲). نتیجتاً وی روابط اجتماعی ساکنان را محدود در برقراری ارتباط با ابزار ارتباط جمعی می داند و به ایجاد تعامل اجتماعی در فضاهای شهری و تاثیر این عامل در طراحی فضاها توجه ندارد و چون با ابزارهای ارتباط جمعی می توان این تعامل اجتماعی را برقرار کرد، شهر پیشنهادی وی، شهری ست پهندهشی با مقدار زیادی زمین برای هر فرد.

لوکوربوزیه از انسان و محیط، برداشت افلاطونی داشت؛ او در واقع با انسان های پیرامون خود و نیازهای واقعی شان که در قالب زمان و مکان مطرح می شود کاری نداشت، بلکه برای او شناخت حقیقی و راستین در صورت های مثالی محض، ازلی و مطلق نهفته بود که می توان با کمک قوای ذهنی و مغز خود بدان نایل آمد (پاکزاد، ۱۳۸۶؛ ۳۷۹). وی تنها به جنبه بیولوژیک یا زیست شناسانه انسان توجه داشت و می کوشید تا نیازهای فیزیولوژیک انسان را برآورده سازد (همان؛ ۳۷۱). در نتیجه وی در جایگاه معمار کوشید تا از دستاوردهای فنی نوین برای بهبود شرایط زیست انسان ها استفاده نماید (همان؛ ۳۸۰) و در نتیجه عامل اجتماعی موثر در طراحی شهر را، در حد نیازهای فیزیولوژیک انسان می دید و عوامل جامعه شناسی مانند روابط اجتماعی در طرح های او جایگاهی نداشت و تنها در پهنه بندی شهر، در پهنه واحد تفریحی از روابط اجتماعی سخن به میان آورده است که طراحی کالبد را موثر در برقراری این روابط می داند (لوکوربوزیه، ۱۳۵۴؛ ۵۵).

لویس مامفرد، یک نویسنده بود و بیشتر به ارائه مبانی نظری در مورد شهر می پرداخت، وی از یک سو در جستجوی عوامل تاثیرگذار بر زندگی شهری بود و از سویی دیگر پدیده های فناورانه آن زمان را که در حال رشد و نمو بود، بررسی می کرد؛ از این رو در نوشته ها و دیدگاههای خود توجه و تاکید ویژه ای بر پدیده هایی چون فناوری داشت (پاکزاد، ۱۳۸۶؛ ۳۹۷) و به ارائه نظریاتی درباره فن و فناوری، تاثیر آن بر رابطه های اجتماعی مردم و تاثر از آن می پرداخت (برگرفته از پاکزاد، ۱۳۸۶؛ ۳۹۹). وی، توجهی ویژه به مفهوم و پدیده شهر به عنوان یک نهاد اجتماعی داشت و بیشترین فعالیت های او در زمینه جامعه شناختی شهری،

متمرکز بود (همان؛ ۳۹۸). او ظهور کالبدی- فضایی عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در شهر گوشزد می کرد (برگرفته از تولایی، ۱۳۲: ۱۳۸۲) و بر همبستگی اجتماعی و روابط دوسویه چهره به چهره، تحرک فردی، اهمیت ابعاد زیبایی شناسی و وحدت با نیروهای طبیعی در شهر تاکید داشت (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۴۰۲). وی فضاهای شهری را فضای اجتماعی تعریف می کرد که هویت آن در همخوانی با هدف های انسانی و اصول زیبایی شناختی معنا پیدا می کند. بر این پایه، وی از فضاهایی چون میدان و خیابان که مطابق با اصول زیبایی شناختی و نه معیارهای فنی- عملکردی، و عامل ایجاد روابط اجتماعی باشند را فضاهای انسانی و جاهای چون اتوبان ها را فضاهای ضد انسانی می دانست (همان؛ ۴۰۵ و ۴۰۶) و حسن شهرهای بزرگ را در پدید آوردن روابط انسانی می دانست که در عین گونه گونی و فراوانی خود زبانی برای زندگی خصوصی افراد به همراه ندارند (فکوهی، ۲۰۶: ۱۳۸۳).

کنزو تانگه، در بررسی مسائلی که متابولیست ها مطرح کرده اند، به موضوع ارتباطات توجهی خاص داشت (برگرفته از پاکزاد، ۱۳۸۶: ۵۷). وی باور داشت که بشر به طور غریزی به ارتباطات مستقیم نیاز دارد و از آن جایی که حمل و نقل برای ارتباطات مستقیم ضروری است، سامانه حمل و نقل، شالوده کالبدی و کارکردی یک شهر است و ساختار اصلی آن را تشکیل می دهد (همان؛ ۵۷ و ۵۸). بنابراین وی موضوع ارتباطات را به صورت ارتباطات حاصل از حمل و نقل افراد می دید و نقدی که بر وی وارد است، عدم توجه به نقش و جایگاه دیگر تخصص ها- مثلاً جامعه شناسان- و فرافکنی آمال و آرزوهای شخصی درباره آینده می باشد (همان؛ ۶۰).

آلدو فان آیک، در رابطه با برقراری رابطه اجتماعی میان افراد معتقد بود که جامعه نیازمند عرصه های میانی است تا فرد بتواند با جمع دیدار کند (همان؛ ۸۷). وی و دیگر ساختار گرایان هلندی، برخلاف ساختار گرایان ژاپنی- متابولیست ها- که برای ساختار، مفهومی سایبرنتیک قائل بودند، بیشتر به دنبال شناخت رفتارهای طبیعی انسان رفته و برای ساختار، مفهومی انسان شناختی در نظر می گرفت (Joedicke, 1990:142). بنابراین فان آیک، نسبت به ساختار گرایان ژاپنی، گامی جلو در درک روابط اجتماعی میان افراد برداشته و از رابطه میان فرد و جمع سخن به میان آورده است.

گئورگی کپس، به رابطه میان انسان و محیط اهمیت می داد و از جمله هنرمندان نظریه پردازان است که هر پدیده ای، از جمله انسان را همواره در ارتباط دوسویه با محیط پیرامونش می دید (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۹۹). او با باور به اینکه انسان ها، توانایی تعامل با یکدیگر را از دست داده اند، دغدغه اصلی خود را احیای راه های تعامل میان ایده ها اعلام نمود (همان). از دید او پیشرفت، به معنای رسیدن به زندگی ای شکوفا و دانشی انسانی، تنها از راه تعامل میان همه افراد اجتماع میسر می شود (همان، ۱۰۳). به گفته او به رغم وجود عقاید و ادعاهای مخالف هم، در هنر سده بیستم، جنبه ای مشترک وجود دارد؛ این جنبه مشترک به آن چیزی مربوط می شود که در حال از دست رفتن است؛ یعنی پیوند میان هنر و زندگی، میان انسان و انسان و میان انسان و محیط... به گفته او هنرمندان دریافته اند که به جای بیش از اندازه پرداختن به مسئله فرم، باید به دنبال پاسخ سوالاتی اساسی تر و جامع تر درباره نقش و هدف هنر باشند (همان، ۱۰۵).

از نظر پاول زوکر میدان و عناصر مربوط به آن از دید کالبدی، جزئی از ساخت فضایی شهر است و از دیدگاه اجتماعی، تعاملات اجتماعی آدم ها را در خود جای می دهد. او تاکید داشت که کارکرد کالبدی و روان شناختی میدان، به مقیاس و اندازه آن بستگی ندارد؛ ... در واقع این فضاها، جایی را برای تجمع مردم آفریده اند و با برقراری امکان تعاملات اجتماعی، به آن رنگ و بوی انسانی می بخشند (Zucker, 1970: 1-2). وی، میدان را عنصری می دانست که جامعه را به معنای واقعی به اجتماع تبدیل می کند و نه صرفاً به تجمعی از افراد (Zucker, 1970: 1).

جین جیکوبز، رابطه های سطحی را بسیار مهم و زمینه ساز یک زندگی مناسب در پیاده روها می داند، به گونه ای که در صورت فقدان چنین روابطی، انسان می باید در پی جایگزین هایی برای آن باشد. به باور او، این کار تنها با گسترش زندگی خصوصی انسان امکان پذیر است. او تاکید می کند که: "افزون بر آن خیابان ها باید آن اندازه سرزنده باشند تا زندگی عمومی و امنیت را در پیاده روهای خود تضمین نمایند" (Jacobs, 1963: 156). از طرفی همچنین موضوع کلانشهر که وی از آن دفاع می کند، زمینه را برای تحقق روابط اجتماعی ساکنان بیشتر از شهرهای محدود و غیر پیچیده نسل هاوئرد و لوکوربوزیه، فراهم می کند.

به باور گوردون کالن، یک شهر به مفهوم کامل، چیزی بیشتر از جمع کسانی است که در آن زندگی می کنند (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۵۱) و همچنین برای دستیابی به شهری با ساختار سالم و کارآمد، هم فکری همه متخصصان- جمیعت شناس، جامعه شناس، مهندس، کارشناس ترافیک و ...- لازم است، اما کافی نیست (همان؛ ۱۵۳). او حضور شهروندان در فضاهای شهری را ضروری و آن را مایه سرزندگی می دانست (همان؛ ۱۶۱) و از نظر وی کارکرد اصلی شهر، همبستگی اجتماعی است و از این رو شهر باید برای همگان قابل دسترس و باز باشد (همان؛ ۱۶۲) کالن با وجود اشاراتی که به همبستگی اجتماعی به عنوان کارکرد اصلی شهر و حضور شهروندان به عنوان عنصری به منظور ایجاد سرزندگی، کرده، ولی در حد مسائل کالبدی و فیزیکی شهر و به ویژه مسائل منظر شهر باقی مانده است.

از نظر کوین لینچ، سیما یا تصویر ذهنی، طرحواره ای ارزشگذاری شده در ذهن فرد از منظر شهری است و عوامل متعدد فیزیولوژیکی، فردی، اجتماعی، اعتقادی، ارزشی و ... نقش مهمی در شکل گیری این تصویر ذهنی بازی می کنند. تصویر ذهنی فرد از محیط، دستاورد خاطرات، روابط، تجربه ها، آرزوها و توقعات او از محیط است (برگرفته از پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۶۸). بنابراین وی عوامل اجتماعی را بیشتر در بعد سیما و تصویر ذهنی افراد از شهر مورد بررسی قرار داده است و به تاثیر این عامل در طراحی فضاهای شهری توجهی نداشته است.

کنستانتین دوکسیادیس، برای رویارویی با مسائل پیچیده ای که امروزه شهر با آن مواجه است، توصیه می کند که از اکسیتیسیس پیروی شود (برگرفته از دوکسیادیس، ۱۳۵۳: ۹۷). اکسیتیسیس، علم مربوط به جوامع بشری است؛ علمی که هماهنگ کننده اقتصاد، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم اداری، فناوری و زیبایی شناسی بوده و به صورت مجموعه منظمی است که در پدید آوردن گونه ای نو از مسکن به کار گرفته می شود (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۰۴). دوکسیادیس ضمن توجه به عامل اجتماعی در طراحی، دست یافتن به معماری واقعی را مستقیماً به شمار مردم موثر در کار آفرینش معماری مرتبط می دانست که این نیز خود به پیشرفت گونه های ارتباط میان مردم و گستره ای که در آن، امکان ایجاد چنین ارتباطی باشد، بستگی دارد (برگرفته از پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۱۰).

تمرکز اصلی کالین بیوکنن، بر ترافیک، حمل و نقل و آمد و شد مردم در سطح شهر بود. بنابراین، توجه او به مسائل اجتماعی نیز به تمرکز وی بر مسائل حمل و نقل و ترافیک محدود می شد و لزوم توجه به مسائل جمعیتی و عوامل سیاسی و اقتصادی را در تغییرات سامانه حمل و نقل شهرها موثر می دانست (همان؛ ۲۲۵).

الکساندر میچرلیخ، به عنوان یک روانکاو و شهرشناس، شهروند و خانه اش را به مانند کلیت یگانه ای می پنداشت که محیط پیرامون آنرا در بر گرفته است و هرچه محیط پیرامون برای فعالیت و شکوفایی انسان آماده تر باشد، او را بیشتر به بیرون خانه و تعامل اجتماعی دعوت می کند (همان؛ ۲۲۹) و لزوم وجود مکان های ارتباط و تعامل اجتماعی و همسایگی را گوشزد می کند (برگرفته از همان؛ ۲۴۹). وی در نقد شهرهای مدرن به دلیل عدم استفاده از متخصصانی چون، جامعه شناس، روانشناس و روانکاو در طرح ها و برنامه ها می گوید: "هیچ کدام از این تخصص ها نیاز حیاتی انسان به معاشرت و تعامل اجتماعی را نمی شناسند. ... آن ها محیط هایی یکنواخت و عاری از هرگونه فرصتی برای تجربه فضایی و توانایی پذیرش تعاملات را پدید می آورند." (همان؛ ۲۴۵). او مهم ترین عامل در این حس تعلق خاطر را، تجربه ها و خاطره هایی می دانست که انسان را از تعامل با همنوعان خود در آن مکان به دست آورده است (Micherlich, 1969: 124). بنابراین میچرلیخ به عنوان یک نظریه پرداز، تاکید ویژه ای بر روابط اجتماعی و تاثیر کالبد در شکل گیری آن و ... داشته است و به دلیل اینکه وی تنها یک نظریه پرداز است، این نظریات رنگ کالبد به خود نگرفته اند و در حد آرای وی در این زمینه باقی مانده اند.

لارنس هالپرین، هدف نهایی یک شهر را فراهم کردن محیطی خلاق برای زندگی مردم می داند، شهری با گونه گونی زیاد که به شهروندان اجازه انتخاب آزادانه بدهد؛ شهری که زمینه بیشترین تعامل میان مردم و محیط های شهری پیرامونشان را فراهم سازد. او اصول اساسی شهرسازی را نقطه آغازین فراهم نمودن این گونه محیط ها می داند (Halprin, 1972: 7). بنابراین توجه وی به مسائل کالبدی شهر است مانند خیابان، میدان، ساختمان ها و عوامل دیگری مانند نورپردازی و ... وی دیدی جدید به مسئله روابط اجتماعی در شهر داشت، به باور او اهمیت معروف ترین میدان های جهان، به عنوان نمادهایی اجتماعی، نه به علت طراحی زیبای آن ها بلکه به علت رخدادهای اجتماعی مهم و گوناگونی است که درون آن ها رخ می دهد (همان؛ ۲۷ و ۲۸).

سرگئی چرمایف، از مقیاس انسانی سخن به میان می آورد و برداشت او از تعامل اجتماعی به این صورت است که: هر انسان، انسان دیگر را کمتر با مقیاس خودشان می بیند. باید آدم ها را در میان جمعیت شهر، شاهراه ها و یا بر صفحه دوبعدی تلویزیون و سینما تماشا کرد. هر انسان، صدای دیگر انسان ها را از پشت گوشی تلفن یا میکروفن می شنود... زمانی که او در شرایط کاملاً طبیعی خود قرار گیرد و چهره به چهره با انسانی دیگر مواجه شود، رابطه اش با محیط زندگی و با دیگر انسان ها معلوم و مقیاس انسانی اش مشخص می شود (چرمایف، ۱۳۷۶: ۹۲).

اشپرای رگن، هدف از طراحی شهری را انتظام بخشی به فرم کالبدی و تصویری شهر می داند و به همین دلیل به بهره گیری از عناصر طراحی شهری به عنوان یک اصل باور دارد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۳۲۶). بنابراین توجه اصلی وی به مسائل کالبدی و فیزیکی شهر است و عوامل اجتماعی در طرح های او جایگاهی ندارند.

آلدو روسی، شهر را محصول خاطره جمعی می داند، به طوری که شهر صحنه ای سرشار از احساسات و عواطف تنها یک نسل نیست، بلکه مربوط به چندین نسل می باشد. به باور وی فرد و جمع در شهر با هم در تعامل هستند و در هم ذوب می شوند (Rossi, 1973: 13). به باور وی شهر دستاوردی جمعی است و محصول طراحی برای جمع است (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۳۳۸ و ۳۳۹). بنابراین روسی توجه خود را معطوف به عامل اجتماعی شکل دهی به شهر کرده است که او این عامل اجتماعی را خاطره جمعی شهروندان می بیند و ارزش معنایی یک بنا را برآمده از انگاره هایی می داند که از این ساختمان وجود دارد و به میزان اهمیتی که آن بنا برای خاطره جمعی داشته و رابطه ای که میان فرد و جمع ایجاد می کند بستگی دارد (برگرفته از همان؛ ۳۴۰).

رابرت ونتوری با انتشار کتاب پیچیدگی و تناقض در معماری، از استفاده هم زمان از "این و آن" سخن به میان می آورد که با وجود اینکه این مبحث نسبت به مدرنیست ها گامی به جلو برداشته و افق های وسیع تری در طراحی را شامل می شود ولی در حد مسائل کالبدی معماری باقی مانده و مسائل دیگر نظیر مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را شامل نمی شود.

ادوارد هال، عامل اجتماعی شکل گیری فضاهای شهری را بر پایه فاصله اجتماعی می داند و آن را جزء فاصله هایی می شمارد که فضاهای پنهان بر پایه آن شکل می گیرد (برگرفته از هال، ۱۳۷۶: ۱۶۲-۱۶۴). وی لزوم مناسب سازی فضای شهری برای تعامل گروه های قومی و فرهنگی را گوشزد می کند. هال، نه تنها عامل اجتماعی را از بعد نظری و روانشناختی بررسی کرده است بلکه توجهاتی نیز در باب مسائل کالبدی وقوع روابط اجتماعی مبذول داشته است. به گونه ای که از نظر وی، مردمانی که میزان ارتباط و نزدیکی آن ها بالاست، ظاهراً در سنجش با کسانی با درجه درگیری و ارتباط کمتر به تراکم های بالاتری نیاز دارند. بنابراین به باور وی، درک درست از شیوه محاسبه تراکم های بیشینه، کمینه و بهینه برای گروه های فرهنگی گوناگون که شهرهای ما را درست می کنند، کاری ضروری است (همان: ۲۳۶-۲۳۷).

توجه و پافشاری ادموند بیکن بر فضا، به باور وی، توده و فضا دو عنصر اصلی معماری هستند و جوهر طراحی، پیوند دوسویه این دو است (بیکن، ۱۳۷۶: ۱۳). به باور وی، شبکه حرکتی می تواند باعث گرد آمدن مردم در گذرگاه حرکتی- مثلاً خیابان- و پیوند آن ها با هم شود، به گونه ای که این گذر حرکتی، رفته رفته به یک نیروی عمده سیاسی- اجتماعی تبدیل شود که مردم از آن راه، دیدگاه های خود را ابراز می کنند (همان، ۳۶). بنابراین وی مفهوم ساختار را تبیین می کند عامل حفظ وحدت و پدید آمدن هماهنگی میان آن ها است و روابط اجتماعی مردم نیز درون این ساختار به وقوع می پیوندد.

ویلیام وایت، پروژه زندگی خیابانی را انجام داد که به بررسی اجتماعی فضاهای شهری می پرداخت به عنوان مثال پژوهش های وایت نشان میداد که برخی از جلوخان ها، به ویژه در ساعت های ناهار خوردن، آدم های بسیاری را به سوی خود می کشید (برگرفته از پاکزاد، ۱۳۸۶: ۴۷۲)؛ و به این نتیجه رسید که: حضور زیاد گروه های مردم، نمایشی از برگزیدگی فضا است. وقتی مردم در گروه های دو یا سه نفره به جایی می روند و یا در آن قرار می گذارند، به این معنی است که آن مکان را برگزیده اند (همان: ۴۲۶). او اولین کسی است که عامل ایجاد تعامل اجتماعی را تنها در کالبد جستجو نکرد و با بررسی رفتار مردم در فضاهای شهری، تعاملات اجتماعی در فضا و حضور آدم های دیگر را عاملی برای ایجاد تعاملات اجتماعی بیشتر در فضا قلمداد کرد (همان: ۴۲۸).

یان گل از لزوم روشن بودن گونه زندگی همگانی ای که باید در فضا شکوفا گردد، برای طراحی فضاها سخن به میان می آورد (همان: ۴۳۴). وی از نخستین کسانی است که به اهمیت دعوت کننده بودن شهر، به منظور برقراری ارتباط چهره به چهره با همسایران، تاکید می کند و زندگی همگانی در فضای همگانی با کیفیت را بخش مهمی از یک زندگی کامل می داند (همان: ۴۳۵). وی عامل اجتماعی و تعاملات اجتماعی را بیشتر در فعالیت های اجتماعی می بیند به طوری که او فعالیت های انسان در فضاهای همگانی را به سه دسته تقسیم می کند؛ فعالیت های ضروری- کارکردی، فعالیت های گزینشی- تفریحی و فعالیت های اجتماعی (همان: ۴۳۶) که فعالیت های اجتماعی، مستلزم حضور و مشارکت دیگر شهروندان بوده و نوعی رابطه و تعامل اجتماعی محسوب می شوند (برگرفته از Gel, 1987: 11-14). او همچنین به بررسی بسترهای فضایی لازم برای رخ دان فعالیت های اختیاری می پردازد و تاکید دارد که رواج این فعالیت ها، امکان فعالیت های اجتماعی گسترده تری را فراهم می کند.

دنيس اسکات براون، تمرکز اصلی خود را بر نماد و نشانه در معماری قرار داده بود و می خواست با نشان دادن اهمیت و نقش نماد در فرم های معماری، آن را از انحصار سلايق فرد یا قشری خاص، یعنی معماران نخبه گرا، در آورد و آن را برای خواست و توقعات عموم مردم، مناسب سازی کند (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۴۵۰). علی رغم توجه زیاد وی به نماد و نشانه در معماری وی مسائل اجتماعی و به ویژه روابط اجتماعی حاکم میان مردم را نادیده گرفته است و این نماد ها و نشانه ها را عاملی در جذب مردم به معماری می داند.

چرچ چدویک، با نگرش سیستمی خود، انسان را در ارتباط با طبیعت و دیگر انسان ها بخشی از یک سیستم ارتباطی می داند. این سیستم ارتباطی او را قادر می سازد تا فعالیت هایش را شکل دهد. به باور او آن چه در این سیستم اهمیت دارد، فرایندی است که این ارتباطات را شکل می دهد، نه نتیجه یا هدف آن (Chadwick, 1972: 14). بنابراین وی تعاملات اجتماعی در فضا را حاصل وجود یک سیستم ارتباطی می داند. که با به کارگیری این روش حرکت جدیدی از جنبه های کالبدی به سمت جنبه های اجتماعی و اقتصادی صورت گرفته است.

در ادامه خلاصه ای از میزان توجه آراء صاحب نظران به مسئله روابط اجتماعی در طراحی شهری و همچنین نحوه نگاه آن ها به روابط اجتماعی که از سوالات این نوشتار می باشد، برگرفته از مطالعات پیشین به شرح جدول ۱ آورده می شود.

جدول ۱: جمع بندی آرای صاحب نظران در زمینه رابطه اجتماعی

نظریه پرداز	سوال ۱*	سوال ۲**
سن سیمون	خیلی کم	توده ای دیدن مردم
اوئن	کم	تبدیل مردم به یک "گونه"
فوریه	متوسط	ایجاد گروه های خود بسنده به نام فالانژ (جامعه ای متشکل از افراد متفاوت)
اتین کابه	کم	ایکاریا، یک جامعه کمونیستی
اوسمان	خیلی کم	شهرسازی اقتدارگرایانه
راینهارد باومایستر	متوسط	توجه به ساختار اجتماعی در مناطق شهری و میزان جمعیت شهر ها
کامیلوزینه	زیاد	استفاده از قواعد هنری به منظور حفظ و تقویت زندگی جمعی در شهر
هرمان یوزف اشتوبن	کم	به دلیل حرفه ای بودن، توجه چندانی به روابط اجتماعی نداشته است.
سوریا ای ماتا	کم	به دلیل توجه به ترافیک، به جنبه های اجتماعی طراحی شهری توجهی مبذول نمی داشت.
هاوئرد	کم	سازمان دادن شهر به صورت اجتماعی مستقل
تونی گارنیه	کم	شهر صنعتی، یک شهر سوسیالیستی
انار	خیلی کم	عدم توجه به مسائل اجتماعی و روابط اجتماعی حاکم بر مردم
اوتو واگنر	متوسط	کلاشهر، جایی برای آزادی از هرگونه قید و بند تحمیلی ناشی از ارتباطات رو در رو
سنت الیا	کم	همه‌پندگی میان عناصر مصنوع و طبیعی برای برقراری رابطه بین انسان و محیط
پتريک گديس	زیاد	برنامه ریزی شهری، ریشه در بافت اجتماعی و فرهنگ مردمان و شهروندان دارد.
هندریک پتروس برلاگه	زیاد	بررسی عوامل جمعیتی به جای عامل اجتماعی و به طور خاص روابط اجتماعی حاکم بر جامعه
کلرنس آرتر پری	خیلی زیاد	واحد همسایگی به مرکزیت دبستان عامل ایجاد روابط اجتماعی و تقویت آن
فرانک لوید رایت	زیاد	ابزار ارتباط جمعی
لوکوربوزیه	متوسط	واحد تفریحی، جایی برای فعالیت اجتماعی
لوییسمامفرد	خیلی زیاد	فضای انسانی، فضایی دارای روابط انسانی
کنزو تانگه	کم	نیاز بشر به ارتباطات و ضروری بودن حمل و نقل برای ارتباطات مستقیم
آلدو فان آیک	متوسط	عرصه های میانی، فضایی برای دیدار فرد با جمع
گئورگی کپس	خیلی زیاد	پیوند میان هنر و زندگی برای برقراری رابطه انسان با انسان و انسان با محیط
پاول زوکر	زیاد	میدان، عنصری که جامعه را به معنای واقعی به اجتماعی تبدیل می کند و نه صرفا تجمعی از افراد
جین جیکوبز	زیاد	خیابان، تجلی گاه روابط اجتماعی و وجود روابط همسایگی، برای شکل گیری این روابط
گوردون کالن	متوسط	همبستگی اجتماعی، به عنوان کارکرد اصلی شهر
کوبین لینچ	متوسط	بررسی عوامل اجتماعی، در بعد سیما و تصویر ذهنی افراد از شهر
کنستانتین دوکسیادیس	متوسط	پیروی از اکیستیکس، علم مربوط به جوامع بشری و همچنین توجه به شمار مردم در دست یافتن به معماری واقعی
کالین بیوکنن	کم	توجه به مسائل جمعیتی در تغییرات سامانه حمل و نقل شهرها
الکساندر میچرلیخ	خیلی زیاد	گوشزد کردن لزوم وجود مکان های ارتباط و تعامل اجتماعی و همسایگی و مهم ترین عامل در ایجاد تعلق خاطر به فضا، تجربه ها و خاطره هایی که انسان از تعامل با همنوعان خود در آن مکان ها به دست می آورد.
لارنس هالپرین	زیاد	هدف نهایی شهر، فراهم کردن محیطی خلاق برای زندگی مردم برای ایجاد زمینه بیشترین تعامل میان مردم و محیط شهری پیرامونشان
سرگئی چرمایف	زیاد	مقیاس انسانی، مقیاسی که مردم در شرایط کاملا طبیعی و چهره به چهره، با انسان دیگر رو به رو می شوند.

نظریه پرداز	سوال ۱*	سوال ۲**
اشپرای رگن	کم	توجه اصلی وی به مسائل کالبدی و فیزیکی شهر و عدم توجه به عوامل اجتماعی شهر
آلدو روسی	زیاد	عامل اجتماعی شکل دهی به شهر، خاطره جمعی شهروندان
رابرت ونتوری	کم	علی رغم مطرح کردن بحثی جدید در معماری، به مسائل اجتماعی و به ویژه روابط اجتماعی حاکم میان مردم توجهی نکرده است.
ادوارد هال	خیلی زیاد	فاصله اجتماعی، تعریفی دیگر از تعامل اجتماعی
ادموند بیکن	زیاد	ساختار، عنصری که روابط اجتماعی میان مردم در آن به وقوع می پیوندد.
ویلیام وایت	خیلی زیاد	خود ازدحامی، عامل ایجاد تعاملات بیشتر در فضا
یان گل	خیلی زیاد	فعالیت های اجتماعی، تعریف دیگری از روابط اجتماعی در شهر
دنیس اسکات براون	کم	توجه به نماد و نشانه در معماری و عدم توجه به روابط اجتماعی میان مردم
جرج چدویک	زیاد	سیستم ارتباطی، سیستمی که انسان را در ارتباط با طبیعت و دیگر انسان ها قرار می دهد.
* - سوال ۱: میزان توجه وی به روابط اجتماعی بین مردم چه میزان است؟		
** - سوال ۲: نحوه نگاه وی به روابط اجتماعی چگونه است؟		

نتیجه گیری

در این نوشتار بررسی آراء صاحب نظران با هدف پاسخ گویی به پرسش های اصلی تحقیق صورت گرفت. پرسش هایی که نگارندگان را به دنبال یافتن پاسخ هایی علمی هدایت نمودند. اینکه ارتباطات اجتماعی حاکم بر مردم بر طراحی شهری تاثیر می نهند؛ و همچنین صاحب نظران مختلف چه آراءى در این مورد اتخاذ نموده اند، در بخش پیشین به تفصیل مورد بیان قرار گرفت. در اینجا و به اختصار روندی از سیر تکامل نظرات صاحب نظران طراحی شهری در این مورد بین خواهد شد.

با نگاهی به جدول جمع بندی می توان به سادگی مشاهده نمود که در ابتدای فرایند، نگاه صاحب نظران به مقوله جامعه به صورت توده بوده است و طراحان شهری با نگاه یکپارچه به مردم و اجتماع سعی در طراحی مناسب برای هر طبقه یا هر گونه طراحی شهری داشته اند (افرادى چون، سن سیمون، اوئن، اوسمان و ...). پس از دوره ای توجه به مردم به صورت مستقل، با در نظر گرفتن عوامل جمعیتی شروع شد که باومایستر را می توان از نظریه پردازانی دانست که عامل جمعیت را مد نظر قرار داده است، سپس افرادی چون کامیلوزیته، به منظور حفظ و تقویت زندگی اجتماعی در شهرها اقداماتی کردند که باز به دلیل تازه بودن توجه به این مفهوم، نظریات آن ها در حد ایده و اشاره کوچک باقی ماند؛ این درحالیست که افرادی مانند اشتوبن و سوریا ای ماتا همچنان به موضوعات فنی در شهرسازی توجه می کردند.

در دوره های بعد، توجه به سازمان دادن دوباره شهرها به صورت چشمگیری افزایش یافت. افرادی مثل هاوئرد و تونی گارنیه، با در نظر گرفتن افراد به صورت جوامع مستقل و سوسیالیستی، چند نمونه طراحی انجام داده اند (باغشهر و شهر صنعتی). در ادامه و به تدریج، توجه به شهرهای بزرگ در آرای صاحب نظران رشد یافته؛ که این خود به دلیل شکل گیری نوعی جدید از شهر، موضوع عوامل اجتماعی و ارتباطات حاکم بین مردم توانست توجه بسیاری از صاحب نظران را به خود جلب کند؛ صاحب نظرانی چون آرتر پری، مامفرد، آلدو آن فایک، جین جیکوبز و ... نظرات متعددی نسبت به روابط اجتماعی حاکم بین مردم و تاثیر آن در طراحی شهری ارائه دادند.

پس از مدتی، این مفهوم از رابطه ی خاص بین مردم فراتر رفته، و در مسائلی چون، سیما و تصویر ذهنی افراد از شهر، وجود تعلق خاطر به فضا، مقیاس انسانی (مقیاسی که مردم در شرایط کاملاً طبیعی و چهره به چهره، با انسان دیگر رو به رو می شوند)، خاطره جمعی، فاصله اجتماعی و فعالیت های اجتماعی خود را نمایان ساخت. باید توجه داشت که در طی فرایند بیان شده، این نوع نگاه نوع تکامل یافته تری از توجه صوری به مسئله رابطه اجتماعی حاکم بر مردم و تاثیر آن در طراحی شهری می باشد. به عبارت دیگر و صورت خلاصه می توان سیر تکامل این مفهوم و چگونگی توجه به آن را اینگونه بیان داشت که، در طول فرایند تکامل توجه به این مفهوم از توجه خاص به توده های مردم و طراحی برای آنان، به در نظر گرفته مفهوم رابطه اجتماعی حاکم بر مردم در طراحی شهر رسیده و همچنین در نهایت نوع تکامل یافته تر آن، به توجه به این مفهوم در خاطرات جمعی شهروندان، تصویر ذهنی آن ها از شهر، فاصله اجتماعی مردم، ساختار شهر و ... می پردازد.

منابع

۱. اوستروفسکی، واتسلاف، (۱۳۷۱) «شهرسازی معاصر (از نخستین سرچشمه ها تا منشور آتن)، ترجمه لادن اعتضادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
۲. برمن، مارشال، (۱۳۷۹)، «تجربه مدرنیته (هر آنچه سخت و استوار است دود می شود و به هوا می رود)»، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: انتشارات طرح نو
۳. بیکن، ادموند، (۱۳۷۶) «طراحی شهرها»، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
۴. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۹۴)، «مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری»، چاپ هفتم، تهران: انتشارات شهیدی
۵. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۶)، «سیر اندیشه ها در شهرسازی»، جلد اول، تهران: انتشارات آرمانشهر
۶. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۶) «سیر اندیشه ها در شهرسازی»، جلد دوم، تهران: انتشارات آرمانشهر
۷. تولایی، نوین، (۱۳۸۲)، «پیدایش و توسعه شهر از دیدگاه لوئیس مامفورد»، آبادی، شماره ۴۰ و ۴۱، ص ۱۲۸-۱۳۴
۸. چرمایف، سرگئی ایوان، (۱۳۷۶) «عرصه های زندگی خصوصی و جمعی»، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۹. دوکسیادیس، کنستانتین. ا، (۱۳۵۳) «معماری مرحله تحول»، ترجمه ایرج محمود رازجویان، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران
۱۰. شوائ، فرانسواز، (۱۳۷۵)، «شهرسازی واقعیات و تخیلات، ترجمه محسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۱. فکوهی، ناصر، (۱۳۸۳)، «انسان شناسی شهری»، چاپ یکم، تهران: نشر نی
۱۲. لوکوروبوزیه، (۱۳۵۴)، «چگونه به مساله شهرسازی بیندیشیم»، ترجمه محمد تقی کاتبی، تهران: نشر سپهر
۱۳. لوکوروبوزیه، (۱۳۵۵)، «منشور آتن»، ترجمه محمد منصور فلامکی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۴. هال، ادوارد تی، (۱۳۷۶) «بعد پنهان»، ترجمه منوچهر طیبیان، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
15. Bertels, Lothar. (1988) *Gemeinsschaftsformen in der modernen Stadt 1*, Fern Universität
16. Baumeister, Reinhard. (1876) *Stadt- Erweiterungen in technischer baupolizeilicher und wirtschaftlicher Beziehung*, Berlin: Ernst& Verlag Korn, 492s
17. Chadwick, George. (1971) *A System View of Planning*, Architecture, Axford University Press, London
18. Gehl, Jan. (1987) *Life between bulding*, Translated by J. Koch, New Yourk
19. Halprin, Lawrence. (1972) *Cities*, the MIT Press, Massachusettes
20. Joedicke, Jorgen. (1990) *Architekturgeschichte des 20. Jahrhunderts*, Karl Kramer Verlag, Stuttgart, zurich
21. Jacobs, Jane. (1993) *The Death and Life of Great American Cities*, New Yourk
22. Mitcherlich, Alexander. (1969) *Die Unwirklichkeit Unserer Stadte*, Anstifung zum Unfrieden, Edition Suhrkampverlag, Frankfort
23. Rossi, Aldo. (1973) *Die Architektur der Stadt*, Bauwelt Fundamente, Bertelsmann Fachverlag, Dusseldorf
24. Zucker, Paul. (1970) *Town and square, from the Agora to the Village Green*, The MIT Massachusetts

بررسی مقابر دوره سلجوقی ارومیه باتمرکز بر بنای سه گنبد ارومیه

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۶

کد مقاله: ۷۰۱۹۹

زهرا فرزانه نژاد^{۱*}، نسیم نجات قزلحاجی^۲

چکیده

معماری دوره سلجوقی را می‌توان یکی از اعصار طلایی معماری ایران برشمرد. در این دوره به گسترش شهرها و ساخت فضاهای معماری و به‌خصوص فضاهای مذهبی همت گمارده شد. ساخت فضاهای آرامگاهی به تبع رشد روزافزون فضاهای معماری و متأثر از پابندی سلاطین و بزرگان سلاجقه به امور مذهبی و ساخت فضاهای یادمانی به سرعت رواج یافت و ساخت مقابر به صورت برج مقبره با پلانهای بسیار متنوع در تمامی پهنه تحت حکومت سلجوقیان فراگیر شد. مقابر متعددی در حوزه حکومت سلاجقه بنا گردید که امروزه نمایانگر قسمتی از هنر باشکوه آن دوره است. این مقاله به بررسی ویژگی‌های سازه‌ای و ساختاری و کالبدی این بناهای دوره سلجوقی می‌پردازد و از آنجا که در شهر ارومیه بناهای متعددی از آن دوره باقی مانده است که از آن میان برج مقبره سه گنبد در داخل شهر کنونی یکی از بناهای شاخص به یادگار مانده است به عنوان نمونه موردی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این مقاله بر مبنای روش توصیفی تحلیلی می‌باشد و سعی بر آن است که بنای سه گنبد می‌باشد مورد بحث قرار بگیرد. در این شیوه با جمع‌آوری اطلاعات و مدارک در زمینه موضوع مطرح شده و طبقه‌بندی، سازماندهی اسناد گردآوری شده بر اساس ویژگیهای معماری و سازه‌ای به تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: معماری سلجوقی، مقابر متصوفه آذربایجان، بناهای آرامگاهی، برج مقبره سه گنبد ارومیه

۱- کارشناسی ارشد معماری، مدرس دانشگاه قاضی طباطبایی ارومیه (Nedafarzaneh62@yahoo.com)

۲- کارشناسی معماری، کارمند

۱- مقدمه

پرسش‌ها

- در این تحقیق که به بررسی شکل و ساختار سازه‌های مقابر دوره سلجوقی خصوصاً برج مقبره سه گنبد ارومیه خواهیم پرداخت و در نهایت به پاسخ سؤالاتی از قبیل سؤالات ذیل خواهیم رسید:
۱. ویژگی‌های معماری مقابر برجی سلجوقی چیست؟
 ۲. برج مقبره سه گنبد از نظر سامانه سازه‌ای و کالبدی چگونه است و جز کدام یک از دسته‌های برج مقبره‌های سلجوقی طبقه بندی می‌شود؟ و سؤالاتی از این دست که در این تحقیق به آنها پاسخ داده خواهد شد.

فرضیات:

- چنین به نظر می‌رسد که عصر سلجوقی عصری بوده است که در آن هنر مقبره سازی پیشرفت چشم گیری داشته است و به نظر می‌رسد در ساخت این برج مقبره ها ارتفاع برج مقبره نسبت به ارتفاع ورودی بلندتر در نظر گرفته می‌شده است.
- به نظر می‌رسد اغلب مقابر دوره سلجوقی باتوجه به خود بنای سه گنبد به عنوان نمونه بارز دارای تقارنی در پلان و نما بوده است و ورودی راساً از روبه روبوده است.
- چنین می‌توان پنداشت که بدنه برج مقبره‌ها را با آجرکاری ساده‌ای که در انتها دارای تزئینات آجرکاری بوده است پوشش می‌دادند.
- می‌توان گفت که پلان برج مقبره‌ها ساده بوده‌اند و اغلب یا به شکل چهارگوش یا به شکل دایره‌ای بوده‌اند.
- چنین به نظر می‌رسد مقابر سلجوقی در ابتدایی‌ترین فرم خود که به صورت استوانه‌ای بوده‌اند و دارای ارتفاعی بلند و رفیع بوده‌اند.
- در نظر گرفته می‌شود که از دوره سلجوقی سنت ساخت آرامگاه به دو صورت مربعی شکل گنبد دار و برجی شکل منفرد از رشد خاصی برخوردار بوده

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

چون مقابر و آرامگاه‌ها بعد از مساجد در شمار پرتعدادترین آثار معماری قرار دارد. و تاریخچه ساخت این بناها از قرون اولیه به بعد، با پدید آمدن سلسله‌های مختلف محلی در نواحی مختلف به سبک‌های مختلفی ساخته شده‌اند. جز بناهای بسیار قدیمی به حساب می‌آیند استان آذربایجان غربی در شمال غربی کشور، از جمله مناطقی است که بناهای آرامگاهی نسبتاً زیادی را در خود جای داده که مطالعه و بررسی بخش‌های معماری و سازه‌ای آن‌ها از جهات مختلف با اهمیت است. ساخت گنبد و شکل برجی و ارتفاع نسبتاً زیاد در آرامگاه‌های مورد مطالعه دارای ویژگی‌هایی است که در محدوده بناهای آرامگاهی دوره سلجوقی دیده می‌شود. گنبد از جمله پوشش‌های های بناهای اسلامی در شمال غرب ایران است که با توجه به اقلیم و موقعیت جغرافیایی منطقه از دوره اسلامی بر جای مانده است. با توجه به اهمیت این گونه سازه‌ها در معماری سنتی و ماندگاری آن‌ها در طی قرون متمادی ضرورت دارد در سازه‌های مدرن بخشی از این ویژگی‌ها مورد توجه قرار گیرد، در کنار این جنبه‌ها، ویژگی خاص مقابر یعنی ماندگاری و پایداری، هویت این فضا را در زمان تدوam می‌بخشد. مقبره به عنوان یکی از پایدارترین فضاهای شهری می‌تواند عامل استمرار فرهنگی بین نسل‌های جامعه باشد. هم چنین ویژگی‌های خاص این کاربری و حال و روحیه کاربران آن توجهی خاص به طراحی مقابر را یادآور می‌شود.

۳- هدف تحقیق

هدف از نوشتن این مقاله بررسی سامانه کالبدی و سازه‌ای بناهای آرامگاهی گنبددار ایران که یکی از ادوار مهم ساخت مقابر گنبددار و برجی شکل دوره سلجوقی به حساب می‌آید و درواقع بناهای آرامگاهی این دوره را می‌توان سبک جدید از مقبره سازی تا آن زمان دانست لذا به بررسی سامانه سازه‌ای این مقابر یعنی ساختار سازه‌ای و نحوه ساخت و شیوه‌های مقاوم سازی و... مقبره‌های این دوره پرداخته شده است که جهت بررسی نمونه‌ای از این مقابر برجی شکل که هنوز در خطه آذربایجان پابرجاست یعنی بنای سه گنبد ارومیه تمرکز ویژه‌ای شده است.

۴- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های تئوریک گسترده‌ای در زمینه مقابر دوره سلجوقی و نیز بنای سه گنبد ارومیه صورت گرفته است از جمله: غلامحسین معماریان، ۱۳۶۷: درجلد اول از کتاب خود باعنوان "نیارش سازه‌های طاقی" به بررسی طاق و گنبد و قوس به طور عام پرداخته است همچنین مجله اثر شماره‌های ۲۴ و ۲۰ تحت عناوین "گنبد در معماری ایران" و "چقدها و طاق‌ها" نیز به بیان روش‌های گنبد سازی در ایران و نحوه ایستایی با استفاده از نمونه‌های موردی پرداخته است، براند هیلن، ۱۹۹۸: در کتاب خود با عنوان "معماری اسلامی: فرم، عملکرد و معنی" تحت عنوان بخشی خاص به بررسی مقابر پرداخته و همچنین درنشریه هنرهای زیبا- معماری شهرسازی، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۸۹: در مقاله‌ای از دکتر سید هاشم حسینی تحت عنوان "معرفی سبک مقبره سازی متصوفه آذربایجان" به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است که در این رابطه می‌توان به مقاله‌ای از حبیب شهبازی شیران، و درسال ۱۳۹۶ تحت عنوان "بررسی مقابر اسلامی ایران در دوره سلجوقی" به معرفی سه مقبره پرداخته و نیز بیژن عبدی، رامین رضایی و همکاران، ۱۳۹۳: نیز درپژوهشی با عنوان "هویت و نمود آن در معماری سنتی نمونه موردی: بنای سه گنبد ارومیه" ابتدا به معرفی بنای سه گنبد پرداخته و سپس به بیان تأثیرهای محیط بر بنا و بنابر محیط پرداخته است.

باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته در بین منابع فارسی در رابطه با تزئینات و فرم‌های معماری مقابر سلجوقی پژوهش‌هایی صورت گرفته است ولی از منظر مصالح شناسی و فن شناسی و خصوصاً در رابطه با نمونه موردی سه گنبد ارومیه بررسی تا به حال از منظر سازه‌ای و مصالح شناسی صورت نگرفته است لذا لزوم بررسی این موضوع ضروری به نظر می‌رسد.

۵- معماری سلجوقی

سلجوقیان ترکان غز بودند که برای تصرف زمینهای حاصلخیز از ماوراء النهر به کشور ایران آمدند و به زودی با فتوحات خود توانستند بدین ترتیب در آغاز قرن پنجم سلسله ترکان سلجوقی تأسیس شد. شکوفایی هنرها در این دوره همچنین مدیون آرامش و ثبات سیاسی قلمرو سلجوقیان است که در آن هنرمندان توانستند آثار متعددی به وجود آوردند در این ادوار، به ویژه در عهد سلجوقیان معماری اعتبار خاصی داشت (کیانی، ۱۳۶۱).

هنرمندان و معماران در جوامع کوچکتر با امکانات و شیوه‌های محلی در شرایط مختلف اقدام به ساختن ابنیه مذهبی و غیرمذهبی می‌کردند. چون هر منطقه ذوق و سلیقه به خصوصی در معماری داشت، سبک‌ها و اسلوبهای ویژه‌ای به وجود آمد که از آن میان سبک معماری آذربایجان و یزد قابل توجه است. به طور کلی از نظر مصالح ساختمانی و شکل، بین بناهایی که در شهرهای آذربایجان ساخته شده شباهتی وجود دارد که در بناهای نقاط دیگر ایران کمتر دیده می‌شود. معماری این دوره شاهد تحولات ویژه‌ای است. تزئینات چون گچبری، کاشیکاری، و آجرکاری با مهارتی خاص زینت بخش بناها شدند (کیانی، ۱۳۶۱)

۶- تحلیل سبک معماری مقابر متصوفه آذربایجان

به لحاظ مشخصات کلی معماری، مقابر مزبور تحت تاثیر سبک معروف به آذری قرار دارند که بر طبق نظر مرحوم پیرنیا از آمیزش و ترکیب و تلفیق معماری جنوب و سنتها و روشهایی که از روزگاران کهن، بومی آذربایجان شده بود، پدید آمده است (پیرنیا، ۱۳۸۳، ۲۰۷).

اغلب ویژگی های سبک مزبور از جمله ظرافت عناصر ساختمانی، تاکید بر ارتفاع بیشتر بناها، وجود سرداب، استعمال آجر قرمز و سنگ تراشیده و بهره‌گیری بیشتر از هندسه در طراحی معماری در این مقابر نمایان است. (کونل، ۱۳۵۵، ۹۵)

اما علاوه بر اشتراکات سبک معماری آذری، برخی خصوصیات ویژه نیز در آنها مشاهده می‌شود که ضرورت نامگذاری سبک جدیدی را مطرح می‌سازد. مشخصات معماری مقابر را میتوان از نمونه های بارز جنبه های محلی این معماری دانست که عرفان و تصوف اسلامی در تکوین و بالندگی آن نقش مهمی را ایفا کرده است. مقابر مزبور به لحاظ گونه شناسی معماری جزء دسته مقابر برجی شکل میباشند که به پیروی از رسم قدیم جدا و منفرد ساخته شده و از همه سمت نمایان هستند.

۶- واحدها مقابر و بناهای آرامگاهی در معماری ایران

بناهای آرامگاهی از گوناگونی ویژه‌ای برخوردارند و در برابر مسجد که ویژگی‌های هماهنگ و یکنواختی را با خود به همراه دارند، خودنمایی می‌کنند. آرامگاه‌ها در سه گروه امام و امام زادگان، عارفان و مفاخر ملی در حقیقت واسطه‌هایی هستند که مردم ایران از قبره یا آرامگاه برای بزرگان در: آنان به عنوان واسطه ارتباط با گذشته و در نهایت به خدا بهره جویی می‌کنند (غروی، ۱۳۶۷: ۱۰)

ایران بیشتر از سایر کشورهای اسلامی مورد توجه بوده است؛ زیرا ایرانیان به اولیاء و بزرگان خود بسیار احترام می‌گذارند و آنها را شاید بتوان اظهار کرد که حمایت مردم و به طور کلی شیعیان، مخصوصاً از مقابر مذهبی، تقدیس می‌کردند. (حانم، ۱۳۷۹: ۱۰)

عامل ایجاد تعداد زیادی آرامگاه در ایران اسلامی بوده است. بر اساس آمارهای موجود، در ایران بیش از ۴۰۰۰ امام زاده وجود دارد که در استان‌های مختلف پراکنده‌اند؛ وجود این تعداد امام زاده در ایران گویای موج گسترده مهاجرت‌هایی است که در قرون اولیه اسلامی به سوی ایران صورت گرفته است (یوسفی آبکسری، ۱۳۷۹: ۱۸۷)

نکته قابل توجه در مورد این مجموعه‌ها بخصوص مجموعه‌های آرامگاهی مذهبی، تأثیر اساسی آنها بر روند شکل‌گیری و گسترش بسیاری از شهرهای ایران دوران اسلامی است، بدین معنا که در اغلب موارد مجموعه‌های مزبور هسته اولیه و مرکز ثقل تشکیل یک شهر شده‌اند. با توجه به اهمیت بنیادی این مجموعه‌ها در معماری ایران دوران اسلامی، کنکاش و پژوهش در ابعاد مختلف مبدأ و نحوه پیدایش و مبانی اعتقادی شکل‌گیری و توسعه آنها از اهمیت فراوانی برخوردار است. روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در طول دوران اسلامی ایران یکنواخت نبوده و طی دوره‌های مختلف دارای فراز و نشیب‌های فراوان بوده است. با توجه به آثار برجای مانده از ابتدای دوران اسلامی تا قبل از دوره سلجوقی سنت ساخت آرامگاه به دو صورت مربعی شکل گنبد دار و برجی شکل منفرد از رشد خاصی برخوردار بوده است. است. (کیانی، ۱۳۷۴: ۴۳)

برج مقبره‌ها از نظر فرم معماری به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

اول مقابر قبه‌ای شکل با شبستان مربع شکل گنبد دار که از چهار جانب باز است. بناهای مربع شکلی که قبه‌هایی بر روی سکنج‌ها دارند. و دوم مقابر برجی شکل که معمولاً ارتفاع بلندی دارند. (اتینگهاوزن، گرابر، ۱۳۳۱: ۳۱)

برج مقبره‌ها معمولاً تزئینات خاص دوره خود را دارند؛ اما استفاده از عناصری مثل کتیبه در تمام آنها رایج است. کتیبه‌های برج مقبره‌ها بیشتر به خط کوفی به ویژه کوفی تزئینی شبیه بوده است اما گاهی از دیگر خطوط هم در آنها استفاده شده است. مصالح به کاررفته در برج مقبره‌ها محدود و معمولاً منحصر به بدنه آجری باتزییناتی از آجر، گچ و کاشی است. البته در دوره‌های مختلف، فنون و مصالح تغییر کرده و تزئینات نیز پرکارتر شده است. (بروجنی، سلیمانی، ۱۳۹۱: ۹۰)

۷- ویژگی‌های کلی مقابر دوره سلجوقی

مقابر دوره سلجوقی از لحاظ پلان به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

- ۱- مقابر با پلان مربع مثل گنبد سرخ مراغه و مقبره سلطان سنجر در مرو.
- ۲- مقابر با پلان مدور مثل سه گنبد ارومیه و مقبره چهل دختران دامغان
- ۳- مقابر با پلان چند ضلعی مثل برج طغرل ری و گنبد علی ابرقو. (شهبازی شیران و همکاران، ۱۳۹۵: ۵-۳)

۸- برج مقبره

مقابر برجی شکل در دسته برج مقبره‌ها یا مقابر برجی شکل جای می‌گیرند که عمده ترین و رایجترین نوع آرامگاه‌های ایران دوران اسلامی محسوب می‌شود. هر چند در اوایل دوران اسلامی ساخت مقابر در قالب چهار ضلعی نمایان گشت ولیکن در اواخر قرن چهارم هـ ق مقابر برجی شکل بر آن برتری یافت. مقابر برجی در شکل اولیه خود به صورت استوانه بلندی می‌باشد که گنبدی رک آن را می‌پوشاند. این نوع بنا که بامی مخروطی شکل یا اصطلاحاً در سه سده بعد همزمان با حکومت سلجوقیان، مبنای یکی از فرمهای اصلی معماری در ایران و سپس در آسیای صغیر شد (رایس، ۱۳۸۱) در این دوره ترجیح برج بر بنای چهار گوش به حدی قوت گرفت که در واقع همه انواع آن را میتوان طی قرون پنج و شش هجری یافت. بخش عمده‌ای از این برج‌ها برای پادشاهان و حاکمان وقت و همچنین برای مقدسین ساخته می‌شد؛ مانند برج‌های آرامگاهی مراغه و آرامگاه‌های پیر علمدار مورخ ۴۱۷ هـ ق، چهل دختران مورخ ۴۴۶ هـ ق، برج مهماندوست مورخ ۴۹۰ هـ ق و برج طغرل ۴۵۵ هـ ق. در این دوران بر طبق روش اهل سنت، آرامگاههای ائمه اطهار بندرت در شمار برج‌های مقبره‌های جای می‌گیرد (هیلن براند، ۱۳۶۶، ۱۰۸-۸۱)

به عنوان آخرین دوره رونق مقابر برجی شکل، بر ارتفاع این مقابر افزوده و برخی ویژگی‌های بومی و منطقه‌ای نیز در معماری و تزئین آنها لحاظ گردید. در این مقابر اجساد یا در زیر سنگ قبر منقش در مرکز اتاق و یا در دخمه‌های طاقدار موسوم به سرداب دفن می‌شدند (ویلبر، ۱۳۷۴، ۳۷)

سلجوقیات بزرگان خویش را در مقابری در بناهای میان راهی به خاک می‌سپردند و بنایی بر آن استوار می‌داشتند تا در دل کویر ها و در میان جنگل‌های انبوه و در مسیر راه‌های تاریخی قابل تشخیص باشد. ضرورت موقعیت یابی برای مسافران، چه در بیابان‌های مرکزی و چه در عمق جنگل‌های نوار ساحلی شمالی، وجود چنین بناهایی را اجتناب ناپذیر می‌نمود و ساخت آنها سابقه‌ای طولانی در معماری ایرانی داشت اما از اوایل دوران اسلامی بناهایی که نخست به منظور راهنمایی و گاه آسودن

مسافران ساخته شده بودند، کاربری دیگری نیز یافتند و در دوره سلجوقی ساخت این بناها، هم به عنوان میل راهنما و هم به پاسداشت مقام شخصی که در آن دفن می گردید، مورد توجه خاص قرار گرفت» (پیرنیا، ۱۳۷۰، ۷۷)

برجهای مقبره ای دارای پلان مربع شکل، مدور و یا چندضلعی بوده که معمولاً دو پوسته هستند که آهیانه ی ای از نوع نار و خودی به صورت رک برفراز آن گسترده شده است. این پوشش سقف ها که اغلب چند وجهی است و بطورگسترده ای در شمال بین-النهرین و آناتولی مورد استفاده بوده است. (هیلن براند، (۱۳۶۶: ۱۰۸ - ۸۱)

۸-۱- برخی از برج مقبره‌های دوره سلجوقی

در جدول زیر برخی از اسامی مقابر و آرامگاههای دوره سلجوقی را می‌آوریم سپس به معرفی نمونه‌های موردی واقع در ارومیه می‌پردازیم. است. (گذار، ۱۳۶۷: ۴۲۴ - ۴۲۵).

جدول شماره یک

ردیف	نام اثر	تصویر	موقعیت	سال ساخت	قدمت
۱	گنبد سرخ		آذربایجان شرقی - مراغه	۵۴۲ ه.ق	۱۳۴
۲	گنبد مدور		آذربایجان شرقی - مراغه	۵۶۲ ه.ق	۱۳۶
۳	سه گنبد		آذربایجان غربی - ارومیه	۵۸۰ ه.ق	۲۴۲
۴	برج شبلی		تهران - دماوند	اواخر قرن ۵ ه.ق	۹۲۰
۵	برج طغرل		تهران - شهری	سلجوقی، قاجار	۱۴۷
۶	برج نقارخانه		تهران - شهری	سلجوقی	۲۰۳

۹-۱- برج مقبره سه گنبد ارومیه

سه گنبد، نام برجی در جنوب شرقی شهر ارومیه که مرکز استان آذربایجان غربی در ایران است واقع شده است. (www.wikipedia.com)



شکل ۲- سه گنبد



شکل ۱- موقعیت بنا

۹-۱- تاریخ بنای سه گنبد

براساس کتیبه ی سردر ورودی برج که از طرف خانیکوف خوانده شده است، این برج از طرف موسی پسر ابومنصور ساخته شده است. تاریخ بنای آن چنان که از جمله آخر کتیبه سوم خوانده می شود ۵۸۰ هجری (۱۱۸۴ میلادی) و مربوط به دوره سلجوقیان در آذربایجان است. نکته بسیار جالب در این مقبره سردر مزین به نقش و نگارهای بدیع و زیبایی آن است، زیرا با وجود اینکه در آن کاربرد تزیینات کاشی رواج داشته است. در این مقبره کوچک اثری از رنگ آمیزی دیده نمی شود اما نکته ای که تا حدی رفع اعجاب می کند این است که حروف، خطوط و نقوش هندسی سه گنبد را با سنگ ساخته اند، به این دلیل که معماران عادت داشتند بعضی قسمت های تزیینی را نسبت به خود بنا متفاوت بسازند، حال اگر این اختلاف را با کاشی مجسم نکرده اند، چنانکه در مراغه یا نخجوان چنین بوده است. شاید بدین دلیل بوده که در ارومیه وسایل کار موجود نبوده است. گرچه از تزیینات رنگی استفاده ای نشده ولی معمار برای نشان دادن مهارتش از آجر و سنگ های درخشان قهوه ای بسیار روشن استفاده کرده و تزیینات زیبایی را عرضه داشته که متأسفانه بر اثر بی توجهی، قسمت هایی از این تزیینات و خطوط بسیار زیبای آن فرو ریخته و از بین رفته است. در سال های اخیر بر اثر توجه به حفظ آثار تاریخی به تعمیرات و مرمت آن اقدام شده و قسمت های خراب شده و یخته از سنگ های نما و بنیان به سبک اصلی مرمت شده است. (عبدی و همکاران، ۱۳۹۳، ۷-۲)

۹-۲- وجه تسمیه بنای سه گنبد

به نظر بعضی از مورخان وجه تسمیه آن به علت وجود دو بنای دیگری است که در مجاورت ده چهریق در اطراف شهر شاپور بوده است که مجموعه این سه بنا را در قدیم سه گنبد می نامیده اند. اما گذار در این باره می گوید: "در بالای دخمه و اتاق مقبره اثر بیش از دو گنبد نمایان نیست، آیا باید فرض کرد به جای سقف مخروطی که در آذربایجان در عهد سلاجقه معمولاً این قبیل ابنیه را می پوشانده است. در اینجا گنبد سومی نیز وجود داشته است؟ به نظر می رسد این فرض درست نیست و با وجود اصطلاح عامه که آن را سه گنبد خوانده اند باید گفت سومین گنبد این بقعه فقط عبارت از سقفی ساده بوده است." (حاتم، ۱۳۷۹: ۱۱۴)

۹-۳- معماری بنای سه گنبد ارومیه

الف- معماری خارجی

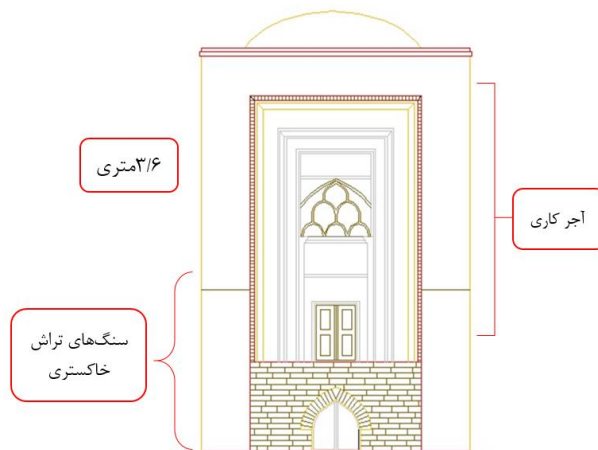
پلان سه گنبد ارومیه و نقشه اصلی برج دایره شکل است که قسمت جلوخان آن به شکل یک قاب مستطیلی در بدنه استوانه ای برج اضافه شده است. این مقبره به اسلوب گنبد های مراغه، مرکب از سکوی سنگی بلندی است حاوی یک دخمه که در بالای آن بنایی آجری برآورده اند که شامل اتاق مقبره است. مدخل آن در سمت شمال، مثل بقعه مدور مراغه، محاط در یک قاب پر نقش و نگار است که در بدنه استوانه ای شکل برج تعبیه شده است. درگاه ورودی در میان طاق نمای مسطحی واقع شده که قاب مستطیل مذکور، بر آن احاطه دارد. وجود سه کتیبه کوفی در جلوخان این مقبره همراه با نقوش هندسی، اهمیت خاصی به این درگاه می دهد. اولین کتیبه کوفی روی در ورودی برج قرار دارد که قسمت فوقانی آن را مقرنس کاری ساده و سه ردیفی مزین می کند. دومین کتیبه برج در بالای طاق نمای هلالی تند سردر واقع شده و کتیبه سوم در حاشیه پهن جدار بیرونی قاب درگاه نوشته شده است که متأسفانه قسمت های پایین این کتیبه در دو طرف درگاه خراب شده و حروف آن فرو ریخته است. در دوطرف بدنه استوانه ای برج، دو دریچه تیراندازی موجود است که این دریچه ها به دخمه مقبره باز می شوند. این دریچه ها که در ارتفاع ۲/۳ متری از سطح زمین تعبیه شده اند به شکل مستطیل و دارای ابعاد ۳۵*۸۴ سانتی متر هستند. ارتفاع این برج که در حال حاضر فاقد گنبد خارجی اصلی خود است تقریباً به ۹/۵ متر می رسد. (میراث فرهنگی استان)

ب- معماری داخلی سه گنبد

نقشه داخلی دخمه و اتاق مقبره مربع شکل است که معمار با مهارتی خاص، در برجی استوانه ای این اتاق مربع شکل را تعبیه کرده، مجدداً این اتاق را با تدابیر معماری به دایره تبدیل، آنگاه گنبد را بر آن افراشته است. دیوار اتاق مقبره با طاق نماهای هلالی تیز و کاربندی و ترنیه های مقرنس دار در کنج ها تزئین شده است. سقف این اتاق، قبه ای شکل و طرز چیدن آجرهای آن حلقوی و به حالت تک مرزی است. در دیواره مقابل وردی برج سه گنبد ارومیه، آثار یک محراب موجود است که با گچ کاری برجسته همراه با نقوش نباتی جلوه ی خوبی به این اتاق مقبره می دهد. بلندی این محراب ۱۸۵ سانتی متر و عرض آن ۱۳۰ سانتی متر و برجستگی آن نسبت به دیوار واقع در آن ۴ سانتی متر است. حاشیه این محراب، که شبیه قاب عکس است ۲۵ سانتی متر است. کف اتاق مقبره در داخل دخمه ای زیرین فرو ریخته، تنها در اطراف بقایای مختصری از آن موجود است. دخمه با طاق های هلالی آجری پوشیده بوده است، زیرا پایه طاق ها در اطراف دیده می شوند. دیوارهای جانبی تا ارتفاع ۲۰ سانتی متر از سنگ بنا شده اند و پایه های سه طاق گهواره ای بر روی این دیواره های سنگی استوارند. کف دخمه با طرح های زیبای هندسی از آجر مفروش است. ارتفاع این دخمه به خاطر خراب شدن سقف آن به درستی معلوم نیست اما مطابق اندازه گیری انجام شده تقریباً می توان بلندی این دخمه را ۱/۵ متر دانست. مدخل ورودی دخمه، درست در زیر درگاه اصلی برج قرار دارد و دو پنجره که برای تیراندازی استفاده می شده در بدنه ی بیرونی برج به خوبی نمایان است، که روشنایی داخل دخمه کوچک را تامین می کند. (میراث فرهنگی استان)

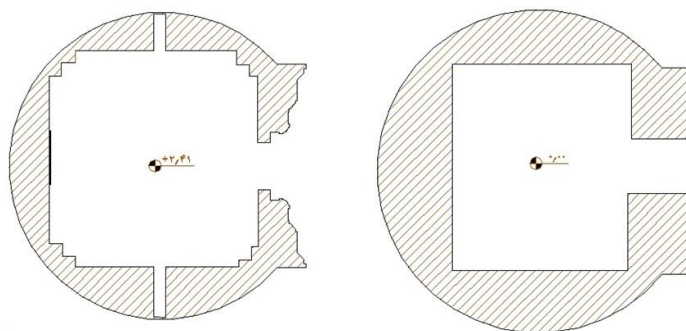
ج- مصالح مصرفی

مصالح قسمت های تحتانی بنا تا ارتفاع حدود ۳/۶ متر از سنگ های تراش خاکستری رنگ ساخته شده و از این قسمت به بالا تمام مصالح بنا از آجرهای چهارگوش ساخته شده است. (میراث فرهنگی استان)

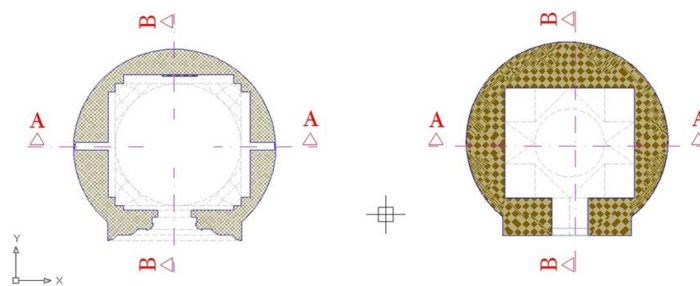


شکل ۳- تجزیه و تحلیل

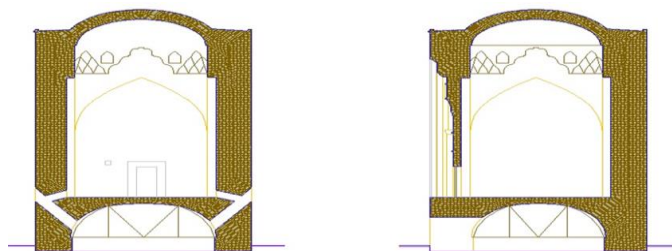
د- مدارک و نقشه ها معماری



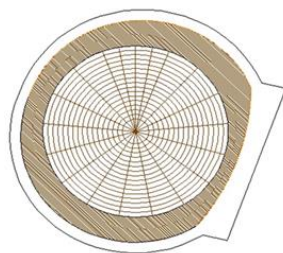
شکل ۴- پلان طبقات (سمت راست: همکف در کد ۰,۰+ و سمت چپ اول در کد ۲/۴۱)



شکل ۵- پلان معکوس طبقات (سمت راست: همکف و سمت چپ طبقه اول)



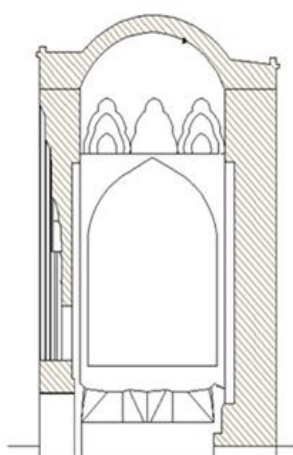
شکل ۶- سمت راست: برش B-B، سمت چپ: برش A-A



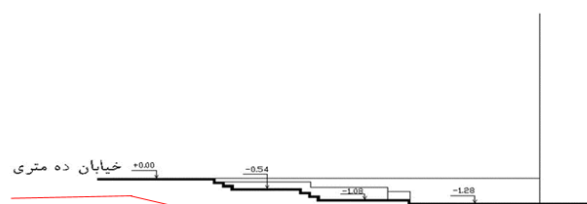
شکل ۷- پلان بام سه گنبد

۵- تحلیل ارتفاعی

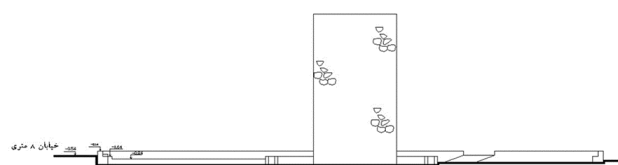
پله پله ای بودن این بنا یکی از ویژگی های بارز این بنا بین سایر مقابر دوره سلجوقی میباشد که برای رفتن به داخل آن باید از ارتفاع زمین به سطحی پایین تر رفت.



شکل ۱۰- برش E-E



شکل ۸- برش F-F



شکل ۹

در این برش به خوبی نشان داده شده است که نقشه داخلی دخمه و اتاق مقبره مربع شکل است که معمار با مهارتی خاص، در برجی استوانه ای این اتاق مربع شکل را تعبیه کرده، مجدداً این اتاق را با تدابیر معماری به دایره تبدیل، آنگاه گنبد را بر آن افراشته است.

و- پوشش بام

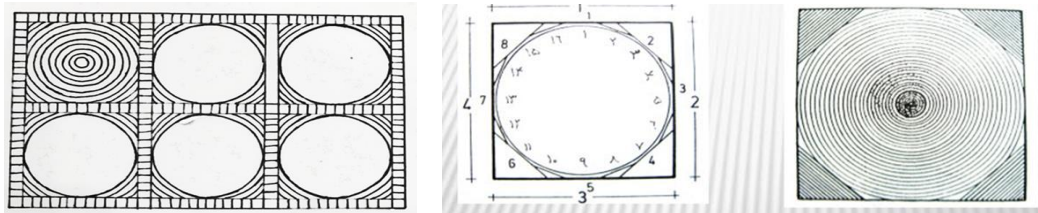
بنای سه گنبد از خارج به صورت مدور و از داخل مربعی است با سقفی گنبدی که بر مقرنس‌هایی که در گذشته متحمل صدمات زیادی گردیده نهاده شده است و در حدود نه متر ارتفاع دارد.



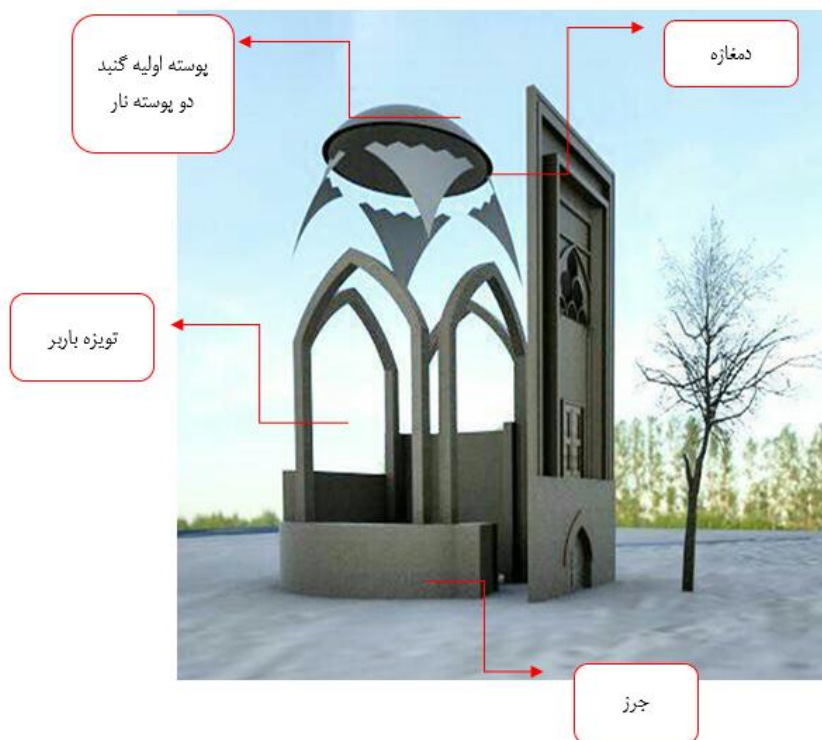
شکل ۱۱- پوشش بام

ز- نوع گنبد سازی و گوشه سازی بنای سه گنبد

برای اینکه زمینه چهار گوش را با گنبد بپوشانند می بایست نخست آن را به هشتگوش و سپس شانزده گوش و بالاخره به دایره تبدیل کنند و این کار با پوشش گوشه‌ها میسر می‌شد که در این بنا از شیوه مقرنس استفاده شده است.



شکل ۱۲- نوع گنبد سازی



شکل ۱۱- تحلیل بنا

نتیجه‌گیری

باتوجه به تحقیق صورت گرفته چنین برداشت میشود که روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در طول دوران اسلامی ایران یکنواخت نبوده و طی دوره‌های مختلف دارای فراز و نشیب‌های فراوان بوده است. با توجه به آثار برجای مانده از ابتدای دوران اسلامی تا قبل از دوره سلجوقی سنت ساخت آرامگاه به دو صورت مربعی شکل گنبد دار و برجی شکل منفرد از رشد خاصی برخوردار بوده است و در دوره سلجوقی برج مقبره‌ها از نظر فرم معماری به طور کلی به دو دسته تقسیم شدند "اول مقابر قبه‌ای شکل با شبستان مربع شکل گنبد دار که از چهار جانب باز است، بناهای مربع شکلی که قبه‌هایی بر روی سکنج‌ها دارند و دوم مقابر برجی شکل که معمولاً ارتفاع بلندی دارند." مصالح به کاررفته در برج مقبره‌ها محدود و معمولاً منحصر به بدنه آجری باتزییناتی از آجر، گچ و کاشی بوده است. البته در دوره‌های مختلف، فنون و مصالح تغییر کرده و تزیینات نیز پرکارتر شده است کاربری این بناها در دوره سلجوقی هم به عنوان میل راهنما و هم به پاسداشت مقام شخصی که در آن دفن می‌گردید، مورد توجه خاص قرار گرفت از جمله این بناها که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت بنای سه گنبد واقع در شهر ارومیه از نوع مقابر استوانه‌ای بوده و به طوریکه گفته شد این گونه اثرهای تاریخی به علت آنکه به صورت تکه‌تکه بنا با اسکلت بندی محکم و پی‌ها و ازاره‌های ساخته شده از سنگ‌های تراش نسبتاً سالم باقیمانده و پابرجا هستند بررسی و تلاش در حفظ و نگهداری این مقابر بسیار و ضروری میباشد.

منابع

۱. بیژن عبدی، رامین رضایی و همکاران، (۱۳۹۳)، ونیزدر پژوهشی باعنوان "هویت و نمود در معماری سنتی نمونه موردی: بنای سه گنبد ارومیه.
۲. هیلن براند، رابرت، "معماری اسلامی: فرم، عملکرد و معنی"، ترجمه ایرج اعتصام؛ شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران، ۱۳۷۹.
۳. کیانی، محمدیوسف، "تاریخ هنرمعماری ایران (دوره اسلامی)"، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، ۱۳۶۱.
۴. پیرنیا، محمدکریم، "سبک‌شناسی معماری ایرانی"، نشرسروش دانش، چاپ ششم، ۱۳۶۳.
۵. حاتم، غلامعلی، معماری اسلامی ایران در دوره ی سلجوقیان، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۷.
۶. اتینگهاوزن، ریچارد و گرابر، اولگ، "هنر و معماری اسلامی"، ترجمه یعقوب آژند، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، سمت، تهران، ۱۳۷۸.
۷. حمید فرهمند بروجنی، پروین سلیمانی، مقاله گونه شناسی تزیینات گنبد غفاریه مراغه براساس الگوی تطبیقی، دو فصلنامه - علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره شانزدهم، ۱۳۹۱.
۸. گذار، آندره، "هنر ایران"، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۸.
۹. گنجینه مطالعاتی میراث فرهنگی استان آذربایجان غربی.
۱۰. سایت بنیاد ایران شناسی استان آذربایجان غربی

شناخت نظریات مطرح در روابط متقابل شهر و روستا در جهان و ایران جهت دستیابی به توسعه پایدار

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۰

کد مقاله: ۷۱۶۵

اسرا نوروزی^۱

چکیده

از پدیده‌های مهمی که در زندگی اجتماعی انسانها رخ داده است، ظهور شهرها و روستاها و ارتباط پیچیده بین آنهاست. هدف از شناخت روابط متقابل شهر و روستا و نتایج مثبت و منفی حاصل از این روابط، برنامه ریزی در جهت ایجاد تعادل در رابطه شهر با روستاهای پیرامونی است، که هدف نهایی این شناخت و برنامه ریزی، رسیدن به توسعه ای هماهنگ و پایدار در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... و ایجاد رفاه برای ساکنین شهر و روستاها است. بنابراین با بررسی روابط متقابل شهر با روستاهای همجوار و شناخت اثرات مثبت و منفی حاصل از این روابط در صورت تدوین برنامه ای مناسب و منطقی و اجرای آن می توان به تعادل در رابطه شهر و روستا دست یافت و از اثرات منفی گسترش فیزیکی شهر بر روستاهای پیرامونی کاسته و اثرات مثبت آن را تثبیت نمود. عناصر گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ساختار عرصه های روستایی و شهری دخالت دارند و روابط موجود میان آنها را نمی توان بسادگی در چهارچوب های ذهنی و از پیش تعیین شده بررسی کرد؛ اما از آنجا که نظریه ها می توانند به شناخت جنبه های گوناگون روابط شهر و روستا و فعال سازی ذهن و درک بهتر آنها کمک کنند می توان آنها را با توجه به قابلیت های خاص به کارگرفت. بنابراین در این مقاله نظریات مطرح در روابط متقابل شهر و روستا در جهان و ایران در جهت دستیابی به توسعه پایدار به صورت توصیفی و مقایسه ای بیان شده است. نتیجه ایی که حاصل شد بدین صورت است که به طور کلی، شهرنشینی و روستانشینی و روابط شهر و روستا در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. بنابراین در بررسی روابط روستایی- شهری در مناطق مختلف باید شرایط خاص را در کنار قانونمندیهای کلی و عام در نظر گرفت. در کشور ما با توجه به ویژگی های خاص جغرافیای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، شهرنشینی و روستانشینی و روابط بین آنها با کشورهای صنعتی و پیشرفته متفاوت بوده و بنابراین این نظریات، بصورت کلی قابل تعمیم به روستاها و شهرهای کشور ما نیستند و روابط بین شهر و روستا در ایران با کشورهای جهان اول متفاوت است.

واژگان کلیدی: شهر، روستا، روابط متقابل شهر و روستا، نظریه، توسعه پایدار

۱- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی (Sono21521@yahoo.com)

۱- مقدمه

نحوه و دامنه روابط موجود میان شهر و روستا به صورتهای گوناگون بر شکل پذیری، رشد و توسعه سکونتگاههای روستایی و همچنین بر روابط درونی و بیرونی آنها اثر می گذارد. در خصوص نحوه این تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری، مفاهیم و نظرات مختلفی مطرح شده است. (سعیدی؛ ۱۳۸۱، ۱۲۳)

عناصر گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ساختار عرصه های روستایی و شهری دخالت دارند و روابط موجود میان آنها را نمی توان بسادگی در چهارچوب های ذهنی و از پیش تعیین شده بررسی کرد؛ اما از آنجا که نظریه ها می توانند به شناخت جنبه های گوناگون روابط شهر و روستا و فعال سازی ذهن و درک بهتر آنها کمک کنند می توان آنها را با توجه به قابلیت های خاص به کارگرفت.

۲- تعاریف و مفاهیم

در این بخش به شرح تعاریف و مفاهیم موجود در تحقیق می پردازیم، که به شرح ذیل می باشند:

۲-۱- تعریف شهر

شهر یک مکان جغرافیایی ساخته ی دست انسانهاست، که محل استقرار و فعالیت بشر بوده و با داشتن شاخص هایی چون جمعیت بیشتر، خدمات بیشتر، کالبد فیزیکی متفاوت (خیابان کشی، مبلمان شهری و وجود ادارات و دستگاه های مختلف و خصوصاً" شهرداری و وجود روابط پیچیده میان انسانها و اجزاء فیزیکی آن از روستا متمایز است. شهر را در فارس باستان «خشت» می گفته اند که به معنی قلمرو پادشاه است. در اوستا این واژه به صورت «خشته» آمده است. واژه فارسی شهر از همین واژه اوستایی است. در روزگار ساسانی به معنای امروزی آن، شهرستان خوانده می شده است، که از واژه شهر و ستان تشکیل یافته بود. واژه ستان یا استان به معنای جا و مکان می باشد. (نظریان؛ ۱۳۷۴، ک)

تعریف عددی ساده ترین تعریفی است، که می توان از شهر نمود، شهر مرکزی از اجتماع نفوس که در نقطه ای گرد آمده و تراکم انبوهی جمعیت در آن از حد معینی پایین تر نباشد. بر این اساس، در بیشتر ممالک، حد جمعیت شهر ۲۵۰۰ نفر است. تعداد و رقم شاخص برای شناخت شهر، هم از نظر زمانی و هم از نظر مکانی متفاوت است و مهمتر آنکه در هر کشوری بنا به موقعیت خاص آن کشور حد جمعیت شهر تفاوت می کند. (شیعه؛ ۱۳۸۱، ۵)

بر اساس معیار جمعیتی کنفرانس اروپایی آمار در شهر پراگ، کلیه واحدهای جغرافیایی با بیش از ۲۰۰۰ نفر، بیش از ۲۵ درصد از ساکنان خود را از کار و فعالیت بر روی زمین، معاش ندهند. (پناهی؛ ۱۳۷۸، ۲۱) تعریف شهر در قانون جدید تقسیمات کشوری اینگونه اتخاذ شده است، که در آن کلیه نقاط دارای شهرداری در زمان تصویب قانون را شهر دانسته و ایجاد شهرداری در نقطه دیگری در آینده را موکول به داشتن حداقل ۱۰ هزار نفر شمرده است. (زنجانی؛ ۱۳۶۶، ۵)

شهر یا نقطه شهری در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، که در سال ۱۳۷۵ انجام گرفت، چنین تعریف شده است: منظور از شهر، هر یک از نقاط است، که دارای شهرداری باشد. (مرکز آمار ایران؛ ۱۳۷۵، ۴)

تعریف تاریخی: برخی از علما معتقدند که مراکزی که از قدیم نام شهر به آنها اطلاق شده است، به عنوان شهر، شناخته می شوند و در واقع به افتخار قدمتی که دارند، همیشه شهر باقی می مانند.

تعریف حقوقی: نوع دیگر تعریف شهر تعریف حقوقی و اداری است. در دوره های گذشته، شهرها دارای امتیازاتی بودند که در روستاها وجود نداشت، مانند بسیاری از شهرهای قرون وسطایی که حق داشتند، برای خود بازار داشته باشند یا به خدمات نظامی بپردازند، در حالی که روستاها از این امتیازات، برخوردار نبودند. (شیعه؛ ۱۳۸۱، ۵)

به نظر جغرافیدانان، شهر منظره ای مصنوعی از خیابانها، ساختمانها، دستگاهها و بناهایی است، که زندگی شهری را امکان پذیر می سازد. جغرافیدانان، شهر را به عنوان یک واحد مجزا به حساب نیاورده و ارتباط متقابل آن را با منطقه و کشور مورد مطالعه قرار می دهند. (همان؛ ۶) در بیان کلی می توان گفت شهر، موجودی است زنده و پویا و متحول در بستر زمان و بر پهنه مکان، متشکل از اجزای فیزیکی و انسانی و روابط پیچیده میان آنها و متبلور از نقش انسان و اندیشه والای او و متأثر از عوامل و شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و... (دهاقانی؛ ۱۳۷۴، ۳۱)

۲-۲- تعریف روستا

از آنجا که در این تحقیق، روابط شهر و روستا و تأثیر شهر بر روستا مورد بررسی قرار می گیرد، بنابراین تعریف روستا بعنوان اولین مکان استقرار انسانها، که با مازاد اقتصادی خود منشأ ایجاد شهر بوده، ضروری است. روستا یک واحد جغرافیایی است که در

آن پدیده های اجتماعی و طبیعی به طور چشم گیری در هم آمیخته اند؛ این درهم آمیختگی از ویژگیهای مهم روستا و شاخص عمده ای برای تمیز شهر از روستاست. (مهدوی؛ ۱۳۸۳، ۴) روستا محیط زیست، کار و تلاش و تولید گروهی از انسانهاست که در گذشته، در نظام تولیدی خود بیش از محیط شهر وابسته به مکان روستا بوده اند در حال حاضر روستا مکان زیستی و تولیدی تعدادی از جمعیت می باشد که از نظر ساکنان دارای جمعیت کمتری نسبت به شهر است. (مطیعی لنگرودی؛ ۱۳۸۲، ۳۴)

«در فرهنگهای فارسی، روستا را ده و قریه ذکر کرده اند. در زبان پهلوی به روستا، روستاک می گفتند. «مرب آن روستاق، جمع: رساتیق» وزداق، رسداق و رستاک ناحیه ای است، در خارج از شهر، مشتمل بر چند ده و مزرعه که در آن تولید روستایی حاکم است. متقدمان عموماً مفهوم روستا را از ده وسیعتر دانسته اند». (فشارکی؛ ۱۳۷۵، ۱۹)

روستا زیستگاه جماعتی از مردم بر یک عرصه طبیعی برای کشاورزی است. این زیستگاه کشاورزی را بر حسب عناصر اصلی آن می توان به این صورت تعریف کرد: ۱- روستا مشخصات جمعیتی ویژه خود دارد. ۲- روستا یک جامعه مستقل است. ۳- روستا هویت فرهنگی دارد. ۴- روستا هویت تاریخی دارد. ۵- روستا یک زیست بوم است. ۶- روستا نظام رهبری محلی ناظر بر اداره مربوط به خود را دارد. (پاپلی یزدی؛ ۱۳۸۲، ۵۶)

کاظم ودیعی در کتاب مقدمه ای بر روستاشناسی ایران، روستا را از دیدگاه جغرافیایی تعریف کرده و در این تعریف، وحدت جغرافیایی را اساس قرار داده و چنین می گوید: «چنانچه وحدت جغرافیایی را ملاک قرار داده و مناطق را بر حسب واحدهای جغرافیایی تشکیل دهنده آن تجزیه کنیم، به کوچکترین واحد جغرافیایی در داخل قلمرو جغرافیایی وسیع ایران، یعنی روستا یا ده خواهیم رسید، به عبارت دیگر روستا یا ده کوچکترین مرکز تجمع یا حیات انسان در کشور ماست، که ضمناً شخصیت اداری، سیاسی یافته است». (ودیعی؛ ۱۳۵۲، ۴۱-۳۸)

برای اولین بار در قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۰/۱۰/۱۹ روستا در نظام حقوقی ایران این چنین تعریف شد: ده یا قریه عبارت است: از یک مرکز جمعیت و محل سکونت تعدادی خانوار که در اراضی آن ده به عملیات کشاورزی اشتغال داشته و درآمد اکثریت آنان از طریق کشاورزی حاصل گردد و عرفاً در محل ده یا قریه شناخته می شود. (مهندسین مشاور هامون پاد؛ ۱۳۷۲، ۲۳۱)

در سرشماری عمومی سال ۱۳۶۵ در تعریف آبادی (نقطه روستایی) آمده است: آبادی به مجموعه یک یا چند مکان و اراضی بهم پیوسته (اعم از کشاورزی و غیر کشاورزی) گفته می شود، که خارج از محدوده شهرها واقع شده و دارای محدوده ثبتی و یا عرفی مستقل می باشد. اگر آبادی در زمان سرشماری محل سکونت خانوار یا خانوارهایی باشد، (دارای سکنه) و در غیر اینصورت (خالی از سکنه) تلقی می شود. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ نیز تعریف آبادی (نقطه روستایی) با تعریف آن در سال ۱۳۶۵ تفاوتی نداشته است. (سازمان برنامه و بودجه؛ ۱۳۷۵)

روستا عمدتاً یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است که از یک مرکز جمعیت و محل کار و سکونت (اعم از متمرکز و پیوسته یا پراکنده) با حوزه و قلمرو معین ثبتی و یا عرفی تشکیل می شود و اکثریت شاغلان دائمی آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم به یکی از فعالیتهای اصلی، زراعی، دامداری، باغداری، صیادی، صنایع روستایی و یا ترکیبی از این فعالیت ها اشتغال دارند و از آن ارتزاق می کنند و پیوندهای عمیق فرهنگی و اجتماعی مابین جامعه آنها برقرار است و در عرف به عنوان آبادی، دهکده، قریه و یا نهایتاً "روستا یا ده شناخته می شود. (ضیاء توانا؛ ۱۳۶۹، ۵)

۲-۳- ملاک های شناخت شهر از روستا

در سال ۱۹۶۷ کارشناسان سازمان ملل برای شناخت شهر از روستا معیارهایی را ارائه دادند، که به شرح زیر می باشد:

الف) حوزه اداری: با انتخاب ملاک اداری در شناخت شهر از روستا بر جنبه های تاریخی و سیاسی اداری بیش از موارد آماری تأکید می شود.

ب) نوع فعالیت های اقتصادی: مکان هایی که در آنها سهم بیشتری از نیروی کار در نوع ویژه ای از فعالیت های غیر کشاورزی جذب شده باشند، به عنوان شهر شناخته می شوند.

ج) میزان جمعیت: گاهی اوقات ملاک جمعیتی اساس کار قرار می گیرد و در شناخت شهر از روستا، حداقل جمعیت به عنوان معیار قرار می گیرد.

د) مشخصات شهری: شهر جایی است، که در آن مشخصات شهری نظیر خیابان ها، ساختمان های عمومی و خدمات عمومی (مثل لوله کشی، فاضلاب، برق و...) وجود داشته باشد.

س) حوزه دولت محلی: در اینجا حداقل جمعیت ملاک قرار نمی گیرد، بلکه تأکید روی دولت محلی است. (Lang, 1986, 122-127)

زیرمن و سورگین هشت خصیصه را برای تمیز شهر از روستا به طور جمعی عنوان می کنند: ۱- شغل ۲- محیط ۳- اندازه اجتماع ۴- انبوهی جمعیت ۵- تجانس و عدم تجانس ۶- تفاوتها و قشربندی اجتماعی ۷- تحرک ۸- نظام کنش و واکنش متقابل، یعنی شمارش و نوع تماس ها. (رضوانی؛ ۱۳۷۴، ۱۷۴)

جامعه شناسان در شناخت شهر از روستا سه بعد مهم را مورد توجه قرار می دهند:

۱- گرایش به آزادی های مدنی

۲- گرایش به محدودیت اولاد

۳- گرایش به یکپارچگی اجتماعی

جغرافیدانان در این مورد برای طبقه بندی زمین، بیشتر از سایر ملاک ها اعتبار قائل می شوند و در شناخت شهر از روستا به چند ملاک توجه دارند، مانند: کاربری زمین، شرایط محیطی، میزان تراکم جمعیت، قشربندی اجتماعی، میزان تجانس و عدم تجانس جمعیت. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۶۸)

۲-۴- نقش یا کارکرد^۱

واژه نقش در فرهنگ های مختلف در معانی متفاوتی به کار رفته است، مثلاً "در فرهنگ لغات آکسفورد آمده است: رل یا نقش عبارتست از: آن جنبه ایفا کننده فعالیت، حرکت و تحقق یک پدیده در یک زمینه و حیطه وسیع تر. در فرهنگ وبستر اشاره شده که نقش عبارت است از: کاراکتری که فعالیت یک پدیده را در زمینه ای نشان می دهد. در تبیین علی امور، نقش یا کارکرد عبارتست از: دو اثری که هر پدیده در زنجیره پدیده هایی که با آنها مرتبط است، باقی می گذارد. از این رو با توجه به مجموعه تعاریف و شناسه های مذکور، می توان در این رویکرد، نقش یا کارکرد را در معیارهای تاثیرگذاری ساختار جمعیتی- اقتصادی یک پدیده جغرافیایی (شهر) برحوزه پیرامونی و فراتر از آن (منطقه) دانست. (فنی؛ ۱۳۸۲، ۱۴) تالکوت پارسنز مهم ترین نظریه پرداز کارکردی- ساختاری معتقد است که یک کارکرد، «مجموعه فعالیت هایی است، که در جهت برآوردن نیاز یا نیازهای نظام انجام می گیرد». (ریترز؛ ۱۳۷۴، ۱۳۱)

۲-۵- مفهوم فضا^۲

مفهوم فضا در ابعاد جامع خود تجلی گاه رابطه میان تمام فعالیت های انسانی است. این فعالیتها هرکدام به گونه ای متفاوت اثرات خود را بر جای نهاده و چشم اندازه های گوناگونی را به وجود می آورند. (رضوانی؛ ۱۳۷۴، ۸۶) فضا مجموعه ای از انسانها، محیط طبیعی و محیط مصنوعی است. به بیان دیگر فضا محدود به ابعاد فیزیکی نشده و آنچه را در خود داشته اعم از فیزیکی و غیر فیزیکی و با ایستا و پویا را شامل شده و دارای بعد زمان است. (صرافی؛ ۱۳۶۴، ۴)

۲-۶- فضای جغرافیایی

در جغرافیا، فضای جغرافیایی شامل فرآیندهای طبیعی تغییر یافته به وسیله انسان، شرایط اجتماعی تولید و تقسیم کار، در یک محل منتظم می باشد. در واقع فضای جغرافیایی بخشی از سطح زمین است که به همراه درون مایه های مادی و اجتماعی بوجود می آید. (شکویی؛ ۱۳۷۵، ۱۱۸) فضای جغرافیایی فضایی است، که به وسیله ی انسانها در ارتباط با نظام های فکری و براساس نیازهای آنها به شدت ادراک می شود یا فضای جغرافیایی مشتمل است بر فضای قابل سکونت، جایی که ادراک شرایط طبیعی، سازمان بندی زندگی اجتماعی را میسر می سازد و فضایی است عینی، که مجموعه روابط و مناسبات متحول می گردد. این روابط در چهارچوب معینی یعنی در سطح زمین استقرار می یابد. (دلفوس؛ ۱۳۶۹، ۱۷۴)

۲-۷- عوامل موثر در برقراری روابط شهر و روستا

نخستین عامل موثر در تعیین جایگاه شهر و روستاها، ارتباط بین آنها، مناسب بودن شرایط طبیعی اعم از شکل ناهمواری ها، ارتفاع مکان، موقع عمومی و خصوصی، آب و هوا، شبکه ی آنها، جنس خاک و دیگر مسائل طبیعی است. در مکان هایی که این شرایط امکان ایجاد و پیدایش مراکز شهری و روستایی را فراهم ساخته است، شهرها و روستاها ایجاد شده و بین آنها نیز ارتباط برقرار شده است. این ارتباط بین مراکز شهری و روستایی در مناطق مختلف کشور یکسان نبوده و با تأثیرپذیری از شرایط حاکم تفاوت و متنوع است. (رضوانی؛ ۱۳۷۷، ۱۴۲)

1 - Function

2 - Space

از دیگر عوامل موثر در برقراری رابطه‌ی شهر و روستا، عامل اقتصادی است. تفاوت های مکانی منابع اقتصادی و ثروتی در کشور موجب اختلاف در چشم اندازهای شهری و روستایی شده و در این رابطه هر یک از شهرها و روستاها بافت اقتصادی خاص منطقه ای خود را گرفته و نقش و عملکرد خود را نیز از همان شرایط باز یافته است. از این جهت توان اقتصادی نواحی مختلف کشور رابطه نزدیکی با پراکندگی شهرها و روستاها داشته و چگونگی مبادلات تجاری و اقتصادی بین آنها را نیز تعیین می کند. تحولات و دگرگونی هایی که به ویژه در سال های اخیر، در زمینه ی استفاده از وسایل نقلیه به صورت گوناگون به عنوان یک پدیده ی کاملاً جدید به وقوع پیوسته است، عامل دیگری برای ایجاد ارتباط بین شهر و روستاست، که به تحکیم روابط اقتصادی شهر و روستا نیز می افزاید. در مراکز شهری نقش بازار به عنوان یک عامل موثر در ایجاد ارتباط با روستاها را نباید از نظر دور داشت. (پیشین؛ ۱۴۳)

همان گونه که عوامل طبیعی و اقتصادی در رابطه ی شهر و روستا نقش دارند، عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز در این میان حائز اهمیت هستند. عوامل اجتماعی نه تنها در مکان گزینی مراکز شهری و روستایی نقش دارند بلکه در ارتباط بین شهر و روستا نیز مؤثر واقع شده و ایفای نقش می نمایند. در میان این گونه عوامل، مذهب نقش مهمتری را ایفا می کند و پیروان مذاهب هر کدام به لحاظ وحدت مذهبی خود در سایر روابط اجتماعی، از جمله آداب و رسوم و مراسم مذهبی و اعتقادات محلی با یکدیگر در رابطه بوده و جدایی مکانی بین آنها مانع از روابط فرهنگی و اجتماعی آنها نمی شود. (پیشین؛ ۱۴۴)

عامل سیاسی و اداری هم در ایجاد ارتباط بین شهر و روستا نقش داشته و نقش دولت در ارائه خدمات و برنامه ریزی برای گسترش شهرها و روستاها رفته رفته بیشتر شده است و عملکرد سازمان های اداری و دولتی از جمله عواملی محسوب می شود، که نه تنها در بافت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرها تأثیر می گذارد، بلکه روستاهای کشور را نیز تحت تأثیر قرار داده و در ایجاد رابطه بین شهر و روستا نقش عمده ای را ایفا می کند. (پیشین؛ ۱۴۴)

۲-۸- انواع رابطه میان شهر و روستا از نظر مبدأ و مقصد

به طور کلی در هر نقطه برای تأمین نیازمندی ها سه نوع رابطه وجود دارد: ۱- روابطی که از سوی روستا اعمال می شود. ۲- روابطی که از سوی شهر اعمال می شود. ۳- روابطی که هم از سوی شهر و هم از سوی روستا اعمال می شود. (زیاری؛ ۱۳۸۴، ۸۴)

۳- نظریات روابط متقابل شهر روستا

در این قسمت به شرح مختصری از نظریات ارائه شده توسط نظریه پردازان در مورد روابط متقابل شهر و روستا می پردازیم:

۳-۱- نظریه رشد متوازن

در این نظریه اعتقاد بر اینست که، زمانی تعادل بین روابط شهر و روستا برقرار می شود، که هم شهر و هم روستا بصورت یکسان و متعادل به رشد و توسعه اقتصادی دست یابند، بنابراین هر دو به یک اندازه به هم نیاز خواهند داشت و رابطه بین آنها متعادل و متقابل خواهد بود.

به عقیده آدام اسمیت^۱، ثروت ملل یا به قول امروزیها توسعه اقتصادی، تابعی از تقسیم کار است و پیشرفت تقسیم کار تابعی از گسترش و فزونی گرفتن مبادلات. اسمیت در کتاب سوم ثروت ملل برآموزه (دکترین) رشد متوازن، که در فرهنگ توسعه دهه ۱۹۵۰ نظریه ای چشمگیر است، تأکید می کند. (پاپلی یزدی، رجبی، سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۶۲) تنها مازاد تولید روستا (یا مازاد بر نیاز کشاورزان) است، که حداقل معیشت شهرها را تشکیل می دهد. بنابراین معیشت شهرها را می توان تنها با افزایش دادن این مازاد زیاده تر کرد. شهر یک بازار یا نمایشگاه دائمی برای ساکنان روستاست تا از آن طریق به مبادله مواد خام خود با تولیدات صنعتی بپردازند. با این نوع تجارت است که ساکنان شهرها می توانند از مواد اولیه و وسایل معیشت، برخوردار شوند. مقدار کالای ساخته شده ای که آنها به ساکنان روستا می فروشند، ضرورتاً، تنظیم کننده مقدار مواد اولیه و خوارباری است که خریداری می کنند. بنابراین اشتغال یا معیشت آنها تنها به تناسب افزایش تقاضای روستائیان برای کالاهای صنعتی افزایش می یابد و این افزایش تقاضا نیز تنها به تناسب توسعه و کشت اراضی، تحقق می یابد. (اسمیت؛ ۱۷۷۶، ۲۲)

بنابراین از افکار اسمیت اینگونه استنباط می شود، که تعادل بین آنها، شدیداً به میزان توسعه اقتصادی یکدیگر وابسته است و در صورتی این روابط متعادل می شود، که رکود عمومی اقتصاد مشهود نباشد، در غیر اینصورت این روابط هماهنگ و متعادل، به علت شرایط و خصوصیات ویژه شهر (سیاسی بودن، مرکز نخبگان قرار داشتن و...) به نفع شهرها و به ضرر روستاها تغییر می یابد. (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۶۳)

1-Adam Smith

۳-۲- نظریه گرایش معطوف به شهر

مایکل لیپتون^۱ از معروفترین نظریه‌پردازان سالهای اخیر است، که تأثیرات نفوذ مؤثر شهر به روستا را مورد تحلیل قرار داده است. وی می‌گوید: امروزه در کشورهای فقیر دنیا برخورد طبقاتی، نه میان نیروی کار و سرمایه و نه میان منافع خارجی و منافع ملی است، بلکه میان طبقات روستایی و طبقات شهری صورت می‌گیرد. او بر زمینه‌های کاملاً "روشن، در تخصیص منابع در امر توسعه روستایی تأکید می‌کند. به نظر او قدرت مردم شهری به حدی است، که می‌توانند منافع عمده یک کشور را جهت سودیابی خود به شهرها اختصاص دهند و منافع تخصیص منابع را دور از جمعیت روستایی نگه دارند، زیرا نفوذ مؤثر شهر بر حوزه‌های روستایی، نه تنها مردم فقیر را در فقر نگه می‌دارد، بلکه موجب نابرابری‌هایی در داخل حوزه‌های روستایی نیز می‌شود. (Lipton, 1982: 66-814)

«در تخصیص منابع بین شهر و روستا بیشتر اولویتهای شهری مد نظر است و نه رعایت عدالت اجتماعی یا کارایی. گرایش معطوف به شهر همچنین ناکارایی و نابرابری درون بخشها را نیز افزایش می‌دهد.» (پاپلی یزدی، رجبی سناجرودی؛ ۱۳۸۲، ۲۷۶) عده‌ای از محققان در انتقاد از نظریات لیپتون به این موارد اشاره می‌کنند:

الف) نمی‌توان بین جوامع شهری و روستایی، تنها به دلیل به دست آوردن هزینه‌های روستایی به وسیله جمعیت شهری، تفکیکی قائل شد.

ب) مفهوم طبقه در نظریه لیپتون چندان مشخص نیست.

ج) در این نظریه، واقعیت سیاست هم پیمانی شهر بر ضد روستا، روشن نیست. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۴-۳۱۳)

۳-۳- نظریه‌ی دور و تسلسل فقر و روابط شهر و روستا

این نظریه که به وسیله ی نورکس مطرح شد بر پایه‌ی تفکرات کینزی بود. در این نظریه دو نیروی متقابل موجب پایین آمدن درآمد سرانه و عقب ماندگی در جهان سوم است. یکی ارتباط بین فقدان سرمایه، درآمد و پس انداز است. به طوری که درآمد پایین منجر به ظرفیت کم پس انداز می‌شود، از طرف دیگر درآمد پایین نتیجه‌ی سطح نازل بهره‌وری نیروی کار است و تا حد زیادی از کمبود سرمایه ناشی می‌شود و کمبود سرمایه نیز نتیجه‌ی ظرفیت پایین پس انداز است، به این ترتیب دور تسلسل بین پس انداز و درآمده وجود می‌آید. (پاپلی یزدی، رجبی سناجرودی، ۱۳۸۲، ۲۷۰) به نظر نورکس عدم انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری از پایین بودن قدرت خرید مردم که خود نتیجه‌ی سطح پایین بهره‌وری است، شکل می‌گیرد. سطح نازل بهره‌وری ناشی از سطح پایین سرمایه‌ی به کار رفته در تولید است، که حداقل بخشی از آن به خاطر عدم انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری است. (پروین؛ ۱۳۷۵، ش ۲۱) در این نظریه، روند شهرگرایی و رابطه‌ی آن با فقر توده‌های انبوه جمعیت کشورهای جهان سوم، به ویژه در روستاها، مطالعه می‌شود. ضرورت برنامه‌ریزی برای تامین نیازهای اساسی مردم، مطرح می‌شود و ضمن تأکید بر نقش تامین این نیازها در رشد اقتصادی، به نقش اصلی سیستم شهری کارآمد در توزیع نیازهای اساسی توجه می‌شود. در نظریه تسلسل فقر توده‌ها، برای رسیدن به یک سیاست توسعه و تامین عدالت اجتماعی در کشورهای جهان سوم، تامین امکانات، فرصتهای شغلی و خدمات مورد نیاز در شهرهای کوچک و روستاها ضروری می‌نماید. در این نظریه توسعه یکپارچه ناحیه‌ای و تحلیل کارکردی از سیستمهای شهری و نقش آنها در اقتصاد ملی، بیشتر مورد توجه است. (Armstrong and T.G, 1985:13)

۳-۴- نظریه‌ی تفاوت پایه‌ای شهر و روستا

پل سینجر معتقد است، که برای درک مسأله‌ی پیدایش شهر، ابتدا باید تفاوت و رابطه‌ی شهر و روستا را بررسی کرد. بدین ترتیب که روستا، احتیاجات اولیه و معیشتی خود را در طبیعت فراهم می‌کند، بنابراین روستا خودکفاست. در صورتی که شهر، به عنوان محل طبقه‌ی حاکم و مفر قدرت، برای رفع نیازهای اولیه ی خود، محتاج روستاست. در این صورت، شهر زمانی می‌تواند وجود داشته باشد، که نیروهای تولیدی در روستا قادر باشد، بیش از نیاز خود تولید کند. ولی تنها تولید مازاد برای ایجاد شهر کافی نیست، بلکه باید روابطی به وجود آید تا جریان مداوم انتقال مازاد مذکور از روستا به شهر تضمین شود. (پاپلی یزدی، رجبی سناجرودی؛ ۱۳۸۲، ۲۸۱) سینجر می‌گوید: که وجود جامعه‌ی طبقاتی است، که موجب تداوم انتقال مازاد از روستا به شهر می‌شود. به عبارتی دیگر، در جامعه‌ای که مساوات و عدالت اجتماعی وجود دارد و همه به طوریکسان و مشابه در تولید و تصاحب محصولی شرکت می‌کنند، مازاد تولید هم می‌تواند وجود داشته باشد، ولی مسأله اساسی چگونگی پیدایش طبقه‌ای است، که در تولید شرکت نکرده است و مازاد محصولی را که به وسیله‌ی بخش دیگر جامعه تولید می‌شود، تصاحب می‌کند. (عابدین درکوش؛ ۱۳۶۴، ۱۹)

۳-۵- نظریه نقش نخبگان در کانالیزه کردن اطلاعات از مرکز به پیرامون

هیلهورست به نقش روشنفکران، مدیران و تجار در کانالیزه کردن اطلاعات از مرکز به پیرامون اشاره می کند و نقش یک دسته روشنفکر در تثبیت شکاف نظام اجتماعی شهر و روستا و نقش روشنفکران مخالف را در از بین بردن این شکاف روشن می سازد. نقش مدیران در توسعه ی نفوذ شهر، به وسیله ی نظم اداری خاص و مطرح شدن فضای سیاسی شهر مرکزی که شهرستان ها و روستاها را مغلوب قانون مرکز می کند، اعمال می شود. هورست درباره ی رابطه ی بین اندازه ی شهرهای یک کشور با روش تصمیم گیری در آن شهرها معتقد است که نظام سیاسی مبتنی بر تمرکز زدایی کامل، به نوعی توزیع اندازه شهری منجر می شود، که تمام مراکز تقریباً با اندازه ی کوچک، شبیه به یکدیگر خواهند بود. (پاپلی یزدی، رجیبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۸۲)

در مقابل اگر تصمیمات در یک مرکز اتخاذ شود، این مرکز کانون تمام اطلاعات و تصمیم گیری های اصلی می شود و توزیع به دست آمده ی اندازه ی شهرها نمونه ی کامل توزیع مادر شهر می شود، یعنی یک شهر بزرگ در کنار تعداد زیادی سکونتگاه های مشابه کوچک قرار می گیرد. به عبارت دیگر، تصمیم گیری و نظام اطلاعات متمرکز، به برنامه ریزی متمرکز، تمرکز گرایی اداری، تجاری و تولیدی و به دنبال آن تمرکز جمعیتی و خدماتی منجر می شود. در نتیجه با نهادها و سازمان هایی که در جهت اعمال کارکردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تخصصی شده اند، روبه رو می شویم مرکز از طریق شبکه ی ارتباطات تصمیم می گیرد، چه کالایی در پیرامون انتقال یابد و به کجا رود. در مجموع برای تبیین رابطه ی مرکز-پیرامونی در سطح منطقه، باید جریان های مربوط به قطبی شدن سیاسی، اقتصادی و خدمات اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. علاوه بر آن باید رابطه ی سلطه ی مرکز بر پیرامون هم از لحاظ ساخت و هم از لحاظ اندازه و جمعیت - که رابطه ی متقابلی نیز بین این دو حاکم است- مورد بررسی قرار گیرد. (افروغ؛ ۱۳۷۳، ۳۴۰-۳۳۹)

۳-۶- نظریه شهرهای انگلی و زایا

تأثیرات جانبی یا تأثیر بر (سیر قهقرایی) روستاها که در نتیجه ی عملکردهای سیاست قطب رشد در حوزه های روستایی به وجود می آید، نظریه ی «شهرهای زایا یا شهرهای انگلی» را مطرح می کند که برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ به وسیله ی بی اف هوزلیتز^۱ بیان شده است. در این نظریه، شهرهای زایا به شهرهایی اطلاق می شود، که تأثیرات مفید و مثبتی در حوزه ی نفوذ خود می گذارند و برعکس، شهرهای انگلی به شهرهایی گفته می شود، که باعث سیر قهقرایی حوزه های روستایی می گردند. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۳)

شهر زایا در رشد اقتصادی منطقه ای که در آن واقع است، مشارکت می کند، حال آنکه شهر انگلی چنین نقشی ندارد. شهر زایا (مولد) مقادیر قابل توجهی از ارزش اضافی انباشته شده در خود را به سرمایه گذارهایی که سبب گسترش تولید می شوند اختصاص می دهد. سرمایه گذاری می تواند در خود شهر و یا مناطق روستایی اطراف آن اتفاق افتد. (پاپلی یزدی، سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۷۴) شهرهای انگلی با شکلی از سازمان یابی اجتماعی و اقتصادی مشخص می شوند، که اغلب از طریق فعالیتهایی که به وضوح از نظر اقتصادی غیر مفید هستند، تنها به مصرف مازاد اجتماعی مشغولند. یک شهر انگلی بیش از آنکه باز تولید گسترده را، که پیشرفت تمدن و اقتصاد را موجب می شود انجام دهد، درگیر باز تولید ساده است. (هاروی؛ ۱۳۵۸، ۲۵۱-۲۵۰)

در شهرهای انگلی جهان سوم، همواره میان شهر انگلی و منطقه نفوذ آن در مبادله مازاد، عدم توازن دیده می شود و توزیع مجدد مازاد از حوزه های پیرامونی به طرف شهر انگلی صورت می گیرد. نخبگان و قدرتمندان در مادرشهرهای بزرگ یا شهرهای مسلط زندگی می کنند و در نتیجه ی سرمایه گذاری در این شهرها، این افراد بر کل جامعه تسلط می یابند و تقسیم کار و قشر بندی میان شهر و حوزه های روستایی به موازات تقسیم کار و قشر بندی در داخل مادرشهرها تکمیل می شود. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۴۵۳)

۳-۷- نظریه قطب رشد و روابط شهر و روستا

مفاهیم ارائه شده در نظریه ی قطب رشد در زمینه ی رشد اقتصادی، صرفه جوییهای ناشی از مقیاس و تعادل و توسعه منطقه ای در دهه ۱۹۶۰ است که ابتدا فرانسوا پرو و سپس میردال و هیرشمن و بعد بودویل آن را مطرح کردند و به سطوح پایین تر یعنی فضاهای روستایی و در قالب مراکز رشد تعمیم داده شد. روابط بین سکونتگاههای مرکزی در نواحی روستایی با حوزه نفوذ آنها، به عنوان عامل توسعه یا بازدارنده آن، با توجه به نیروهای جذب و پخش در این نظریه تبیین گردید. (رضوانی؛ ۱۳۸۳، ۱۱۲) نظریه ی قطب رشد بر سرمایه گذاری کلان در صنعت، در بزرگترین شهرها تأکید دارد. در این نظریه، دولت ها می توانند انگیزه های رشد اقتصادی را فراهم آورند. این رشد اقتصادی در خارج از مراکز شهری انتشار می یابد و باعث توسعه اجتماعی-اقتصادی ناحیه ای می گردد. بدین سان در نظریه ی قطب رشد به شهرها اولویت داده می شود تا توسعه ی اجتماعی-اقتصادی شهرها باعث توسعه ی

اجتماعی-اقتصادی روستاها گردد. این نظریه، بر عملکرد نیروهای بازار آزاد که تأثیرات جانبی آن، محرک توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی در سراسر یک ناحیه است، تکیه دارد. (Walter and Taylor, 1981, 15-36) در نظریه‌ی قطب رشد، سرمایه‌گذاری در صنعت به منزله‌ی موتور توسعه برای فعالیت‌های کشاورزی و تجاری مورد توجه قرار می‌گیرد و در آن سرمایه و نیروی کار جابه‌جا می‌شود. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۲)

۳-۸- نظریه استور و تیلور در روابط شهر و روستا (توسعه از پایین)

والتربی- استور^۱ از دانشگاه اقتصاد وین- و دی. فرزر تیلور^۲ استاد جغرافیا در دانشگاه کارلتون^۳ اتاوا در برابر نظریات راندینلی، معتقدند سیاست توسعه از بالا (شهر) باید با سیاست توسعه از پایین و به صورت یکپارچه عملی شود تا بیشتر عدالتخواهانه و منصفانه جلوه کند. به نظر دو محقق، استراتژی توسعه از پایین، توسعه بر پایه حداکثر تحرک در منابع انسانی، نهادی و طبیعی ناحیه و هدف آن تأمین نیازهای اصلی ساکنان هر ناحیه است، که به طور مستقیم در مسیر مسائل مربوط به فقر و کنترل آن از پایین جهت‌گیری می‌کند. این استراتژی برای مرکزیت روستایی، تکنولوژی مناسب، رشد انتخابی، توزیع عادلانه منابع، خود کفایی، به وجود آوردن فرصت‌های اشتغال و از همه مهمتر برای شأن و مقام انسانی ارزش بسیاری قائل است. (Walter and Taylor, 1981, 453-454) با مطالعه نظریات استور و تیلور در زمینه روابط شهر و روستا، در امر توسعه می‌توان به چند ویژگی بدین شرح اشاره کرد:

- ۱- تکیه بر منابع طبیعی و انسانی ناحیه؛
- ۲- اولویت بخشی به نیازهای اصلی همه ساکنان ناحیه اعم از شهری و روستایی؛
- ۳- تضمین بکارگیری تولیدات روستایی؛
- ۴- دگرگونی در کیفیت و کمیت شیوه زندگی همه اعضای جامعه اعم از شهری و روستایی؛
- ۵- تصمیم‌گیری حوزه‌های روستایی و کاهش تصمیم‌گیری‌های شهری نسبت به حوزه‌های روستایی. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۷)

۳-۹- نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک^۴

هانس بوبک را میتوان از جمله پیشگامان نظریه‌پردازی علمی در جغرافیای اقتصادی و اجتماعی به شمار آورد. بوبک نظریه‌ی مراحل شکوفایی اجتماعی و اقتصادی جوامع را بر اساس محتوا و عملکرد بردارهای اصلی جوامع در شش مرحله به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌کند:

- ۱- معیشت مبتنی بر شکار؛
 - ۲- مرحله‌ی ورزیدگی در شکار، صیادی و گردآوری خوراک؛
 - ۳- مرحله‌ی کشاورزی عشیره‌ای با فعالیت‌های جانبی در زمینه‌ی دامداری و شبنایی؛
 - ۴- مرحله‌ی جامعه‌ی کشاورزی با تشکیلات حکومتی سازمان یافته؛
 - ۵- مرحله‌ی عناصر شهری قدیمی و سرمایه‌داری بهره‌بری؛
 - ۶- مرحله‌ی سرمایه‌داری مولد، جامعه‌ی صنعتی و عناصر شهری جدید. (رهنمایی؛ ۱۳۷۳، ۱۹-۱۸)
- طبق این نظریه، منطقه‌ی نفوذ و تسلط یک شهر، روی مناطق اطراف از ادوار گذشته، فقط در مفهوم سیاسی آن واقعیت پیدا می‌کرد. این سازمان‌دهی که حتی قبل از اسلام نیز وجود داشته است، تحت نام فئودالیزم نوع شرقی، اصطلاحاً "سرمایه‌داری بهره‌بری معروف شده است. این دانشمند عقیده دارد، که تسلط اقتصادی و اجتماعی شهر بر روستا به وسیله‌ی مالکان بزرگ ساکن شهر اعمال می‌شود. طبق این نظریه نقش‌های شهری چیزی جز روستا نبوده و موجودیت آنها اساساً ناشی از حوزه نفوذ آنهاست و از این حوزه نفوذ است، که شهر، قسمت اعظم نیروی محرک برای رشد و توسعه اقتصادی و نیز ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی خاص خود را دریافت می‌دارد. (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۶۵)

۳-۱۰- استراتژی تأمین نیازهای اصلی در روابط شهر و روستا

1- Walter B.Stohr
2- D.Fraser Taylor
3- Carleton
4- Hans Bobek

در استراتژی تأمین نیازهای اصلی، توزیع مجدد درآمد و ثروت، بخش لایتنجری سیاست توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود و تأمین نیازهای اصلی همه مردم یک کشور، که فقیرترین طبقه جامعه را نیز شامل می‌شود، جزء اهداف آن است. در اینجا به طور خلاصه، اهداف اصلی نظریه استراتژی توسعه بر پایه تأمین نیازهای اصلی را مورد توجه قرار می‌دهد:

- ۱- این استراتژی در واقع یک سلسله طرحهای ویژه برای مردم فقیر جامعه ارائه می‌دهد؛
- ۲- این نظریه، بیشتر بر تأمین نیازهای مصرفی طبقات فقیر و کم درآمد و افزایش خدمات عرضه شده به این مردم، به ویژه در حوزه های روستایی تأکید دارد؛
- ۳- در این استراتژی، به اشتغال طبقه فقیر و کم درآمد جامعه اهمیت بسیاری داده می‌شود و در آن بخشهای مدرن که برای این طبقه اشتغال زا نیست، مورد توجه قرار نمی‌گیرد.
- ۴- در این نظریه، اولویت با روستاهای فقیر، عملکردهای محلی و بومی و درنهایت با سیستمهای اعتقادی است. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۸)

در تبیین دیدگاههای استراتژی توسعه بر پایه تأمین نیازهای اصلی، چنین گفته می‌شود: لازم است، فرصتهای زندگی بهتر برای همه مردم جامعه فراهم آید و درآمدها و ثروتها تعدیل می‌شود؛ زیرا توزیع عادلانه درآمدها و ثروتها، باعث گسترش عدالت اجتماعی می‌شود و بازده تولید و سطح اشتغال جامعه را افزایش می‌دهد. توزیع عادلانه درآمدها و ثروتها و افزایش سطح اشتغال، استفاده از تحصیل، بهداشت و درمان، مسکن و رفاه اجتماعی، همچنین حفاظت از محیط زیست را ممکن می‌سازد. از دیدگاه این استراتژی لازم است، در جامعه به همراه رشد سریع اقتصادی، دگرگونیهای ساختاری و کیفی صورت بگیرد تا باعث کاهش تفاوتهای ناحیه‌ای و اجتماعی - هدف نهایی استراتژی توسعه - گردد. (پیشین، ۳۱۹-۳۱۸)

۳-۱۱- برنامه اسپارک در چین (تفکرات مائوئیستی و نئو مائوئیستی)

در شیوه تفکر مائویی نقش بین شهر و روستا به عنوان تضادی درجه اول، در سازمان‌یابی اجتماعی خلق به شمار می‌آید، تضادی که مشتمل بر سه اختلاف عمده است:

- ۱- اختلاف بین مناطق شهری و مناطق روستایی؛
 - ۲- اختلاف بین صنعت و کشاورزی؛
 - ۳- اختلاف بین کارفکری و کاریدی. (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۸۳)
- یکی از مسائل اساسی سیاست چین از سال ۱۹۵۷ یگانه کردن شهر و روستا (به منظور بر طرف کردن تعارض شهر و روستا به شیوه‌ای که مارکس وانگلس در نظر داشته اند) بوده است. دولت چین برنامه‌ی اسپارک را برای از بین بردن عقب ماندگی روستایی به اجرا گذاشته، که هدف آن توسعه‌ی اقتصاد در روستا با اتکاء به علم و فناوری‌های پیشرفته و قابل انطباق برای بهره‌برداری از منابع طبیعی مورد نیاز بازار است. (پیشین؛ ۲۸۴) «از ویژگی‌های بارز این برنامه، اشتغال زایی از طریق استفاده از وجود اندیشمندان دانشگاه‌ها و موسسات علم و فناوری و دانشجویان و محققان است. این امر نهایت بهره‌وری را به عمل می‌آورد، نه تنها باعث تلفیق هر بیشتر علم و فناوری با تولید می‌شود، بلکه شهر را با روستا ارتباط می‌دهد». (یوزنیگ، یان؛ ماهانه جهاد، ش ۱۷۵، ۵۴-۵۵)

۳-۱۲- نظریه‌ی کارکرد های شهری و توسعه‌ی روستایی

در دهه‌ی ۱۹۸۰ «دنيس راندينلی»^۱ با الهام از نقاط اساسی و مثبت نظریات مهم توسعه‌ی منطقه‌ای اقدام به ارائه‌ی الگوی تحت عنوان (یوفرد)^۲ کرد، که تأکید آن بر استفاده از عملکردهای شهری در توسعه‌ی مناطق روستایی است. یوفرد تأکید می‌کند، که بایستی دسترسی به دامنه‌های وسیعی از عملکردها و امکانات برای تعداد زیادی از مردم (بدون این که تمامی آنها در سکونتگاه موجود باشند) امکان پذیر شود. هدف اولیه یوفرد، گسترش فرایند تجزیه و تحلیل فضایی است، که بتوان به آسانی در شرایط حاکم بر مناطق محروم از آنها استفاده کرد. (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۷۷) راندينلی می‌گوید: اهداف توسعه روستایی جدا از شهرها عملی نیست؛ زیرا بازارهای اصلی برای دریافت مازاد تولیدات کشاورزی در مراکز شهری قرار گرفته است. از طرفی بیشتر عوامل تولید از امکانات سازمانهای شهری بهره‌مند می‌شوند و خدمات مورد نیاز جامعه روستایی مانند بهداشت و درمان و آموزش و غیره که در حوزه‌های روستایی توزیع می‌گردد از مراکز شهری به دست می‌آید؛ از این رو پیشنهاد می‌کند، در صورتی که دولتها بخواهند در سطوح اجتماعی و فضایی به توسعه گسترده دست یابند، باید پراکندگی جغرافیایی سرمایه‌گذارها را تقویت کنند و این امر از طریق عدم تمرکز و سیستم یکپارچه شهرها ممکن می‌شود و امکان دسترسی به بازارها را برای مردمی که در همه بخشهای کشور یا ناحیه زندگی می‌کنند فراهم می‌آورد. (Rondinelli, 28-40)

^۱ -Dennis Rondinelli

^۲ - UFRD

راندینلی وابستگی‌ها را بین حوزه‌های روستایی با شهرهای کوچک و بین شهرهای کوچک با شهرهای بزرگ لازم می‌داند. نظریات دنیس راندینلی از طرحهای مربوط به کشورهای فیلیپین، بولیوی و ولنای علیا (بورکینافاسو) تأثیر پذیرفته است. اساس کار وی در این تحقیقات، نقش کارکردهای شهری در توسعه روستایی بود. (شکویی؛ ۱۳۷۷، ۳۱۶-۳۱۵)

۳-۱۳- ماتریالیسم تاریخی و تقابل شهر و روستا

مارکسیست‌ها زیر ساخت اقتصادی و تشکیل مازاد را لازم‌ترین و تعیین کننده‌ترین شرط پیدایش شهرنشینی به حساب می‌آورند به طور کلی از نظر ماتریالیسم تاریخی شهر به عنوان سازمان‌یابی فضای تقسیم کار در یک شیوه تولید معین در نظر گرفته می‌شود. پس هنگامی که مارک و انگلس از شهر صحبت می‌نمایند، به تقسیم کار و اشکال مختلف مالکیت توجه دارند. براساس خطوط اصلی مطالعات و نظریه‌ی آنان، عظیم‌ترین نوع تقسیم کار مادی و فکری جدایی شهر و روستاست. شهر محل کنترل مالی و به همین ترتیب کنترل ایدئولوژیک است. (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۶۹-۲۶۸) «شهر را واقعیت تمرکز جمعیت، تمرکز ابزار تولید یا تمرکز سرمایه، تمرکز لذات و تمرکز احتیاجات به وجود می‌آورد، در حالی که روستا انزوا و پراکندگی را ارائه می‌دهد. تمرکزی که شهر ارائه می‌دهد، نمایانگر لزوم سازمان دادن است. شهر لزوماً این سازمان را به خصوص به خارج از خود و به روستایی که بیش از پیش تحت تسلطش است، تعمیم می‌دهد». (رمی ژان؛ ۱۳۵۸، ۸۳-۸۲)

۳-۱۴- نظریه‌ی وقف و رابطه‌ی شهر و روستا

سابقه‌ی وقف به دوران ظهور اسلام و روزگار پیامبر(ص) می‌رسد. «وقف حبس عین ملک یا مال، به گونه‌ای که خرید، فروش یا گروگذاری آن ممکن نباشد و حاصل بهره برداری از آن صرف اموری شود، که واقف نیت کرده است». (فرهنگ، منوچهر؛ ۱۳۷۴، ۶۰۶) اسلام از عواطف و ایمان مردم استفاده کرده و مالکیت‌های خصوصی را به سمت مصالح عمومی سوق می‌دهد. بنابراین گسترش وقف در حقیقت، گسترش مالکیت‌های عمومی است و بسط این گونه مالکیت‌ها از ابزار مهم دستیابی به تعادل اجتماعی و اقتصادی است. (سلیمی فر؛ ۱۳۷۰، ۱۷۶)

«با این که سابقه‌ی وقف به روزگار پیامبر اسلام (ص) می‌رسد، جریان شهرنشینی و شکل‌دهندگی شهری آن در مقیاس وسیع به دوران عثمانی و صفوی بر می‌گردد». (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۵۸) «ملاکان و از جمله شاه عباس، املاک خود را به موقوفه تبدیل می‌کردند تا مالیات ندهند و هم چنین مشمول قوانین ارث قرارنگیرد و مصادره نشود». (فوران؛ ۱۳۷۷، ۵۷)

«از اواسط دوره‌ی قاجاریه شاهد تقویت جنبه‌های دولتی وقف هستیم». (قدیری؛ ۱۳۶۹، ۴۳)

وقف منجر به اصلاح اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی و تعدیل ثروت می‌شود. مالکیت بسیاری از آثار و عناصر شهری که در زمره‌ی موارث فرهنگی و تاریخی کشور به شمار می‌روند، وقفی است، اما همه‌ی این دستاوردهای بیشمار که در شهرها و بیرون شهرها وجود دارد، ریشه‌ی آن در روستاها نهفته است. اسناد وقفنامه‌های بسیاری گواه بر آن است، که بسیاری از این محلات از محل درآمد موقوفات روستاها ساخته شده‌اند. در زمینه‌ی رابطه‌ی شهر و روستا، استفاده از بهره‌ی مالکانه و اجاره در چهار چوب نظام سرمایه‌داری بهره‌بری از روستا وجود داشت. «خود وقف یکی از عوامل عمده‌ی تحکیم رابطه‌ی شهر و روستاست». (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۶۰-۲۵۹)

۳-۱۵- نظریه فناوری‌های نابرابر و پیدایش سکونتگاهها

سعید زاهد، جامعه‌ی ایران پیش از انقلاب اسلامی را براساس این نظریه بررسی کرده است. وجود نابرابری در فناوری حاکم بر جامعه، علت پیدایی حاشیه نشینی است و چون فناوری تابع نظام روابط اجتماعی است، پس نابرابری در این نظام به حاشیه نشینی می‌انجامد. (پاپلی یزدی، رجبی سناجردی؛ ۱۳۸۲، ۲۵۶-۲۵۵) «اگر روابط اجتماعی در یک جامعه خصلتاً "تمرکزگرا باشد، فناوری نیز به شکل تمرکزگرا تنظیم شده و به همین نحو به کار گرفته می‌شود و به این ترتیب، توزیع امکانات نیز به صورت متمرکز و یا به عبارت دیگر به صورت قطبی انجام می‌گیرد. این امر مراکز را ایجاد می‌کند، که از امکانات فراوانی برخوردارند و در مقابل نقاطی پدید می‌آیند که از امکانات بسیار اندکی بهره مند هستند. به این ترتیب اختلاف بین سکونتگاههای مختلف به وجود آمده و عده‌ای شهرنشین، عده‌ای روستانشین و عده‌ای دیگر حاشیه نشین می‌شوند. شدت اختلاف بین این سکونتگاهها، به میزان شدت در تمرکزگرایی روابط اجتماعی باز می‌گردد. هرچه از میزان تمرکزگرایی کاسته شود، از گسترش و شدت اختلاف بین انواع سکونتگاهها کاسته می‌شود». (زاهد زاهدانی؛ ۱۳۶۹، ۲۶)

۴- روابط شهر و روستا از آغاز تاکنون

۴-۱- روابط شهر و روستا در دوره‌ی قبل از ورود اسلام

الف- دوره‌ی ماد: در دوره‌ی مادها تفاوت چندانی بین جوامع شهری و روستایی وجود نداشت. شاید بتوان گفت؛ تنها تفاوت میان شهر و روستا در این دوره را انبوهی جمعیت و استقرار نیروهای نظامی و حکومتی در شهر دانست. در این دوره هنوز تقسیم کار به وجود نیامده بود و بنیان اقتصادی شهر بر مبنای کشاورزی و زراعت بود. روی هم رفته شهر نشینی و روستا نشینی در دوران ماد به لحاظ عدم ثبات سیاسی مداوم، رونق چندانی نداشت. درگیریهای قومی و قبیله‌ای در حوزه سیاسی دولت ماد و حمله‌ی دشمنان بیگانه به شهرها نقش اداری و نظامی محول می‌نموده است. (رضوانی؛ ۱۳۷۴، ۴۲-۳۹-خلاصه)

ب- دوره‌ی هخامنشیان: بنیان اقتصادی کشور در این دوره بر مبنای کشاورزی بود و چون روستائیان پرداخت کننده اصلی هزینه‌های کشوری و لشگری بوده‌اند، از سوی شاهان هخامنشی مورد توجه خاص قرار می‌گرفته‌اند. زندگی در شهر هخامنشی مترادف با جدایی از کار و تولید کشاورزی بوده است، به طوری که حتی کودکان و زنان در ساختن بناهایی برای طبقه ممتاز به بیگاری گرفته می‌شدند و در این بین، جامعه روستایی تأمین کننده مواد غذایی شهرها و سربازانی بود، که به طور دائم در ارتش هخامنشی خدمت می‌کردند. کنترل جوامع روستایی نیز توسط وابستگان و یا نمایندگان شاه صورت می‌گرفت. (پیشین؛ ۵۴-۴۲، خلاصه)

در زمان هخامنشی تقسیم کار میان کشاورزی، صنعت و تجارت در اجتماعات شهری و روستایی وجود نداشت، در نتیجه تمایز و کشاکش میان شهر و ده به چشم نمی‌خورد. (دهاقانی؛ ۱۳۷۴، ۱۶)

ج- دوره‌ی سلوکیان: در دوره‌ی سلوکیان روز به روز فاصله میان طبقات کم درآمد ساکن در روستا و طبقات مرفه‌نشین ساکن شهرها که اکثراً یونانی بودند، زیاده‌تر شد. طبقات کم درآمد، فشار سنگین مالیاتها را تحمل می‌کردند. بتدریج کشمکش بین دو جامعه شهری و روستایی به وجود آمد. (پیشین؛ ۸)

د- دوره‌ی اشکانیان: در زمان اشکانیان بنیان اقتصادی کشور، نخست بر کشاورزی و سپس بر صنعت استوار بود. شهرها در این دوره، طبقاتی را در خود جای دادند، که جدای از روستائیان و کشاورزان اطراف شهرها، تنها به امور تجارت و بازرگانی، که به عنوان وظیفه‌ای به شهرها محول شده بود، اشتغال داشتند. از طرفی شهرها شدیداً به مازاد کشاورزی روستا وابسته شدند، چرا که تغییر نقش آنها استفاده از تولیدات زراعی و دامپروری را ایجاب می‌کرد. (پیشین؛ ۹)

ه- دوره‌ی ساسانیان: در دوره‌ی ساسانیان سیستم اقتصادی کشور از برده‌داری به فئودالیزم تغییر یافت. نضج روابط فئودالی، جدایی صنایع دستی از کشاورزی را موجب گردید، چه اغلب کشاورزان روستایی به سبب فشار مالکان، خود روستاها را ترک نموده و به مراکز شهری روی می‌آوردند، که از رونق تجاری و بازرگانی برخوردار بودند. (رضوانی؛ ۱۳۷۴، ۵۲)

۴-۲- روابط شهر و روستا در دوره‌ی بعد از ورود اسلام

مفهوم منطقه شهری در دوره‌ی پس از ورود اسلام متجلی شده، که عبارت بود از روابط بین شهر و روستا بر اساس مبادله مازاد تولید، کالاهای صنعتی، مروجین مذهبی و... بین یکدیگر و نفوذ شهر در روستاها و شهرهای کوچک اطراف. در شهرنشینی دوره‌ی پس از ورود اسلام روابط استعمارگرانه‌ای که بین شهر و روستا در زمان ساسانیان برقرار بود، از بین رفت. در این دوره بین شهر و روستا آن چنان پیوند و همبستگی ایجاد شد، که این به عنوان یکی از وجوه تمایز شهرنشینی این دوره با شهرنشینی در اروپا به شمار می‌رود. در دوره پس از ورود اسلام جدا از مسجد جامع و منبر که وجه تمایز شهر از روستا بود، بین عملکردهای شهر و روستا تداخل و تشابه وجود داشت. (ملائی؛ ۱۳۸۳، ۶۲)

ارتباطات شهرهای اسلامی با روستاهای حوزه نفوذ به نظر آقای دکتر شکویی به سه طریق زیر بوده است:

۱- تعداد زیادی از روستاهای حوزه نفوذ مواد غذایی شهر را تأمین می‌کردند، این روستاها نظم، امنیت و قانون را از شهر طلب می‌کردند و شهر امنیت روستاها را تأمین می‌کرد.

۲- شهر از طریق علمای اسلامی و مفسران قرآن با روستاها در ارتباط بود.

۳- فروشندگان و بازرگانان شهری با روستاها در جهت خرید تولیدات روستایی و فروش فرآورده های شهری در ارتباط بودند. (شکویی؛ ۱۳۷۲، ۲۰۳)

توافق کامل، هم زیستی و وحدت چند سویه شهر با روستاهای اطراف خود در دوران حکومت صفویان به اوج خود رسید. از زمان سقوط حکومت صفوی قدرت به دست قبایلی افتاد، که تا اوایل قرن سیزدهم هجری یکی پس از دیگری بر خطه ای از کشور حکومت می کردند. در قرن دوازدهم هجری یعنی قرن حکومت قبایل و قری که جنگ و قتل و غارت مایه ای مباحات بود، صفت شهری یا میرزا، مانند یک اصطلاح خفت آور استعمال می شد. (حبیبی؛ ۱۳۷۵، ۱۰۴)

در دوره ی قاجاریه، شهر در معنای اروپایی آن، در تقابل با روستا چهره می نماید. شهر به عنوان مرکز اداری-حکومتی و تجاری-بازرگانی، بیش از آن که در ارتباط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با روستاها و منطقه تابعه خود باشد، متأثر از شرایط ورود و گردش کالا و سرمایه ی خارجی است. (پیشین؛ ۱۱۹)

۴-۳- روابط شهر و روستا در دوران معاصر

در این بخش از تحقیق روابط شهر و روستا در سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۵ بررسی شده است.

الف- رابطه ی شهر و روستا در سال ۱۳۲۰-۱۳۰۰: در آغاز گذار از سرمایه داری در ایران، یعنی در آغاز روی کار آمدن رضا شاه، جامعه ی ایران عمدتاً پیش سرمایه داری بود. روستاها در این دوره مکان اصلی تولید و استقرار جمعیت به حساب می آمد، که ۷۲ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده بود. شهرها عمدتاً مراکز تجارت (داخلی و خارجی) و نیز مرکز سیاسی حکومت به شمار می رفتند. در این دوره هنوز ۸۰ درصد از تولید داخلی در بخش کشاورزی تولید می شد. رضا شاه تقریباً فقط حیات شهری را دستخوش تحول ساخت. ادارات مختلف، کارخانجات و صنایع، چهره ی شهر و نیز ساخت اشتغال شهری را دستخوش تحول ساختند. افزایش سریع وسایل حمل و نقل و وسایل نقلیه ی شهری بیش از پیش چهره ی سنتی شهرها را دگرگون می ساخت. یگانه تأثیر تحولات این دوره در زندگی روستایی، سربازگیری اجباری بود. رشد بازار مصرف شهری یکی از عوامل رشد و افزایش مازاد کشاورزی در این دوره بود. (اعتماد و دیگران؛ ۱۳۷۷، ۴۰-۳۸) رونق تجارت در شهرها، که به دلیل گسترش زیرساخت های ارتباطی و برقراری امنیت سیاسی در این دوره تشدید شده است، باعث وابستگی حیات روستایی به رونق شهری می گردد. بنابراین شهر در این دوره به صورت مکان تحقق مدرنیزاسیون و روستا به صورت مکان ابقای شیوه های کهن تولید ظاهر می گردد. لذا در فاصله سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ بازتاب فضایی غلبه داشتن شبکه ی محلی و استخراج و تمرکز مازاد، همانا شبکه ای نسبتاً موزون از شهرها و روستاهاست. (پیشین؛ ۴۳-۴۱)

ب- روابط شهر و روستا در طی سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰: شروع حرکت های مهاجرتی و آغاز شهرنشینی معاصر ایران، مقارن سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ است. این دوره، دوره ی وقفه در روند مدرنیزاسیون و رکود اقتصادی است. از آنجا که روند مدرنیزاسیون عمدتاً روندی شهری بود، در این دوره به طور کلی حیات شهری دچار رکود می شود. بر اثر جنگ جهانی، تجارت خارجی از رونق افتاد. با کاهش شدید میزان تجارت خارجی و صادرات مواد اولیه ی کشاورزی از یک سو ورود متفقین به ایران و هرج و مرج ناشی از آن، رابطه ی سازمان یافته ی شهر و روستا از حیث مازاد اقتصادی روستایی یا نقش شهر در متمرکز کردن این مازاد اقتصادی تضعیف شد. این گسیختگی نیز باعث کاهش نقدینه کاری و نزول سطح فعالیت های کشاورزی می شود. (اعتماد و دیگران؛ ۱۳۷۷، ۴۴-۴۳) گسترش امکانات بهداشتی، میزان مرگ و میر در روستاها را کاهش داد و با ثابت بودن میزان زاد و ولد، جمعیت روستایی رو به افزایش گذارد. در مقابل این افزایش جمعیت، فعالیتهای کشاورزی نه تنها گسترش نیافت، بلکه دچار انقباض نیز شد. حاصل این هر دو، آغاز روندهای مهاجرتی از دهه ۱۳۲۰ در ایران است. (پیشین؛ ۴۵) گسیختگی رابطه ی شهر و روستا و اتکاء روزافزون شهر به مازاد اقتصادی غیر کشاورزی، که تا به امروز در ایران ادامه پیدا کرده است، از همین دوره آغاز می شود. روند در حاشیه قرارگرفتن بخش کشاورزی ایران از این دوره آغاز می شود. از این دوره به بعد با تثبیت نقش نفت (خاصه پس از کودتای ۱۳۳۲) به عنوان محصول صادراتی ایران، بخش کشاورزی دیگر مجال رونق و تبدیل شدن به بخش صادراتی را پیدا نکرد و به طور روزافزون در حاشیه قرار گرفت. این امر به طور روزافزونی باعث تشدید گسیختگی شبکه شهری و شبکه تبادلات شهر و روستا می شود. (پیشین؛ ۴۷-۴۶)

ج- روابط شهر و روستا در طی سالهای ۱۳۴۰-۱۳۳۲: کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در گسیختگی شبکه استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی کشاورزی، نقطه عطفی به حساب می آید، چرا که از این دوره به بعد با تداوم یافتن روند مدرنیزاسیون در حقیقت زمینه ی تبدیل نفت به مهمترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی و در نتیجه کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات فراهم آمد. (اعتماد و دیگران؛ ۱۳۷۷، ۴۷) در این دوره علی رغم گسترش نسبی فعالیت های کشاورزی، مازاد اقتصاد روستایی دیگر تعیین کننده ی روند شهرنشینی نیست. از این دوره به بعد شهر با اتکاء به مازاد اقتصادی حاصل از صدور نفت به محور اصلی تحولات جامعه بدل می گردد. با گسترش روز افزون تجارت خارجی و سرمایه گذاری ها و وام های خارجی، شهرها هرچه

بیشتر به مکان تحقق تجارت جهانی و تمرکز مازاد اقتصادی ملی (درآمدهای حاصل از صادرات نفت) تبدیل شدند و در نتیجه هر چه بیشتر مستقل از مازاد اقتصادی روستایی و نوسانات آن به حیات خود ادامه دادند. (پیشین؛ ۴۸-۴۷)

با تبدیل شهر به محور اصلی حیات اقتصادی جامعه و گسترش زیرساخت‌های صنعتی و مالی جهت بسط مناسبات سرمایه‌داری، فعالیت‌های جدید و سودآور در شهرها پدید آمد. در این دوره مقام کشاورزی در ساخت اقتصادی رو به تنزل می‌رود و این امر باعث افزایش مازاد نسبی جمعیت روستایی و سپس مهاجرت می‌شود، از سوی دیگر رونق شهری امکان جذب نسبی مهاجران روستایی را فراهم می‌آورد. برخلاف دوره‌ی قبلی که به دلیل رکود شهری میزان شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر چندان زیاد نبود، در این دوره میزان مهاجرت بیش از دوره‌ی قبلی است. (پیشین؛ ۴۸)

د- روابط شهر و روستا در طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۴۰: شهرنشینی دوران معاصر ایران از اصلاحات ارضی دهه‌ی ۴۰ آغاز می‌شود. تحولاتی که در روستا به دنبال اصلاحات ارضی صورت گرفت، همه به جدایی هرچه بیشتر نیروی کار از فعالیت‌های کشاورزی و روستایی انجامید. تقسیم زمین میان دهقانان صاحب نسق، موجب بی‌زمین ماندن روستاییان فاقد نسق شد. رواج پول و مبادلات نقدی در نزد روستاییان که بعد از اصلاحات ارضی به مراتب تشدید شد و آنها را وابسته به اقتصاد پولی ساخت. (اعتماد و دیگران؛ ۱۳۷۷، ۶۰-۵۹) شهرها در این دوره مکان تحقق مازاد اقتصاد ملی هستند. برنامه‌های عمرانی در آغاز صرف بهبود زیرساخت‌های شهری و بین شهری و در مرحله‌ی بعد صرف سرمایه‌گذاری‌های صنعتی شد. عدم مهارت نیروی کار روستایی از یک سو و رونق مشاغل ساختمانی و مشاغل حاشیه‌ای (مشاغل سازمان نیافته و اتفاقی) جاذب مازاد جمعیت روستایی شد. (پیشین؛ ۶۱-۶۰) بدین ترتیب تأثیرات متقابل تحولات شهر و روستا در این دوره به شکل حلقه‌ای از روابط علت و معلول درآمد و باعث تشدید شهرنشینی و مهاجرت‌های داخلی در این دوره شد. در این دوره، رونق شهری از یک سو و کاهش اهمیت کشاورزی و فروپاشی روابط سنتی در روستا از سوی دیگر به روندهای مهاجرتی نیز دامن می‌زند. (پیشین؛ ۶۲-۶۱)

۵- بحث و نتایج مقایسه روابط شهر و روستا در ایران و کشورهای اروپایی

یکی از وجوه تمایز شهرنشینی در ایران بعد از اسلام با شهرنشینی در اروپا، رابطه شهر و روستا است. در اروپا شهرها واحدهای مستقل و خودگردان بوده و بیشتر جایگاه کسبه و پیشه‌وران بود، در حالیکه مرکز اساسی قدرت در دوره‌ی فتودالی، در روستا بود که قلعه‌ی ارباب (فتودال) در آنجا قرار داشت. بدین ترتیب شهر و ده از نظر پایگاه قدرت سیاسی و مالی از یکدیگر جدا بوده و جدا بودن آنها از هم موجبات رشد و نمو خودفرمانی شهرنشینان و کشمکش آنها با فتودال شد. در دوران جدید اروپا که شهرهای غربی در مسیر صنعتی شدن قرار گرفتند، تمایز میان شهر و روستا رفته‌رفته بیشتر شد و روستاها روی سنن قدیمی، واحدهای اقتصادی و اجتماعی خودبسنده‌ای به شمار می‌آمدند. (ملایی؛ ۱۳۸۳، ۶۶)

مطالعات انجام شده درباره‌ی روابط شهر و روستا در دوره‌ی اسلامی در ایران و بعضی دیگر از کشورهای اسلامی ویژگی‌های زیر را مورد تأکید قرار می‌دهد:

۱- شهر و روستا هرگز موجودیتی مستقل از هم نداشته و همواره بین آنها روابط چند جانبه‌ای با واکنش‌های متعدد، متقابل و مکمل وجود داشته است. (اشرف؛ ۱۳۵۲، ۴۱)

۲- از نظر فرهنگ نیز شهر و روستا فرهنگ مشترکی داشته اند، درعین حال که تفاوت‌هایی نیز میان فرهنگ شهری و فرهنگ روستایی وجود داشته است. البته باید توجه داشت، که گسترش زندگی شهرنشینی در دوره‌ی جدید، تفاوت میان شهر و روستا را زیاده‌تر کرده است.

۳- از نظر اقتصادی نیز جدایی میان کار داد و ستد و کشاورزی از یک سو و کار داد و ستد و صنعت از سوی دیگر، در اجتماعات روستایی به طور کامل پدید نیامده است. شهر و روستا در ایران بعد از اسلام دارای کارکرد مشترکی بوده‌اند و خصلت کاملاً متمایز تولیدی میان شهر و روستا وجود نداشته است (سلیمانی؛ ۱۳۷۶، ۳۷)

۴- از نظر اجتماعی رابطه و پیوند شهر و روستاهای هر منطقه به امور اقتصادی منحصر نبوده است، بلکه در زمینه‌های اجتماعی نیز میان آن دو ارتباط و نوعی هم‌بستگی وجود داشته است. هم‌بستگی روستاییان با اهالی شهرها در اغلب موارد بر پیوندهای مذهبی و فرقه‌ای استوار بوده است. (سلطان زاده؛ ۱۳۷۲، ۲۲)

بنابراین شهر و روستا در ایران تا اوایل سده‌ی بیستم نه تنها موجودیتی مستقل نداشتند، بلکه در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اداری و اقتصادی همواره پیوند و ارتباط متقابل با یکدیگر داشته‌اند و با هم تشکیل یک منطقه‌ی کارکردی واحدی می‌داده‌اند. مطالعات نشان داده‌اند، که رابطه‌ی متقابل میان شهر و روستا تا اواخر دوره‌ی قاجاریه وضع نسبتاً ثابتی داشته است ولی از اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی در اثر رویکرد به فرهنگ و ارزش‌های غربی و تعمیم آن در تمامی زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی ایران و به کار بستن الگوی توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی شبه سرمایه‌داری نظام کهن حاکم بر جامعه‌ی ایران از جمله (نظام رابطه‌ی شهر و روستا) دگرگون گشته و نظام جدیدی بر رابطه‌ی شهر و روستا حاکم شد. (ملایی؛ ۱۳۸۳، ۶۷)

نتیجه گیری

به طور کلی، شهرنشینی و روستانشینی و روابط شهر و روستا در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. بنابراین در بررسی روابط روستایی- شهری در مناطق مختلف باید شرایط خاص را در کنار قانونمندی‌های کلی و عام در نظر گرفت. در کشور ما با توجه به ویژگیهای خاص جغرافیای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، شهرنشینی و روستانشینی و روابط بین آنها با کشورهای صنعتی و پیشرفته متفاوت بوده و بنابراین این نظریات، بصورت کلی قابل تعمیم به روستاها و شهرهای کشور ما نیستند و روابط بین شهر و روستا در ایران با کشورهای جهان اول متفاوت است.

منابع

- ۱- اشرف، احمد؛ (۱۳۵۳)؛ ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران- دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دانشگاه تهران.
- ۲- افروغ، عماد؛ (۱۳۷۳)؛ شهری شدن و توسعه و نظریه شهری پیشنهادی مرکز- پیرامونی، مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی و توسعه، ج ۱، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران.
- ۳- بیوزینگ، یان، (بی تا)، برنامه اسپارک و توسعه منابع انسانی، ترجمه رحمانقلی قلی‌زاده، ماهنامه جهاد، شماره ۱۷۵، تهران.
- ۴- پاپلی یزدی، محمد حسین، رجبی سانجودی، حسین، (۱۳۸۲)؛ نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران.
- ۵- پروین، سهیلا، (۱۳۷۵)؛ فقر زدایی از نگاه مکاتب اقتصادی، نشریه مجلس و پژوهش، س ۴، ش ۲۱، تهران.
- ۶- پناهی، رجب، (۱۳۷۸)؛ پایان نامه رابطه شهر و روستا در ایران و عوامل موثر در توسعه آن- مورد مطالعاتی شهرستان پارس آباد، مقطع ارشد، رشته جغرافیا، برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران.
- ۷- حبیبی، سید محسن، (۱۳۷۵)؛ از شار تا شهر، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۸- حسامیان، فرخ، اعتماد، گیتی، (۱۳۷۷)؛ شهرنشینی در ایران، چاپ سوم، موسسه انتشارات آگاه، تهران.
- ۹- دولفوس، الویه، (۱۳۶۹)؛ فضای جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات محقق، تهران.
- ۱۰- رضوانی، علی اصغر، (۱۳۷۴)؛ روابط متقابل شهر و روستا با تاکید بر ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۱۱- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۳)؛ مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، تهران.
- ۱۲- رمی، ژان، (۱۳۵۸)؛ بینش مارکس در مفهوم شهر (۲)، ترجمه مینا مخبری و محمدرضا حائری، گروه تحقیق و مطالعات شهری، تهران.
- ۱۳- رهنمایی، محمدتقی، (۱۳۷۳)؛ دولت و شهرنشینی: نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، س ۹، شماره مسلسل ۳۲، تهران.
- ۱۴- ریتزر، جورج، (۱۳۸۰)؛ نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
- ۱۵- زاهد زاهدانی، سید سعید، (۱۳۶۹)؛ حاشیه نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.
- ۱۶- زنجانی، حبیب الله، (۱۳۶۶)؛ مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی، جمعیت مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- ۱۷- زیاری، کرامت الله، (۱۳۸۴)؛ شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در کازرون، دانشگاه یزد، انتشارات گنج هنر، یزد.
- ۱۸- سازمان برنامه و بودجه استان زنجان، (۱۳۷۵)؛ سرشماری عمومی نفوس و مسکن- نتایج تفصیلی، شهرستان زنجان.
- ۱۹- سعیدی، عباس، (۱۳۸۳)؛ مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- ۲۰- سلیمانی، محمد، (۱۳۷۶)؛ پایان نامه رابطه شهر و روستا و تشخیص مکان‌های مرکزی در دشت گرمسار، مقطع ارشد، جغرافیای انسانی- اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۲۱- سلیمی‌فر، مصطفی، (۱۳۷۰)؛ نگاهی به وقف و آثار اقتصادی- اجتماعی آن، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، تهران.
- ۲۲- شکوئی، حسین، (۱۳۷۲)؛ دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
- ۲۳- شکوئی، حسین، (۱۳۷۵)؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران.

- ۲۴- شیعه، اسماعیل، (۱۳۸۱)؛ مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، چاپ دوازدهم، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- ۲۵- صرافی، مظفر، (۱۳۶۴)؛ سیری در مباحث توسعه فضایی، با نگاهی ویژه به طرح آمایش سرزمین، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ۲۶- ضیاء توانا، حسن، (۱۳۶۹)؛ نگاهی کوتاه به روستا و تحول آن در ایران، رشد آموزش جغرافیا، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- ۲۷- عابدین درکوش، سعید، (۱۳۶۴)؛ درآمدی به اقتصاد شهری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- ۲۸- فرهنگ، منوچهر، (۱۳۷۴)؛ فرهنگ علوم اقتصادی، نشر البرز، تهران.
- ۲۹- فشارکی، پریدخت، (۱۳۷۵)؛ جغرافیای روستایی، جلد ۲، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۳۰- فنی، زهره، (۱۳۸۲)؛ شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
- ۳۱- فوران، جان، (۱۳۷۷)؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران.
- ۳۲- قدیری، بهرام، (۱۳۶۹)؛ احیاء فرهنگ وقف، با هدف تسهیل در مجتمعهای زیستی، نشریه صفه، س ۱، ش ۱، تهران.
- ۳۳- مرکز آمار ایران، (۱۳۶۵)، (۱۳۷۵)؛ سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور، تهران.
- ۳۴- مشهدی زاده دهقانی، ناصر، (۱۳۷۴)؛ تحلیلی از ویژگیهای برنامه‌ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- ۳۵- مطیعی لنگرودی، سیدحسن، (۱۳۸۲)؛ برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
- ۳۶- ملایی، خداکرم، (۱۳۸۳)؛ بررسی نقش رابطه شهر و روستا در تکوین و گسترش شهر نورآباد دلفان با استفاده از GIS، پایان نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، (منتشر نشده).
- ۳۷- مهدوی، مسعود، (۱۳۸۳)؛ مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات سمت، تهران.
- ۳۸- مهندسین مشاور هامون پاد، (۱۳۷۲)؛ طرح طبقه بندی روستاها و تعیین خطوط استراتژی توسعه عمران روستایی، تهران.
- ۳۹- نظریان، اصغر، (۱۳۷۴)؛ جغرافیای شهری ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۴۰- ودیعی، کاظم، (۱۳۵۲)؛ مقدمه‌ای بر روستا شناسی ایران، انتشارات کتابفروشی دهخدا، تهران.
- ۴۱- هاروی، دیوید، (۱۳۷۹)؛ عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، چاپ دوم، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

- 42- Armstrong, Warwick and T.G.McGee; (1985), "Theatres of Accumulation", Methuen.
- 43- Lang, Marvel; (1986), "Redefining Urban and Rural for the U.S. census of Population", Urban Geography; Vol.7, March.
- 44- Lipton, M; (1982), "Why Poor People Stay Poor", Hutchinson.
- 45- Rondinelli, Dennis A; (1984), "Cities, Markrt Town and Agriculture Dvelopment"; Regional Development Dialogue; Vol. 5, No. 1.
- 46- Stohr Walter Band D.R.Fraser Taylor; (19

تحلیلی بر پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری؛ مطالعه
موردی: نواحی شهر خرم آباد
علیرضا سیاف زاده، فاطمه احمدی

بررسی طراحی معماری پایدار با رویکرد طراحی معماری بیونیک
و ارتباط آن‌ها بایکدیگر
بهزاد تقی پور قصابی، احمد میرزاحمدی

مروری بر مفهوم رابطه از نظر اندیش‌مندان معاصر معماری و
شهرسازی
فرشیده امیدواری، علی حسینی

بررسی مقابر دوره سلجوقی ارومیه با تمرکز بر بنای سه گنبد
ارومیه
زهرافرزانه نژاد، نسیم نجات قزلحاجی

شناخت نظریات مطرح در روابط متقابل شهر و روستا در جهان و
ایران جهت دستیابی به توسعه پایدار
اسرا نوروزی